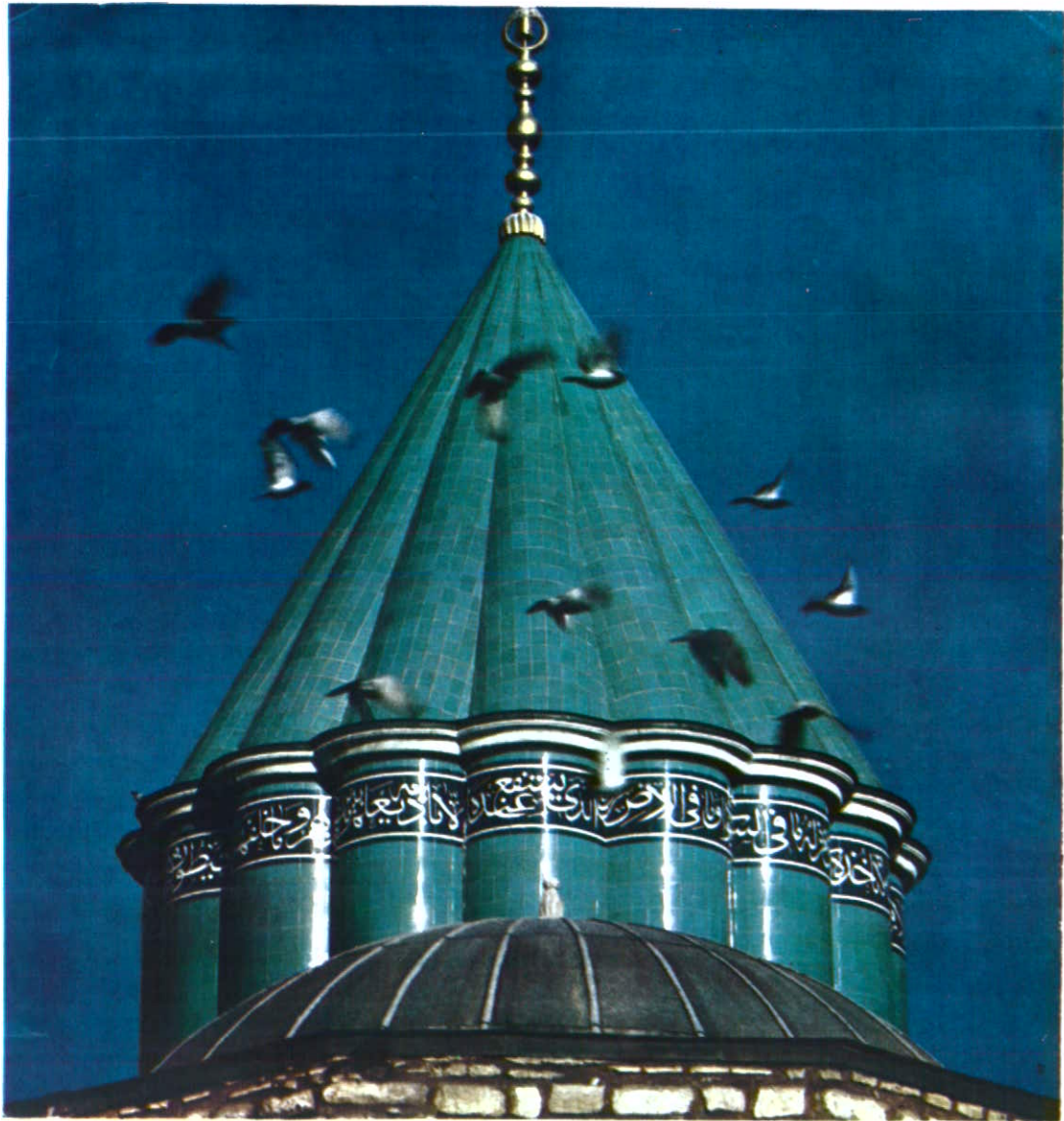


# مجله آموزش جغرافیا

سال دوم شماره ۵ بهار ۱۳۶۵ ۱۰۰۰ ریال





# آموزش جغرافیا

شماره ۵ - بهار ۱۳۶۵

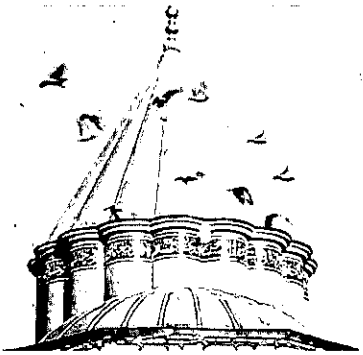
نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش نشانی: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ - گروه جغرافیا

تلفن: ۸۲۶۱۸۴

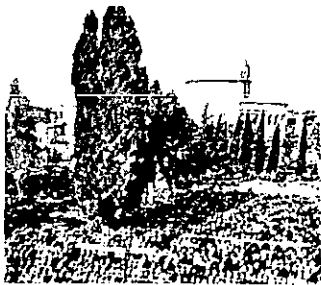
سر دبیر: دکتر حسین شکوئی

مدیر مسئول: عبدالرضا فرجی

زیر نظر اعضای هیئت تحریریه



عکس روی جلد: آرامگاه مولوی در نوبد



عکس پشت جلد: نمایی از قدس

به مناسبت روز جهانی قدس

## فهرست مطالب

۳	* پیشگفتار ..... صفحه ۳
۴	* جغرافیدانان مسلمان ..... علی چراغی
۸	* برنامه ریزی درسی جغرافیا در مدارس ایران ..... دکتر بهلول علیجانی ( قسمت اول )
۱۴	* آموزش جغرافیا در کشور سوئد ..... سیاوش تایان
۱۸	* دورنمای مسائل جمعیت در ایران ..... دکتر علی اصغر نیشابوری ( قسمت سوم )
۲۶	* مهاجرت، رشد جمعیت و توسعه ..... فاطمه فقیهی قزوینی
۳۲	* نگاهی به اهمیت دام و دامداری در گذشته و حال در ایران ..... دکتر پرویز کردوانی
۴۳	* جهانگردی و اثرات مثبت فرهنگی و اجتماعی آن ..... دکتر محلاتی
۴۸	* معرفی کتب چاپی جغرافیائی دوران قاجار ..... استاد جواد صفی نژاد ( قسمت سوم )
۵۱	* رشد انفجار آمیز شهرهای دنیا ..... امامعلی حاضری
۵۴	* مقالات و اطلاعات جغرافیائی در نشریات ایران
۵۶	* مقالات جغرافیائی از مجلات جغرافیائی جهان ..... دکتر حسین شکوئی
۵۸	* کتابهای تازه
۶۰	* آشنائی با کشورهای جهان ( آلمان غربی ) ..... سعید بختیاری ( مؤسسه گیتاشناسی )
۶۳	* پرسش و پاسخ ..... گروه جغرافیای دفتر تحقیقات
۶۴	* اخبار جغرافیائی

قسمت‌های منی و هری مجله رشد آموزش جغرافیا شامل حر و مچینی - صفحه آرایی - لیتوگرافی - نقسدها - نصابر جغرافیایی و چاپ توسط مؤسسه گیتاشناسی انجام گردیده است.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه ولی عصر، جنب پارک دانشجو، خیابان ارفع، پلاک ۱۵، تلفن: ۶۷۹۳۳۵

## بسم الله الرحمن الرحيم

سالی را از انتشار مجله رشد جغرافیا پشت سر گذاشتیم و سپاس فراوان ایزد منان را که توفیق داد تا بخشی از فعالیت خود را اینچنین در راه دانش پژوهان و علاقمندان بدین رشته علمی مصرف داریم. باور نداشتیم که طالبان مجله آموزش جغرافیا چون کویری تافته در انتظار قطربای آب و یا مسافری خسته مشتاق منزلگاهی امن باشند. از همان شماره‌های نخستین استقبال و اشتیاق چنان بروز کرد که در بعضی از موارد از کمی تعداد تیراژ دچار شرمساری شدیم، واقعیت این است که مشترکین و خریداران مجله رشد جغرافیا تنها کسانی نیستند که بطریقی با جغرافیا ارتباط دارند، بلکه اغلب مشاهده می‌شود افرادی که در سایر رشته‌های علمی فعالیت دارند و یا مردمی که مشاغل دیگر دارند از اقصی نقاط کشور خواهان ارسال سریع مجله بوده و گاهی از تأخیر در ارسال مجله گله می‌نمایند. اینجا لازم است که این نکته را یادآوری نمائیم که دست اندرکاران تهیه و تدوین و انتشار مجله با نهایت جدیت این امر خطیر را بعهده گرفته و سعی خود را در هر چه بهتر ارائه دادن خدمات مزبور بکار می‌گیرند، امید است که اگر نارسائیهایی مختصری مشاهده می‌شود با بزرگواری خاص خود اغماض نمائید.

اما رشته کلام از دست نرود، از آن عده از علاقمندان که مشتاقانه در انتظار دریافت مرتب مجله هستند سپاسگزاری می‌نمائیم. نکته اصلی این است که دریافت مجله و بهره بردن از آن هدف غائی ما نیست آنچه بیشتر توقع داریم همگاری و اشتراک مساعی و همفکری این عزیزان با ما است، این دسته بخوبی می‌دانند که دانش جغرافیا امروز دانش محصور و محبوسی نیست که در راهی خاص و طریقی ویژه بکار گرفته شود بلکه اگر مبالغه نباشد هر جا و در هر مورد ضروری و مورد نیاز است. پس در راه اشاعه این علم و ارائه طریقی که بتواند جغرافیا را همه گیر نماید و در کلیه فعالیت‌های مربوطه از آن بهره برداری شود باید کوشش کرد. کوتاهترین راه رسیدن به این هدف ارتباط شما با ما، راهنمایی از طرق بهتر، ارسال مقالات مفید و از این راه گسترش معلومات جغرافیائی است.

بسیار سپاسگزار خواهیم بود که اگر مرتباً "با ما در تماس باشید، معایب کار ما را بنویسید، مجله را ارزیابی کنید و به مطالب مورد نظرمان اشاره نمائید.

مقالات متعددی در زمینه‌های مختلف مرتباً "به دفتر مجله رشد جغرافیا واصل شده که قطعاً بدلیل علاقمندی استادان گرامی و همکاران ارجمند بوده است. ما این محبت بی پایان را ارج می‌نهیم و بخاطر این همه لطف صمیمانه تشکر می‌کنیم، اگر درج و چاپ این مقاله‌ها احتمالاً "مدت زمانی بطول انجامیده است به سبب آن است که برای مقالاتی که بنحوی در روش تدریس جغرافیا مدخلیت داشته و یا ارتباط داشته باشند اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و آنها را در اولویت قرار می‌دهیم و سایر مقالات به تدریج و به نوبت چاپ می‌گردند.

امید است که از این جهت جای گله‌ای وجود نداشته باشد. باز هم منتظر مقالات شما هستیم و یکبار دیگر بخاطر توجه و علاقمندی به نشریه آموزش جغرافیا سپاسگزاری می‌کنیم.

گروه جغرافیای دفتر تحقیقات

# مجله افغانان مسلمانان

ترجمه از: مجله الوعی الاسلامی کویت

شماره ۲۵۹ - رجب ۱۴۰۶

مترجم: علی چراغی

نیست، بلکه برای اثبات حقایق، باید به سفرهای اکتشافی پرداخت. و هنگامی که به این امر مبادرت ورزیدند و شهرها، سرزمینهای ناشناس، کوهها و درهها را دیدند، دانستند که هر منطقه از ویژگیهای خاص برخوردار است و نباتات و محصولات زراعی بخصوص در آنها به عمل می‌آید. همچنین دریافتند که در حالیکه در برخی مناطق محصولات کشاورزی به صورت دیم و به امید باران کاشته می‌شود، مناطق دیگر با برخورداری از آب فراوان رودخانه‌ها به کشاورزی می‌پردازند. در خصوص مناطق نخست و زمان بارندگیهای فصلی این مناطق تحقیقاتی به عمل آورده و بررسیهایی درباره تأثیر آب و هوا از جهت درجه حرارت و میزان بارندگی بر روی زندگی انسان و نبات انجام دادند.

آنها کره زمین را بر حسب تعداد جمعیت و موقعیت جغرافیایی نسبت به استوا، به قسمتهای مختلفی تقسیم کردند. و درباره علت تراکم جمعیت در برخی مناطق و کمی جمعیت در مناطق دیگر مطالعات فراوانی انجام دادند. این دانشمندان متوجه شدند که وظیفه کوهها، حفظ موازنه پوسته زمین است و خاک انواع گوناگونی دارد، برخی مساعد برای رشد نباتات و برخی دیگر شنی و غیرقابل زراعت است. همچنین موفق شدند که علت و زمان وزش بادهای موسمی را کشف کنند. لذا مسافرتهاى دریائی خود را در بهترین زمانها انتخاب می‌کردند تا با استفاده از وزش این بادهای جهت وزیدن آنها حداکثر استفاده را ببرند و در ضمن از خطر بارانهای سیل‌آسای موسمی و طوفانهای شدید در امان باشند.

قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان در تمام میادین تشریحی، فکری و علمی نسبت به سایر کتابها و مکتبهای فکری پیشیناز و پیشگام است. خداوند در این کتاب مقدس ما را از سرگذشت پیشینیان آگاه می‌سازد و تشویق می‌کند که در بحثهای علمی شرکت کرده و در چگونگی خلقت جهان آفرینش و عظمت و زیبایی آن بیندیشیم، تا بتوانیم به عظمت خالق آنها پی ببریم. مسلمانان نیز به امید نیل به بخشش الهی و اجر اخروی به گونه‌ای بی سابقه به علوم مختلف روی آوردند و از این طریق علوم چون تفسیر، حدیث و سیره، نبوی پایه گذاری شد.

بسیاری از مسلمانان دانشمند، از همان آغاز دریافتند که بهترین راه کسب معرفت، مباحثه علمی و مشاهده و تجربه است. بهمین دلیل بسیاری از آنان به درجه نبوغ رسیده و در علوم عقلی و نقلی صاحب نام گشتند. در فیزیک و شیمی نظریه‌های ابتکاری و جدید بسیاری به عالم بشریت عرضه داشتند. در جغرافیای نیز چنان گوی سبقت از دیگران ر بوده‌اند که دانشمندان معاصر اروپا، بارها به فضل و دانش و پیشگامی آنان اعتراف کرده‌اند.

جغرافیای، از جمله دانشهایی است که علمای مسلمان از صدر اسلام به آن توجهی خاص داشته و به پیشرفتهای شایانی رسیده‌اند. آنها دریافتند که اعتماد بر علوم یونانی در رشته جغرافیای کافی

اینک اجمالا" به معرفی چند چهره درخشان از دانشمندان علم جغرافیا در جهان اسلام می پردازیم .

## ۱- مسعودی

سیراف آغاز می گردد ، تا عمان ۱۶۰ فرسنگ و از سیراف تا بصره ۱۴۰ فرسنگ است .

وی زمان مناسب برای غواصی به جهت صید مروارید را نیز بدست آورده و آن را از فروردین تا شهریور ماه نوشته و غواصی در غیر این مدت را بی فایده می داند . در مورد لباس غواص و شیوه های غواصی و ابزارهای مورد نیاز برای این کار از قبیل اینکه چه چیزی را در بینی و گوش قرار می دهند و کف پا را برای محافظت از برخورد با سنگ های تیز و ماهیهای خاردار با چه ماده ای آغشته می کنند ، به طور گسترده سخن رانده است .

در رابطه با سفرهای دریائی و خطرات و اوقات بروز این اخطار نیز سخن گفته ، در ضمن به سفرهای بّری که بوسیله کاروانهای تجاری از عراق تا چین امتداد داشته ، نیز پرداخته و مشاهدات خود را درباره جوامع ، عادات ، سنن و شگفتیهای کشورهای چین و تبت و هند ، ثبت کرده و نظر خود را در خصوص علت ساختمان برج ( فانوس دریائی ) اسکندریه و اهمیت آن در ارشاد کشتیها ، مخصوصاً " به هنگام شب و شیوه بنای آن به صورت بسیار دقیق بیان داشته است . سفرهای اکتشافی و تحقیقی مسعودی بیش از ۲۰ سال به طول انجامید که در این مدت به طور مداوم میان ترکیه ، هند ، چین ، ماداگاسکار و زنگبار در حال سفر بوده تا اینکه به سال ۹۵۸ م . به مصر بازگشته و در همانجا در گذشت .

کتاب مسعودی به لحاظ برخورداری از محتوایی غنی و با ارزش در علوم تاریخ و جغرافی ، یکی از مراجع مهم در این زمینه است ، و بهمین دلیل به زبانهای مختلف ترجمه گردیده و در دانشگاههایی که در قرن سیزدهم میلادی در ایتالیا و فرانسه تاسیس گردیده تا چند قرن متوالی تدریس می شده است .

## ۲- مقدسی

از دیگر مؤلفان بزرگ مسلمان در علم جغرافی می توان علی بن حسین مقدسی صاحب کتاب " التقاسیم فی معرفة الاقالیم " و ابن خردادبه ( متوفی به سال ۹۲۴ م . ) مؤلف کتاب " المسالک و الممالک " را نام برد . ابن خردادبه در کتاب خود به شرح و توصیف راهها و استراحتگاههایی پرداخته که مورد استفاده حجاج و تجار مسلمان در خشکی و دریا ، در داخل ممالک جهان اسلام و خارج آن بوده ، ولی اهمیت کار مقدسی به لحاظ دقتی که به کار برده ، بسیار بیشتر است . وی ضمن قید مسافت راهها و شرح طرق مواصلاتی ، از ذکر وضعیت آب و هوا ، محصولات کشاورزی ، وضع تجارت اقالیم ، زبان ، عادات و سنن و اماکن مقدس غافل نمانده است . برای درک اهمیت کتاب مقدسی ، به قسمتی از مقدمه کتاب اشاره می شود که گفته است : " اساس این کتاب را بر قواعدی محکم و استوار بنا نهاده ام ، و برای ثبت حقایق ، سعی کرده ام که از

ابوالحسین علی بن حسین مسعودی ، مورخ نامی قرن چهارم هجری ( متوفی به سال ۳۴۶ ه.ق ) و از پیشگامان علم جغرافی و از نخستین کسانی است که برای تحقیق در این دانش به مسافرت پرداخت ، سفر او از بندر بصره آغاز گردید و از راه خلیج فارس به بنادر هند و جزیره سراندیب<sup>۱</sup> رسید . وی مشاهدات این سفر را در کتابی به نام " مروج الذهب و معادن الجوهر " به رشته تحریر در آورده است .

نویسنده در این کتاب به ذکر جزئیات مسائلی از قبیل شهرهای مهم و موقعیت جغرافیائی آنها ، عادات و سنن مردم ، محصولات کشاورزی ، کوهها و دره ها ، رودها و سرچشمه آنها و دریاها و طول رودخانهها پرداخته است .

درباره کره زمین و مساحت آن و نسبت اندازه آن به خورشید و ماه بررسیهایی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که خورشید  $\frac{1}{8}$  مرتبه بزرگتر از زمین و ۱۶۴۴ مرتبه از ماه بزرگتر است . در خصوص قطر سیارات مشتری ، زحل ، عطارد و دیگر سیارهها نیز مطالبی نوشته است .

درباره رودخانهها نیز به تفصیل سخن رانده است ، مثلاً " در مورد رود نیل چنین می نویسد : " سرچشمه رود نیل ، کوه قمر - است یا ۱۲ چشمه که پس از وارد شدن به دو دریاچه ، به طرف سرزمین سودان جریان یافته تا اینکه به اسوان در مصر می رسد ، سپس مسیر خود را به طرف شمال ادامه داده از شهرهای تنیس ، دُمیاط و رشید می گذرد تا اینکه به دریای روم می ریزد .

از ویژگیهای رودهای دجله و فرات و سرچشمه آنها و نیز شهرها و جلگههایی که این دو رودخانه از آنها می گذرند و قبائلی که در مسیر آنها زندگی می کنند یاد می کند تا اینکه به شط العرب در حاشیه شهر بصره ، مهمترین بندر تجاری اسلامی آن زمان ، می رسد که به طور مبسوط از آن سخن گفته است .

از دریاهائی که بیشتر به آنها توجه کرده ، می توان دریای عرب و هندوچین را نام برد . در مورد کثرت و خطرات امواج و مناطق آنها در این دریاها چنین می نویسد : " خطر عمده این امواج در - اواخر پائیز و هنگامی است که خورشید در برج قوس است . سپس به مرور که خورشید به برج سنبله وارد می شود ، امواج آرام می گیرند . پایان خطر این امواج ، انتهای فصل بهار است یعنی هنگامی است که خورشید در برج جوزا وارد می شود . "

در مورد طول خلیج فارس می نویسد : " طول این خلیج که از -

راهنمایی دانشمندان بهره گیرم و فقط آنچه را که دیده‌ام و فهمیده‌ام ثبت می‌کنم . . . . .

### ۳- ابن حوقل

از دیگر مشاهیر جغرافی دان در میان مسلمانان ، ابن حوقل (۹۶۷ م .۰) است که به طور مشروح به بیان اقسام زمین چه مسکونی و غیر مسکونی و دیگر مسائل مربوط به آن پرداخته و علی‌الخصوص به تمدنهای موجود بر روی زمین از جمله ممالک اسلامی ، مراکش ، اندلس ، روم ، چین ، ترکستان ، هند و ثبت توجه بیشتری نموده است . از ویژگیهای این جغرافی دان مسلمان ، توجه و علاقه شدید او به تهیه نقشه‌های جغرافیایی است که در کتابش موسوم به (صورة الارض ) کاملا مشهود است .

### ۴- یاقوت حموی

کتاب « معجم البلدان » یاقوت حموی نیز یکی از مراجع مهم علم جغرافی است . این کتاب در یک مقدمه و پنج باب تنظیم یافته و مؤلف در موضوعاتی از قبیل شکل زمین و اینکه زمین کره‌ای است در وسط آسمان ، همچنین ذکر اماکن و شهرها و مساجد و قلعه‌ها هر یک به طور جداگانه بسیار دقیق و مفصل سخن گفته و نامها را برحسب حروف ابجد تنظیم نموده است . توجه مؤلف در این کتاب به شهرهای بزرگ و مشهور ، بیش از شهرهای کوچک است .

### ۵- شریف ادریسی

نامدارترین جغرافی دان مسلمانی که جامع علوم نظری و تطبیقی در این رشته می‌باشد ، شریف ادریسی است . وی به سال ۱۱۶۰ م . در « سبته » از شهرهای مراکش متولد و به فراگیری علوم در قرطبه پرداخت . سپس به صقلیه مسافرت کرده و از طرف پادشاه آن سرزمین مورد تکریم و تعظیم قرار گرفت . اهمیت کتاب وی « نزهة المشتاق » ، به خاطر دقت و کثرت نقشه‌هایی است که از شهرهای مهم کشیده است . وی زمین را به هفت اقلیم تقسیم نمود بطوریکه اقلیم اول در ۲۲ درجه شمال استوا و به فاصله هر ۵ درجه به طرف شمال ، یک اقلیم دیگر و اقلیم هفتم را بین ۶۳ - ۵۴ درجه قرار داده است . وی علت کمی جمعیت اقلیم هفتم را سرمای شدید ذکر می‌کند . همچنین کره زمین را با خطوط طولی تقسیم‌بندی و هر اقلیم را از غرب به شرق به ۱۰ قسمت مساوی تقسیم کرده است .

نقشه‌هایی که این دانشمند ترسیم نموده بقدری از دقت برخوردار بوده که سایر نقشه‌های موجود در آن زمان بر از تطبیق با نقشه‌های جدید ولی ، اصلاح گردیده‌اند . بدین طریق زحمات این دانشمند نامدار ، راه را برای عملیات اکتشافی که دو قرن پس از وی آغاز گردیده باز نموده است .

برای ادریسی این افتخار بس که برای اولین بار توانست کره زمین را با هفت اقلیم از نقره بسازد و در آن تمام شهرها ، رودها ، دریاها ، خلیجها ، راهها و فاصله شهرها را به وضوح معین کند . سفرها و مشاهدات او بسیاری از ناشناخته‌های شمال غرب اروپا و آفریقا را روشن کرد . تحقیقات و بررسیهایش در مورد سرچشمه رود نیل ، راه را برای کشف ناشناخته‌های این منطقه که توسط استانبلی ، دانشمند انگلیسی انجام پذیرفت ، هموار نمود . در این مورد می‌نویسد : « آب نیل از دو نقطه کوه قمر واقع در ۱۶ درجه - بالای خط استوا ، از ۱۰ چشمه تا مین می‌گردد . هر پنج چشمه که پنج رودخانه را تشکیل می‌دهند به دریاچه‌ای وارد می‌شوند . از هر دریاچه سه رودخانه جریان پیدا می‌کند و همگی به دریاچه بزرگتری می‌ریزند که استانبلی بعدها نام ملکه انگلستان را بر آن نهاده و دریاچه « ویکتوریا » نامیده است .

کتاب ادریسی به زبانهای مختلف از جمله اسپانیایی (به سال - ۱۷۹۳ م .۰) و آلمانی ( ۱۸۸۵ م .۰) و فرانسه ترجمه گردیده است . و تا قرنهای بعد عنوان استاد جغرافیای اروپا شناخته شده بود .

### ۶- قزوینی (۵۶۸۲ ق.ه)

#### زکریا ، عمادالدین ابویحیی قزوینی

دانشمندی است جغرافی دان و ستاره شناس و مؤلف دو کتاب به نامهای « عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات » و « آثار البلاد و اخبار العباد » که در آن به توصیف شهرهایی چون مکه ، مدینه و بیت المقدس پرداخته و از معادن و فواصل این شهرها بحث کرده است . قزوینی در مورد کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات چنین می‌نویسد : « این کتاب حاصل مشاهدات و شنیده‌های من از شگفتیهای آفرینش و حکمت پروردگار در روی زمین است . زیرا زمین جرمی بسیط و متشابه الاجزاء می‌باشد که به سبب تابش خورشید و نزول باران و وزش بادهای ، آثار عجیبی در آن ظاهر گردیده و هیچ منطقه‌ای از آن بادیگر مناطق وجه تشابهی ندارد ، بلکه هر بقعه و ویژگیهای خاص خود را دارا است . »

این فرضیه که در علت و چگونگی پیدایش کره زمین ابراز شده ، هنوز هم تا به امروز مورد قبول دانشمندان جغرافی دان است .

قزوینی ، بحث عجایب خلقت را از توصیف زمین آغاز کرده

و آن را به هفت اقلیم تقسیم نموده و جزئیات هر اقلیم را از کوه و دشت گرفته تا دره‌ها و رودخانه‌ها به تفصیل شرح داده است .

در خصوص تقسیم بندیهای مهم کره زمین چنین می‌نویسد :  
« زمین را خط استوا به دو قسمت مساوی شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند . مربع شمالی زمین مسکونی است ، که ربع مسکون نامیده - شده و متشکل از دریاها ، جزایر ، رودخانه‌ها ، کوهها ، صحراها ، شهرها و روستاها می‌باشد . اقلیمها به لحاظ طول و عرض با هم متفاوتند . طولانی‌ترین و پهن‌ترین اقلیم ، اقلیم اول است که از مشرق به مغرب ۳۵۰۰ فرسنگ طول دارد و عرض آن از جنوب به شمال ۱۵۰ فرسنگ است . کوچکترین اقلیم ، اقلیم هفتم است که از مشرق به مغرب ۱۵۰۰ فرسنگ طول و از جنوب به شمال ۵۰ فرسنگ عرض دارد . »

این تقسیمات و تحقیقات دقیق که توسط این دانشمند مسلمان انجام گرفته ، پنج قرن بعد ، اساس کار جغرافی دانان و کاشفین اروپایی گردیده و صدها سال دو کتاب ارزنده‌اش موضوع تدریس و تحقیق دانشگاههای اروپا بوده است .

## سفرهای اکتشافی

همیشه مسافرت برای انسان موجب کشف ناشناخته‌ها بوده و مسافر می‌توانسته حقایق را با چشم خود ببیند . جغرافی دانان مسلمان نیز این حقیقت را از نظر دور نداشته‌اند ، و برای بدست آوردن معلومات درست ، دریافته بودند که باید تن به مسافرتهای دور و دراز و طاقت فرسا دهند .

از جغرافی دانان مسلمان و پیشگام در این زمینه می‌توان این -  
جبیر اندلسی ( ۱۲۱۷ م - ) و ابن بطوطه مغربی ( ۱۳۲۷ م - )  
را نام برد .

ابن بطوطه ۲۸ سال از عمر خود را برای کشف ناشناخته‌ها در سفر گذراند و در این مدت نزدیک به ۷۵ هزار فرسنگ راه پیمود و از کوهها و دره‌ها ، رودها ، دریاها ، شهرها و روستاها گذشت و با مردم گوناگون در آمیخت تا از عادات و رسوم و فرهنگ آنان آگاه شود .

در سفرهای بزرگی از صحرای بزرگ افریقا گذشت و از قلب افریقا بازدید کرد . در سفرهای دریائی نیز تمام رنجهای اینگونه سفرها را تحمل نموده و با بادهای سخت و طوفانهای شدید اقیانوس هند آشنا گردید . درباره سختی این سفرها سخن معروفی دارد که می‌گوید : « این ایمن است که در مواقع سختیها و در هنگامی که کشتیها چون پرگاهی در اختیار موجهای هولناک قرار می‌گیرند ، باعث می‌گردد که انسان باز هم امید به نجات داشته باشد . »

ابن بطوطه وقت فراغت خود را با خواندن کتاب و نوشتن

یادداشتهایی از خاطرات ملوانان و گوش دادن به داستانهای آنان می‌گذراند . وی عادات و رسوم ملل مختلف را به شیوه بسیار جالب و خواندنی به رشته تحریر درآورده است .

از جمله ممالکی که ابن بطوطه موفق به دیدار آن گردیده می‌توان روسیه ، قفقاز ، ترکستان ، سرزمین اسکیموها ، چین و مالایا و سوماترا در آسیا را نام برد .

وی به بسیاری از زبانها و لهجه‌ها صحبت می‌کرد و در کتابش به نام « تحفه النظاری غرائب الامصار » ، اطلاعات تاریخی و جغرافیائی و اجتماعی بسیاری از خود بجا گذاشته است .

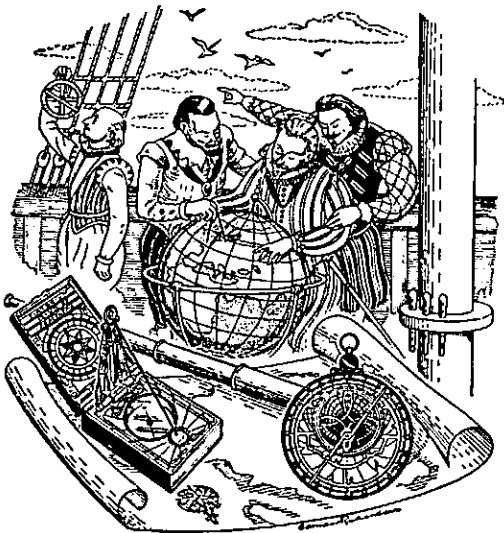
اینها نمونه بسیار کوچکی از دانشمندان جغرافی دان جهان اسلام بودند که مختصراً " معرفی گردیدند . و بدین طریق روشن می‌شود که آنها با تالیفات خود در این علم و با رسم نقشه‌های بسیار دقیق در این رشته صاحب فضل و مقتدای دانشمندان بعد از خود هستند .

دانشمندان اروپائی نیز خود اعتراف دارند که دنباله رو تحقیقات و مطالعات جغرافی دانان مسلمانند .

آنها با دقت و تفوقی که در کار خود داشتند ، بسیاری از اشتباهات دانشمندان یونانی را اصلاح کردند و بدین طریق چراغی بودند فرا راه نسلهای بعد از خود . تالیفات آنها سالهای سال به عنوان مراجعی بسیار معتبر در بهترین دانشگاههای جهان تدریس می‌گردید . در پایان می‌توان گفت که دانشمندان اسلام دین خود را نسبت به علم جغرافی جدید ادا کرده‌اند .

## یادداشت ++++++

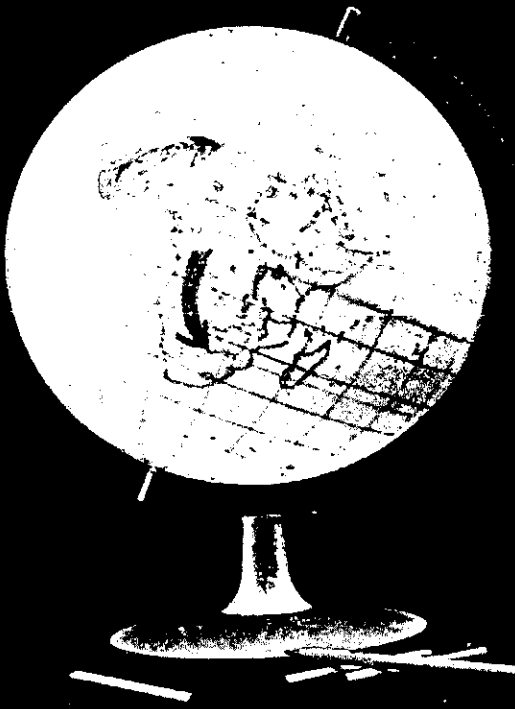
۱ - سیلان



# برنامه ریزی درسی جغرافیا در مدارس ایران

دکتر بهلول علیجانی

گروه جغرافیا - دانشسرای عالی یزد (قسمت اول)



بہتر از او، این کار را انجام می دهند. عبارت دیگر، علم جغرافیا به مجموعهای از اینگونه اطلاعات اطلاق نمی شود. دولتها و ملتها نیز اجازه نمی دهند سرمایه های عظیمی خرج شود تا معلمی در کلاس دبیرستان اطلاعات کهنه از کشوری در اختیار دانش آموزان قرار دهد؛ زیرا برنامه های تلویزیونی اطلاعاتی بسیار بہتر و جالب تر و کاملاً جدید در اختیار افراد می گذارند. اگر چه این نوع جغرافیا در بعضی کشورها منسوخ شده است ولی متأسفانه در بسیاری کشورها و از جمله در کشور ما هنوز رایج است. معلمین جغرافیا به جهت پیدا شدن رقیبی قدرتمند و جدید چون رادیو و تلویزیون، و تدریس جغرافیا توسط معلمین غیرمتخصص و بی اطلاع از جغرافیا اهمیت اولیه خود را از دست داده اند. معلمی که خودش شناخت صحیحی از جغرافیا ندارد و هیچگونه علاقهای نیز بدان ندارد چگونه می تواند کلاس مہیجی داشته باشد و در دانش آموزان علاقه و انگیزه ایجاد کند؟ بنابراین اولین مسئله شناساندن جغرافیا به برنامه ریزان و معلمان درس جغرافیا است. باید همه اینان را متوجه نمود که جغرافیای نیمه دوم قرن بیستم یا جغرافیای قدیم کاملاً متفاوت است.

توصیف مکانها و پدیده ها فقط بخشی از جغرافیا است. وظیفه اصلی جغرافیا شناخت روابط میان پدیده ها و بررسی حل مسائل انسان است.

## شناخت جغرافیا

انسان از قدیم، جغرافیا را بعنوان علم مطالعه مکان می شناخت

برای شناخت و تدریس شایسته و بہرہ رسانی صحیح از علم جغرافیا برنامه ریزی درسی منظم و دقیقی لازم است. منظور از برنامه ریزی شناخت خود جغرافیا، تعیین اهداف آموزشی آن، طرز ارائه و تدریس آن، و روش ارزشیابی می باشد. در این قسمت از مقاله شناخت خود علم جغرافیا و مدل های مختلف تنظیم نیاست آموزشی کشور و تدریس روزانه معلم مورد بحث قرار گرفته است. قسمت های بعدی مقاله شامل مباحثی مانند تعیین محتوی برنامه درسی جغرافیا در سالهای مختلف دبیرستان، چگونگی تنظیم محتوی کتاب جغرافیایی و واحدهای درسی روزمره معلم و تعیین زمان لازم جهت تدریس، و نحوه ارزشیابی و ... مطرح خواهد گردید.

معلم جغرافیا پیوسته با سه سؤال روبرو است: موضوع تدریس چیست؟ کیفیت تدریس چیست؟ و نحوه ارزیابی چگونه است؟ ساده ترین جواب برای سؤال اول، کلمه «جغرافیا» است. اما کدام جغرافیا؟ جغرافیای دوره یونان باستان؟ جغرافیای دوره هومبولت و ہنتریا جغرافیای نیمه دوم قرن بیستم؟ آیا معلم امروزی چون گذشته به تعریف و توصیف سرزمینهای دوردست و یا شهر و روستای کشور خویش بہرہ دازد؟ یا آمار و ارقامی درباره بلندترین کوهها، طویلترین رودها و بزرگترین کشورها و ... ارائه دهد؟ خوشبختانه یا متأسفانه دایرة المعارفها و رادیو و تلویزیون بسیار



است. بعضی ریشه آن را به یونانیان باستان نسبت می‌دهند. حدود دو‌یست سال پیش، کانت با بیان فلسفه واقعیت، موقعیت جغرافیا را استوارتر نمود. او می‌گفت که واقعیت از سه قسمت مکان، پدیده و زمان تشکیل شده است. طبق تعریف وی، مطالعه پدیده‌ها در قالب مکان، علم جغرافیا را بوجود می‌آورد.

"براین بری" جغرافیدان آمریکایی می‌گوید که اگرچه موضوع - های مورد مطالعه جغرافیا متنوع است ولی روش کار واحد است. جغرافیا مفاهیم و فرآیندهای مکانی پدیده‌ها را در یک اکوسیستم بزرگ جهانی - که انسان هم عضو آن است - مطالعه می‌کند. در واقع جغرافیا محیط (اکوسیستم) حاصل از اجتماع تمام پدیده‌ها را، اعم از انسان و غیر انسان، در یک مکان مطالعه می‌کند؛ هیچ علم دیگری به مطالعه این وضعیت یا محیط ترکیبی نمی‌پردازد. بنابراین قلمرو مطالعه جغرافیایی، محیط است. وجود انسان، عامل اصلی تمایز اکوسیستم جغرافیا با اکوسیستم‌های دیگر است. انتخاب دیدگاه اکوسیستمی برای جغرافیا امروزه تقریباً "مورد قبول بیشتر جغرافیدانان است". این دیدگاه در واقع ادامه نظر الکساندر فن همبولت است. وی عقیده داشت که در جهان در عین تنوع، وحدتی نیز وجود دارد و جغرافیا از طریق فرآیندهای حاکم بر آن، این وحدت را آشکار می‌کند.

وجود انسان تمام حلقه‌های دیگر اکوسیستم جغرافیایی را تحت - الشعاع قرار داده است، بگونه‌ایکه جغرافیدان از تمام این حلقه‌ها برای آسایش و استفاده صحیح انسان استفاده می‌کند. جغرافیدان این حلقه‌ها یا این پدیده‌ها را تا حدودی بصورت انفرادی مطالعه می‌کند تا درباره مفاهیم و قوانین حاکم بر آنها شناختی کلی بدست آورد. از اینجاست که شاخه‌های جغرافیایی مانند اقلیم شناسی، ژئومورفولوژی، جغرافیای روستایی، جغرافیای شهری و... پدید می‌آید.

جغرافیا پدیده‌هایی را مطالعه می‌کند که به طریقی در زندگی انسان اثر موثر داشته باشند. در مطالعه موضوعی هر یک از پدیده‌ها، قسمت عمده بحث به پراکندگی مکانی پدیده اختصاص می‌یابد. بررسی پراکندگی مکانی پدیده‌ها، احتیاج به جمع‌آوری اطلاعات دارد. در زمان قدیم این اطلاعات از طریق مراجعه مستقیم به زمین و تهیه گزارش و رسم نقشه‌های ساده و یا استفاده از نظر افراد جمع‌آوری می‌شد. این طریقه جمع‌آوری اطلاعات مخصوصاً "در مناطق وسیع، به نیروی انسانی زیاد و زمان طولانی، احتیاج داشت و علاوه بر آن، از دقت و اعتماد کمتری برخوردار بود. تهیه اطلاعات جدید بویژه درباره پدیده‌های زودگذر مانند سیستم‌های هوایی ممکن نبود. اختراع دوربین و هواپیما این وضع را دگرگون کرد. بشر توانست از تمام پدیده‌های روی زمین عکسهای در مقیاسهای متفاوت و زمانهایی بسیار کوتاه تهیه کند. امروز انسان با استفاده از هواپیما و ماهواره می‌تواند در هر لحظه از هر

نقطه زمین عکس سیناپتیکی (جامع) تهیه کند.

درواقع عکسهای هوایی و ماهواره‌ای تجسم عینی محیط جغرافیایی است و اطلاعات دقیق و جدید را در هر لحظه با صرف کمترین مقدار نیروی انسانی و هزینه مالی در اختیار جغرافیدان قرار می‌دهند. وظیفه جغرافیدان اینست که مهارت لازم را از نظر تفسیر عکسهای هوایی بدست آورد تا بتواند اطلاعات مورد نیاز خود را از این عکسها و تصاویر استخراج کند.

اطلاعات مربوط به هر پدیده از عکسهای هوایی استخراج و در روی نقشه‌های موضوعی نمایش داده می‌شوند. بدین ترتیب دو وسیله مهم جغرافیا، یعنی عکسهای هوایی و نقشه و مهارت استفاده از آنها اهمیت خود را برای جغرافیدان آشکار می‌کنند.

در مطالعه آرایش مکانی، ویژگیهای مکانی پدیده مانند: محل، تراکم، تفرق، مقدار و غیره بررسی می‌شود. محل، مهمترین ویژگی هر پدیده است که با تعیین آن آرایش مکانی (Pattern - spatial) حاصل می‌شود. تعیین محل توسط گرا، شبکه جغرافیایی، و یا موقعیت نسبی صورت می‌گیرد. بعنوان مثال سمنان در آزیومت ۶۱ درجه نسبت به کاشان (گرا) و در  $30^{\circ}E$  :  $35^{\circ}$  و  $30^{\circ}N$  (شبه جغرافیایی) و شرق گرمسار (موقعیت نسبی) قرار دارد.

بیشتر موارد، آرایش مکانی دو یا چند پدیده جغرافیایی، بیانگر میزان تشابه زیادی است. اگر نقشه‌های آرایش مکانی آنها را روی هم قرار دهیم نواحی انبوه و تنگ آنها بر هم منطبق می‌شوند. این عمل، به هم آهنگی مکانی (Areal Association) موسوم است. بعنوان مثال در اکثر موارد آرایش مکانی بارش با آرایش مکانی پوشش گیاهی، هم آهنگی مکانی بالایی دارد. وجود این هم آهنگی مکانی شدید نشانه وجود رابطه‌ای بین دو پدیده است. در این صورت آن را هم آهنگی ژنتیکی گویند. اگر رابطه‌ای بین دو پدیده وجود نداشته باشد، مثلاً "اگر پراکندگی مکانی بارش و تعداد موتور سواران یک منطقه با هم هم‌آهنگ باشد، هم آهنگی مکانی ظاهری بوجود می‌آید.

جغرافیا با هم آهنگی مکانی ژنتیکی سروکار دارد و همواره در جستجوی روابط میان آنها و یا عبارت ساده‌تر فرآیند بوجود آورنده این هم آهنگی است. کشف این فرآیندها طی دو مرحله انجام می‌گیرد: ۱ - مراجعه مستقیم به زمین و مشاهده پراکندگی پدیده‌ها در طبیعت ۲ - انتخاب نمونه‌های مناسب از دو پدیده و مطالعه آماری این اطلاعات به منظور کشف نوع و درجه رابطه بین دو پدیده. می‌بینیم که مطالعه این روابط بدون استفاده از روشهای آماری امکان پذیر نیست و در نتیجه جغرافیدان باید به اصول و روشهای آماری تسلط کافی داشته باشد.

رابطه میان پراکندگی مکانی دو یا چند پدیده و گسترش مکانی یک پدیده از طریق انتقال انرژی، ماده و افکار از جایی به جایی

دیگر ، برقرار می‌شود . این انتقال را می‌توان حرکت نامید . بنابراین بیشتر فرآیندهای مکانی بصورت حرکت ظاهر می‌شود . حرکت ممکن است بصورت دوری باشد که به آن فرآیند گردشی ( Circulation ) می‌گویند . یعنی ماده یا انرژی پس از مدتی به محل تولید اولیه خود باز می‌گردد . اگر حرکت یک جانبه باشد انتشار ( Diffusion ) نامیده می‌شود . فرآیند گردش تقریباً " مشابه یک سیستم باز است که در آن مقداری از انرژی در خارج از سیستم تأمین می‌شود . از فرآیندهای گردشی معمول می‌توان از گردش آب ، گردش باد ، گردش هوا ، گردش گاز کربنیک ، سیستم ارتباطات ، سیستم حمل و نقل ، شبکه تلفن ، سیستم مردم یک جامعه و شبکه تجارت و ... نام برد . هدف فرآیند انتشار ، ایجاد یکنواختی در پراکندگی پدیده‌ها است و به چهار صورت انجام می‌گیرد :

۱ - انتشار گسترشی ( Expansion Dif. ) : هر عقیده یا اختراع توسط افراد گسترش پیدا می‌کند و روز به روز بر تعداد مطلعین افزوده می‌شود .

۲ - انتشار جابجایی ( Relocation Dif. ) : پدیده از جایی به جای دیگر می‌رود مانند مهاجرت .

۳ - انتشار تماسی ( Contagious Dif. ) : پدیده بر اثر تماس گسترش می‌یابد مانند عامل یک بیماری .

۴ - انتشار سلسله مراتبی ( Hierarchical Dif. ) : گسترش یک اختراع یا عقیده از مکان بزرگتر شروع و به ترتیب به مکانهای کوچکتر و کوچکتر می‌رسد . مانند استفاده از تلویزیون که ابتدا در شهرهای بسیار بزرگ ، سپس در شهرهای بزرگ و کوچک و بعد در بخشها و سرانجام در روستاها گسترش می‌یابد .

هیچ یک از فرآیندهای گردشی و انتشار در طول زمان و روی مکان ثابت نیست ، بلکه پیوسته در تغییر است . جغرافیدان میزان این تغییر را نیز مطالعه می‌کند و با استفاده از درجه رابطه بین پدیده‌ها و میزان تغییر فرآیندها ، وضعیت آینده را پیش بینی می‌کند . پیش بینی وضعیت آینده کاربرد مفاهیم جغرافیا را عملی می‌کند و سبب می‌شود که جغرافیدان مسائل و مشکلات انسان را حل کند . دیدگاه جدید حل مسئله ( Problem Solving ) نتیجه کاربرد مفاهیم جغرافیایی در حل مسائل اجتماعی و طبیعی انسان است .

پس از اینکه آرایش مکانی و فرآیندهای مکانی حاکم بر آن مشخص گردید ، جغرافیدان با استفاده از روشهای آماری و براساس یک یا چندین پدیده ( معیار ) ، سطح زمین را به مناطق نسبتاً " متجانس به نام ناحیه ( Region ) تقسیم می‌کند . این نواحی به نواحی " تک معیاری " مانند نواحی پوشش گیاهی جهان و یا نواحی " چند معیاری " موسوم می‌شود . ناحیه چند معیاری منطقه‌ای است که از نظر چندین معیار مانند پوشش گیاهی و میزان بارش از مناطق مجاور خود متمایز است .

عمل ناحیه بندی به فرآیند تفکیک مکانی موسوم است . یعنی اینکه سطح زمین براساس معیارهایی به واحدهایی جدا از هم تقسیم می‌شود . نواحی‌ای که از نظر پراکندگی مکانی یک یا چند پدیده ، تجانس داخلی فراوان دارند ، ناحیه " متجانس " نامیده می‌شوند . منطقه‌ای که از نظر وجود یک نوع فرآیند تجانس داخلی زیادی دارد به ناحیه " فرآیندی " معروف است . مرز میان ناحیه‌ها مشخص نیست و تدریجاً " از یکی به دیگری تغییر می‌کند . مثلاً " مرز بین ناحیه کشت خرما و مرکبات در جنوب ایران مشخص نیست و تدریجاً " کشت یکی جایگزین دیگری می‌شود .

حال باز می‌گردیم به آغاز بحث ، و سؤال اول معلم جغرافیا را تکرار می‌کنیم " در کلاس جغرافیا چه چیز باید تدریس شود ؟ " با توجه به توضیح مختصری که درباره جغرافیا تحریر شد جواب سؤال را می‌توان به صورت ذیل عنوان کرد :

معلم جغرافیا باید پدیده‌های جغرافیایی را از نظر اصول و قوانین آنها و پراکندگی مکانی در سطح جهان و ایران تدریس کند و نواحی متجانس حاصل از این پراکندگی‌ها را مشخص نماید . بعنوان مثال پدیده پوشش گیاهی را از نظر اصول و قوانین ، پراکندگی مکانی و نواحی پوشش گیاهی جهان و ایران بررسی کند . نواحی را به صورت تک معیاری یا چند معیاری تعیین نماید . در هر ناحیه با بکار بستن دیدگاه حل مسئله مشکلات ناحیه‌ای را مشخص کند و با روش علمی ( Scientific Method ) در جهت حل آنها گام بردارد . در کنار این مسائل باید مهارت‌های جغرافیایی ، مانند تفسیر عکسهای هوایی و ماهواره‌ای ، تهیه و خواندن نقشه‌های موضوعی و توپوگرافی ، کاربرد روشهای آماری در جغرافیا و روش علمی حل مسائل علمی را هم به دانش‌آموزان بیاموزد . در روش علمی تحقیق ، معلم یا دانش‌آموز مشکلی را انتخاب می‌کنند و راه حل‌های آن را پیشنهاد می‌کنند . یعنی فرضیه می‌سازند ، با استفاده از روشهای آماری اطلاعات خام را مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌دهند ، براساس داده‌های آماری نوع و میزان ارتباط را تعیین می‌کنند ، و سرانجام تصمیم می‌گیرند .

### مدل‌های برنامه‌ریزی

روش تدریس جغرافی چیست؟ یا به عبارت دیگر چه مطالبی را در چه سنی و با چه مدتی و با استفاده از چه منابعی باید تدریس کرد و چگونه باید ارزشیابی نمود؟ چرا باید درس جغرافیا در برنامه مدارس گنجانده شود؟ پاسخ گفتن به این سئوالات و موارد مشابه نیاز به برنامه‌ریزی درسی ( Curriculum Planning ) جغرافیا دارد .

در اوایل قرن حاضر در بیشتر موارد منظور از برنامه‌ریزی چیزی جز طرح درس ( Syllabus ) نبود . " Fairgrieve " پیش کسوت دست‌اندرکاران آموزش جغرافیا در انگلستان عقیده داشت که جغرافیا بایستی مسائل جهانی را مطرح کند و جغرافیاتنها علمی

است که دانش‌آموزان توسط آن درباره مکانها و مردم اطلاع کسب می‌کنند. براساس این تفکر در انگلستان ابتدا دروس ناحیه‌ای دایر گردید. از دروس عمومی فقط در دهه ۱۹۵۰ سخن به میان آمد و عملاً تا دهه ۱۹۶۰ غلبه با دروس ناحیه‌ای بود. معلمین موضوعات عمومی را هم در متن دروس ناحیه‌ای تدریس می‌کردند. برنامه ریزی یا طرح درس، چیزی جز توصیف ساده مواد درسی در هر ساعت تدریس نبود.

از اواسط دهه ۱۹۶۰ در انگلستان و آمریکا قلمرو مطالعات جغرافیایی گسترش یافت و از اهمیت دیدگاه ناحیه‌ای (توصیف - نواحی) بعنوان پایه اصلی تدریس کاسته شد. مفاهیم تازه‌ای مانند حل مشکلات اجتماع و پیش‌بینی روابط آینده از روی روابط فعلی بوجود آمد. در نتیجه برنامه ریزی درسی نیز به طرح درس داخل‌کلاس منحصر نگردید و تمام کارهای لازم را برای تدریس جغرافیا دربر گرفت. بعنوان مثال: اگر معلمی می‌خواست قطبهای شهری تهران را به دانش‌آموزان خود یاد بدهد اول آنها را جهت دیدن واقعیت به نواحی مختلف تهران می‌برد. با استفاده از منابع صحیح و آمار و ارقام تکامل این نواحی را در مکان و زمان توضیح می‌داد. سئوالاتی درباره مطالب نقل شده می‌پرسید و تمرینهایی می‌داد. دانش‌آموزان با توجه به اطلاعات داده شده درباره سئوالات بحث می‌کردند و خود سئوالات جدید مطرح می‌نمودند. بنابراین برای تدریس نواحی شهری، علاوه بر طرح ریزمطالب مورد تدریس درکلاس، کارهای دیگری نیز انجام گردید. در این مثال، بازدید از نواحی شهری، طرح سئوالات و تمرینها، بحث شاگردان اضافه بر طرح درس هستند. در نتیجه، برنامه‌ریزی درسی به صورت فرآیندی درآمد که طرح درس نیز مرحله‌ای از آن فرآیند محسوب می‌شود.

کتب متعددی در این باره نوشته شد. از معروفترین آنها می‌توان کتاب «راهنمای برنامه ریزی آموزش جغرافیا» توسط Hill را نام برد که در سال ۱۹۶۳ توسط انجمن ملی آموزش جغرافیای ایالات متحده آمریکا به چاپ رسید. نامبرده دروس جغرافی دوره دبیرستان را از دیدگاه ناحیه‌ای طرح ریزی نموده بود و فقط در کلاسهای ۱۲ - ۱۰ درسهای اختیاری دیگری مانند جغرافیای طبیعی هواشناسی مقدماتی و یا حفاظت منابع طبیعی قرار داده بود.

پروژه جغرافیای دوره دبیرستان آمریکا که در سال ۱۹۶۱ آغاز گردید دیدگاه «حل مسئله» را جهت تدریس انتخاب نمود.

یکی از بهترین کتب راجع به برنامه‌ریزی جغرافیا کتاب «طرح - ریزی برنامه جغرافیا» است که در سال ۱۹۶۹ توسط Biddle و Shortle در استرالیا به چاپ رسید. این اولین کتابی بود که در برنامه ریزی جغرافیا، به تئوری و عملی پرداخت. پس از آن، کتب متعددی در این زمینه در کشورهای آمریکا و انگلستان نوشته شد و مدل‌های مختلف ارائه گردید.

در اکثر این مدل‌ها فرآیند برنامه ریزی شامل مراحل زیر است:

- ۱ - اهداف آموزشی ۲ - تعیین اصول و مفاهیم مورد تدریس
- ۳ - امور مربوط به داخل مدرسه مانند روش تدریس، کیفیت رابطه میان معلم و شاگرد، محتوی طرح درس و تفاوت‌های فردی و عکس - العمل دانش‌آموزان. ۴ - ارزشیابی مطالب ارائه شده.

مدل‌های برنامه‌ریزی در دوسطح عمومی و تدریسی مطرح می‌شود. مدل‌های عمومی (General Model) شامل مطالبی است در زمینه بیان ضرورت وجود جغرافیا در برنامه مدارس و منافع تحصیل آن برای جامعه و دانشجویان، تعیین مفاهیم و اصول مورد تدریس، روش ارزشیابی. این نوع مدل برای برنامه ریزان در سطح کشور یا استان مفید است و اهداف جغرافیا و مفاهیم مورد تدریس و سیاست ارزشیابی را تعیین می‌کند. در اینجا به شرح نمونه‌ای از یک مدل عمومی می‌پردازیم.

- ۱ - اهداف عمومی تدریس جغرافیا در مدارس: تدریس جغرافیا در مدارس ضروری است زیرا اطلاعات مهمی برای افراد آینده‌جامعه بدست می‌دهد. اطلاعات کافی درباره مکانهای مختلف به دانش - آموزان ارائه می‌کند. به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه محیط خود را مشاهده کنند و روابط و فرآیندهای حاکم بر آن را تشخیص دهند و در نتیجه بر قدرت تفکر آنها می‌افزاید. مهارتهایی را به آنان می‌آموزد که در استخراج اطلاعات از عکسهای هوایی و خواندن نقشه‌ها آنان را بکار گیرند. همچنین آنها را قادر می‌سازد که با استفاده از فرآیندهای جغرافیایی و مهارت‌های کسب شده مشکلات محیط خود را تشخیص دهند و در جهت حل آن گام بردارند.
- ۲ - با توجه به اهداف طرح شده در بند اول دیدگاه جغرافیایی مناسب (دیدگاه موضوعی، ناحیه‌ای یا حل مسئله) و مفاهیم و مهارت‌های مورد تدریس انتخاب می‌گردد. انتخاب محتوی دروس دبیرستان باید بگونه‌ای باشد که: الف - مطابق با اهداف عمومی جغرافیا باشد. ب - مطالب، ماهیت جغرافیایی داشته باشد. ج - قابل ارزشیابی باشد.

- ۳ - روش ارزشیابی: ارزشیابی بر مبنای مطالب گفته شده انجام می‌گیرد. باید مشخص شود که آیا توان یادگیری و قدرت تفکر دانش‌آموزان، در زمینه حل مسائل جامعه و کاربرد مفاهیم جغرافیایی مورد ارزشیابی به کار افتاده است؟

- ۴ - ارزشیابی، میزان تحقق اهداف اولیه را نشان می‌دهد. در صورت عدم موفقیت کافی باید نقاط ضعف را جستجو کرد. مدل باید بگونه‌ای باشد که بتوان نقاط ضعفی را که به معلم و برنامه ریز مربوط می‌شود تصحیح کرد.

مدل‌های عمومی بهنگام تعیین اهداف خود باید نیازهای کوتاه مدت و دراز مدت جامعه و دانش‌آموزان و همچنین شناساندن شایسته علم جغرافیا را در نظر بگیرند، زیرا مفاهیم مورد تدریس متناسب با هر یک متفاوت است. اگر هدف جامعه ایران شناساندن

*Kemp* در سال ۱۹۷۱ برنامه تدریس توده‌های هوایی را برای دانش‌آموزان کلاسهای هشتم و نهم دبیرستان طبق این مدل تنظیم نموده است. ما این مدل را در مورد ایران بشرح زیر بیان می‌کنیم.

هدف عمومی: یادگیری توده‌های هوایی

- هدف‌های کوچکتر** علت تدریس هدفهای کوچکتر
- ۱- نوشتن علامت هر توده هوایی دانش‌آموزان بتوانند علامت توده‌های هوایی را در متون مختلف بخوانند
  - ۲- منشاء توده‌های هوایی را در نیمکره شمالی تعیین کنند.
  - ۳- از روی میزان دما، رطوبت، میزان دید، جهت باد و نوع ابر، اسم توده هوایی را تعیین کنند.
  - ۴- تجزیه اقلیم شمال غرب ایران و تعیین نوع توده‌های هوایی مؤثر در اقلیم آن استفاده کنیم.
- بدان سبب که آب و هوای ایران نتیجه و رود توده‌های هوایی مختلف است و اگر منشاء آنها را بدانیم اقلیم ایران را به خوبی می‌شناسیم.
- بوسیله این معیارها توده‌های هوایی از هم تشخیص داده می‌شود.
- بدان سبب که ما باید از اطلاعات خود در موارد عملی استفاده کنیم.

**محتوی درس:** تعریف توده‌های هوایی، منشاء توده‌های هوایی، علامت گذاری توده‌های هوایی، ویژگی‌های توده هوایی استوایی که عبارتند از: گرمتر از زمین زیر خود هستند، رطوبت زیاد و دید ضعیف دارند. ابرهای استراتوس دیده می‌شوند. دارای باران و شبنم هستند و در جهت مشرق و شمال حرکت می‌کنند. ویژگی‌های توده هوایی قطبی عبارتند از: سردتر از زمین زیر خود هستند، ابر کومولوس و دید خوب دارند. تندرو و رگبار تولید می‌کنند و در جهت جنوب و مشرق حرکت می‌کنند.

**روش تدریس:** معلم با استفاده از فیلم پنج دقیقه‌ای در مورد نوع، چگونگی تشکیل، منشاء و حرکت توده‌های هوایی بحث می‌کند. با استفاده از کاغذ شفاف و اورهه منشاء و علایم توده‌های هوایی را توضیح می‌دهد و مسیر حرکت آنها را با پیکان نشان می‌دهد. دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم می‌کند و در انجام تمرین‌ها با آنها همکاری می‌نماید. درباره هوای آن روز محل هم بحث می‌کند. برای گروه‌ها تمرین طرح می‌کند و منابع لازم را برای مطالعه دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. دانش‌آموزان فیلم مربوط به توده‌های هوایی را خوب ملاحظه می‌کنند و از گفته‌های معلم یادداشت برمی‌دارند. هر دانش‌آموز باید متون و مقالات آماده شده درباره اثر توده‌های هوایی بر روی شرایط اقلیم یک محل و پرواز هواپیما را مطالعه کند و تمرین‌های لازم را انجام دهد. گروه‌های بحث و

ابعاد علم جغرافیا برای دانش‌آموزان باشد حتماً دیدگاه موضوعی انتخاب گردد و تمام مفاهیم جغرافیایی بطور مرتب در دوره دبیرستان تعلیم داده شود. اگر بخواهیم دانش‌آموزان در پایان دوره دبیرستان تمام نواحی جهان و ایران را بشناسند، در برنامه ریزی مدارس از دیدگاه ناحیه‌ای استفاده خواهیم کرد. در این صورت از معرفی محیط اطراف دانش‌آموزان شروع می‌کنیم سپس ایران و پس از آن جهان را به آنها می‌شناسانیم. در تربیت افرادی که دارای قدرت تفکر منطقی در جغرافیا باشند و نیز توان حل مسائل جامعه را داشته باشند. استفاده از دیدگاه حل مسئله ضروری است. با ارائه مسائل و بحث درباره راه حل‌های آن، می‌توانیم قدرت تفکر دانش‌آموزان را افزایش دهیم و آنان را افرادی مصمم بارآوریم. در ضمن کاربرد مفاهیم جغرافیا برای دانش‌آموزان و برای جامعه روشن می‌شود. در این دیدگاه، در سال‌های اول دبیرستان مسائل محیط دانش‌آموزان مطرح می‌شود و در سالهای بعد درباره مسائل و مشکلات جهانی سخن می‌گوییم. مدل‌های عمومی به صورت چهارچوبی است که مدل‌های تدریس (*Instructional Model*) براساس آن تنظیم می‌شود. اگر مدل‌های عمومی، سیاست آموزشی یک کشور را تعیین می‌کنند، مدل‌های تدریس، تصمیمات معلم را در مورد تدریس روزانه‌اش مشخص می‌کند و برای معلمین بیشتر مفید است. در تنظیم مدل‌های تدریس دو مسئله را در نظر می‌گیریم. اولاً "محدوده معیارهای عمومی را رعایت می‌کنیم. ثانیاً" نقاط ضعف مشاهده شده در تدریس روزانه را در مدل‌های بعدی اصلاح می‌کنیم. از انواع مدل‌های تدریس می‌توان مدل هدف‌دار (*Objectives - Model*) و مدل فرآیندی (*Process Model*) را نام برد.

## مدل هدف‌دار

این مدل در اوایل قرن بیستم در آمریکا ابداع شده است و توسط *Ralf Tyler* در سال ۱۹۴۹ بگونه‌ای مطلوب معرفی گردید. هسته اصلی این مدل تعیین اهداف کاملاً واضح و مشخص است. بدین سبب برای معلم کمکی خوب است. او می‌داند که دانش‌آموزان باید چه مفاهیمی را یاد بگیرند. *Hilda Taba* در سال ۱۹۶۹ مدل تیلر را بصورت مدلی قابل اجرا بشرح زیر تنظیم نمود:

- ۱- هدف عمومی درس چیست؟ یادگیری توده‌های هوایی
- ۲- چه هدف‌های کوچکتری در محدوده هدف عمومی قرار دارد؟
- یادگیری مفاهیم مربوط به توده‌های هوایی با در نظر گرفتن اولویت.
- ۳- با توجه به اهداف، محتوی تدریس انتخاب می‌گردد.
- ۴- محتوی تدریس تنظیم می‌شود.
- ۵- روش تدریس انتخاب می‌شود.
- ۶- مراحل مختلف روش تدریس تنظیم می‌گردد.
- ۷- از چه چیز و چگونه باید ارزشیابی نمود.

تحقیق تشکیل دهند و هر گروه یافته‌های خود را به کلاس گزارش دهد.

هزینه و مخارج درس عبارتست از: هزینه تهیه کاغذ شفاف، فیلم و مقاله‌ها و... نیروی انسانی لازم عبارتست از: معلم، طراح برای تهیه عکسهای شفاف و کاغذ شفاف، عکاس برای فیلم، همچنین مسئول وسائل ارتباط جمعی مدرسه برای اخذ اطلاعات مورد نیاز به اداره هواشناسی و هواپیمایی و... مراجعه می‌کند. کتابدار مدرسه مسئولیت تهیه مقالات، ماشین نویس عهده دار تایپ نوشته‌ها، و دستیار معلم مأمور کمک به گروهها و تکثیر تمرینها و گزارشات برای گروهها خواهند بود.

فضای لازم: یک اطاق بزرگ جهت اجتماع همه دانش آموزان به مدت ۲۰ دقیقه، اطاقهای کوچک برای سمینار هر یک از گروهها به مدت ۳۰ دقیقه، نیمکت برای مطالعه گزارشات و مقالات توسط دانش آموزان.

وسائل مورد نیاز: پروژکتور ۱۶ میلیمتری، فیلم، پروژکتور اورهد یا کاغذ شفاف، چندین دستگاه فیلم خوان و نوار کاست، یک برگ کاغذ شفاف برای هر دانش آموز، چندین جزوه یا مقاله یا کتاب درباره توده‌های هوایی همراه با تمرین.

ارزشیابی از موارد زیر خواهد بود: از علامت توده‌های هوایی و منشاء آنها، تعیین مسیرهای زمستانه و تابستانه توده‌های هوایی در روی نقشه، تعیین نوع توده هوایی از روی گزارش اداره هواشناسی و تعیین شرایط پرواز، گزارش هوای محل و توجیه آن.

مدل هدفدار برای تدریس مفاهیم و مهارتهای جغرافیایی متناسب است. ولی تدریس روزانه با این نظم و ترتیب سخت دشوار است. دانش آموزان با هوش را در چهارچوب برنامه محدود می‌کند. درجه و کیفیت یادگیری و یا تغییر فکر دانش آموزان با دقت کافی تشخیص داده نمی‌شود. چون ارزشیابی از اهداف قابل سنجش انجام می‌گیرد تا تأکید در تدریس فقط بر این اهداف خواهد بود.

### مدل فرآیندی

بمنظور اجتناب از نقاط ضعف مدل هدفدار، Stenhouse در سال ۱۹۷۵ مدل فرآیندی را پیشنهاد کرد. این مدل بجای تأکید بر اهداف، بر روش تدریس و فرآیند یادگیری تأکید می‌کند. بعنوان نمونه برای تدریس موضوعی مانند جغرافیای جمعیت، مدل موضوعی سعی بر یادگیری مفاهیمی مانند میزان زاد و ولد، تراکم جمعیت، مهاجرت، رشد جمعیت، و غیره دارد. اما در مدل فرآیندی معلم و شاگردان سعی دارند که روش مناسب برای حل مشکلات ارائه شده در محدوده جغرافیای جمعیت، مانند انفجار جمعیت، مسائل نژادی و... پیدا کنند. ناگفته نماند که در ضمن بحث درباره مشکل مطروحه مفاهیم اصلی هم مانند میزان زاد و ولد، مرگ و میر، رشد جمعیت و غیره تدریس می‌شود. در این

مدل دانش آموزان بجای یادگیری علم محض، توانایی تعیین مشکل، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن و فرمول بندی نتایج و تعیین راه حل مشکل را می‌آموزند. معلم بعنوان صرفاً راهنما، هادی بحث و کار دانش آموزان است. این مدل برای اجرای دیدگاه حل مسئله مناسب است. مراحل مختلف این مدل بشرح زیر خلاصه می‌گردد:

- ۱- بوسیله معلم و دانش آموزان مشکلی تعیین می‌شود.
- ۲- مهارت‌ها و طریقه حل مشکل پیشنهاد می‌گردد مانند مصاحبه، مراجعه به کتب آمار و غیره.
- ۳- بمنظور ایجاد شناخت کافی درباره مشکل بحث و تبادل نظر می‌شود.
- ۴- اطلاعات مورد نیاز توسط دانش آموزان جمع‌آوری می‌گردد.
- ۵- گروههای دانش آموزان درباره اطلاعات جمع‌آوری شده بحث می‌کنند و به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازند.
- ۶- نتیجه گیری و گزارش حل مشکل توسط دانش آموزان نوشته می‌شود.
- ۷- گزارشها به وسیله معلم ارزش یابی می‌گردد.

### منابع

- 1- Manson, G.A. and M. K. Ridd (eds.) 1977. *New Perspectives on Geographic Education: Putting Theory into Practice* Kendall/Hunt publ. Comp., Dubuque, Iowa.
- 2- Berry, B.J.L. 1964. *Approaches to Regional Analysis: A Synthesis*. *Annals of the Assoc. Amer. Geogr.*, 54: 1-12.
- 3- James, P.E. 1977. *All Possible Worlds; A History of Geographical Ideas*. 8th Printing, the Bobbs-Merrill Comp. Inc. Indianapolis, Indiana.
- 4- Whittlesey, D. and others, *The Regional Concept and the Regional Method*. Introduction to Geography: Selected Readings. 1964. by Dohrs, F.E. and L.M. Sommers (eds). Thomas y. Crowell comp. New-york.
- 5- Graves, N.J. 1979. *Curriculum Planning in Geography*. Heinemann Educational Books. London.



# آموزش جغرافیا در کشور سوئد

## مقدمه

هدف کلی که در آموزش و پرورش سوئد مد نظر قرار گرفته است، پرورش استعداد های دانش آموزان و دستیابی به دموکراسی از طریق آموزش و پرورش عنوان شده است. مدیریت سیستم آموزشی این کشور بدین صورت است که مجلس قانونگذاری و دولت مسئول تعیین سیاست و برنامه های آموزشی می باشند. « شورای ملی آموزش و پرورش » به کمک شهرداری ها مسئول آموزش پیش دانشگاهی می باشند. کلیه امور مالی و هزینه های آموزشی به عهده دولت است و بودجه آموزش و پرورش سوئد ۱۵٪ بودجه کل کشور را شامل می شود. ساخت و سازمان آموزش و پرورش سوئد بدین صورت است که برای کودکان زیر هفت سال آموزش قبل از دبستان وجود دارد و سپس مدارس پایه (۱) امر آموزش ابتدایی را بر عهده دارند.

سیستم آموزشی در سوئد دولتی می باشد و از مدارس پایه تا دانشگاه را دربر می گیرد و تعداد کمی مدارس خصوصی نیز وجود دارند که آنها نیز از دولت کمک دریافت کرده و یا از کمک های شهرداری ها استفاده می کنند. برنامه های درسی را شورای آموزش و

پرورش تدوین می نماید و شهرداریها در انتخاب کتب درسی برای مدارس، آزادی عمل دارند. کلیه کتب درسی هر ساله مورد تجدید نظر قرار می گیرند.

در طول سه دهه گذشته بازسازی سیستم آموزشی سوئد ادامه داشته و هنوز نیز اصلاحاتی در آن صورت می گیرد. آموزش ۹ ساله پایه از سال ۱۹۶۲ بعد از یک دوره آزمایشی ۱۲ ساله به مرحله اجرا گذاشته شده است. این دوره آموزشی، دانش آموزان بین ۷ تا ۱۴ سال را در بر گرفته و به سه مرحله تقسیم شده است. مرحله ابتدایی که کلاسهای اول تا سوم را دربر دارد، مرحله میانه که کلاسهای چهارم تا ششم را شامل می شود و مرحله آخر که کلاسهای هفتم تا نهم را در بر گرفته است. مدارس امتحان نهایی ندارند و در مراحل اول و میانه تمامی دانش آموزان آموزش واحدی را دیده و موضوعات درسی یکسان و بوسیله یک معلم تدریس می شوند و در کلاسهای هفتم و هشتم برحسب وضعیت درسی قبلی خود تقسیم بندی می شوند. در بعضی از دوره ها ممکن است درس ها

## ساخت نظام آموزشی سوئد

سن	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
مرحله			۱					۲					۳					۴						
دوره	کودکستان		۱					۲ آموزش پایه					متوسطه											
	قبل از دبستان		آموزش اجباری					بعد از آموزش اجباری																
								دوره‌های تلفیقی ۲ تا ۳ ساله ( ۲۲ شاخه ) دوره‌های قبل از دانشگاه و دوره‌های فنی																
													دانشگاه و سایر مؤسسات عالی											
																		کالج های تربیتی						
																		آموزش بزرگسالان						

اشکال ناهمواریهای زمین، چهار جهت اصلی، بعضی از علائم نقشه، نقشه‌های ساده، نظریات روز دربارهٔ جغرافیا، به تصویر کشیدن طبیعت و زندگی اجتماعی با نواحی وسیع‌تری نسبت به همسایگان. مثلاً "بوسیله آموزش یک کشور یا محدودهٔ جغرافیایی طبیعی، شهرها، روستاها، دریاچه‌ها، رودها، کوهها و سایر مکانهایی که در طول مطالعهٔ درس، دانش‌آموز با آنها سرو کار دارد، مطالب فوق‌آموزته می‌شود. شناخت عناصر جغرافیایی که در یک محل مشخص وجود دارد، با مشاهدهٔ دانش‌آموزان در محدودهٔ خویش آغاز می‌شود و آنان طوری آموزش می‌بینند که بتوانند براحتمی کارهای زمان بندی شده لازم را به تدریج انجام داده و با استفاده از فهرست الفبائی، جزئیات مربوط به تصاویر را دریافته و قادر به خواندن نقشه‌های سادهٔ هواشناسی باشند و از هر فرصتی برای گردشهای علمی جغرافیایی استفاده کنند...

### جغرافیا برای گروه سنی ده تا پانزده سال

آموزش جغرافیا در مرحله میانه (کلاسهای چهارم تا ششم) و مرحله نهائی (کلاسهای هفتم تا نهم) در مدارس پایه: هدف آموزش جغرافیا را در این مراحل آموزش جغرافیای طبیعی و انسانی سوئد و سایر کشورهای همسایه با توجه به سایر کشورهای جهان تشکیل می‌دهد. هدف عمده از آموزش این بخش از جغرافیا آن است که نشان داده شود که چگونه مردم سایر نواحی جهان با شرائط گوناگون جغرافیایی زندگی می‌کنند و از منابع زمین برای احتیاجات خویش در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی بهره می‌جویند. مقصود از ارائه این مطالب معلوماتی دربارهٔ مردم سایر نقاط جهان است، و اهمیت آن در این است که روابط و علایق

بصورت انتخابی باشند. در کلاس نهم دانش‌آموز مختار است که یکی از ۹ رشته تحصیلی موجود را انتخاب کند. دورهٔ دوم متوسطه دو نوع آموزشگاه دارد: "ژیمنازیوم (۲)" سه ساله، و "آموزشگاه-دوساله بزرگسالان یا فاکرکول (۳)". دو آموزشگاه فوق ۲۵ رشته را با حدود ۴۰۰ درس تخصصی شامل می‌شوند. برای مثال ژیمنازیوم دارای ۵ رشته است: علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم طبیعی، اقتصاد و تکنولوژی.

### آموزش جغرافیا:

در مدارس پایه جغرافیا به دانش‌آموزان ۱۰ تا ۱۵ ساله آموزش داده می‌شود و این درس اجباری می‌باشد، در سالهای پانزده تا نهم - آموزش اطلاعاتی از وضعیت محلی خویش می‌آموزد. در دوره‌های ژیمنازیوم و آموزشگاههای بزرگسالان، جغرافیا موضوع جداگانه‌ای نیست و آموزش آن همراه با تعلیمات اجتماعی و علوم طبیعی می‌باشد. از آنجائی که اهداف و روش‌های آموزش درس تعلیمات اجتماعی عمدتاً "در دورهٔ دوم متوسطه یکسان می‌باشد، بنابراین فقط دورهٔ ژیمنازیوم با مطالب زیر سرو کار خواهد داشت:

### جغرافیا برای گروه سنی هفت تا نه سال

آموختن اطلاعاتی دربارهٔ محیط اطراف در مرحله اول (کلاسهای اول تا سوم) در مدارس پایه: اطلاعات محلی در مرحله اول مدارس پایه جهت برانگیختن کنجکاوای دانش‌آموز و آموختن اصول اولیه مطالعات جغرافیایی در میان سایر علوم مشابه است. مطالبی که دانش‌آموز با آن سرو کار خواهد داشت عبارتند از: عوارض محلی، مطالبی دربارهٔ عصر یخبچالی و اثرات آن بر

و همکاریهای بین المللی در عمل به تصویر کشیده شوند. همچنین در این گروه سنی به وسائلی که با استفاده از آنها دانش آموزان می‌توانند کشور خویش را بشناسند، یکی از اهداف اصلی می‌باشد.

## روشها و اهداف:

معلم در انتخاب روشها و مواد مورد لزوم که در سرفصل دروس در مورد آنها توضیح داده شده، آزاد گذاشته شده است. روشهای مستقل مطالعه در جغرافیا بخوبی جا افتاده است. با انجام تمرینات مداوم دانش آموزان می‌توانند راه خویش را با استفاده از اطلسها پیدا کنند و یا از علائم قراردادی استفاده نمایند یا موقعیت و پراکندگی یک موضوع خاص را از لحاظ جغرافیائی کشف کنند و همچنین از پدیده‌هایی که در درس جغرافیا مطرح می‌شوند می‌توانند اطلاعاتی کسب نمایند. مثلاً "مقایسه دو نقشه" متفاوت با مطالب گوناگون می‌تواند اطلاعاتی به دانش آموز بدهد. ترسیم نقشه‌های ساده و گنگ بخشی از فعالیت‌های طبیعی آموزش جغرافیا را در این مرحله تشکیل می‌دهد. با بکار بردن دقت و اندکی حوصله به دانش آموزان آموخته می‌شود که بطور موفقیت آمیزی از نمودارهای آماری استفاده نمایند، و آنان را آموزش دهند که چگونه از انواع نمودارهای خطی، دایره‌ای و غیره استفاده کرده، از این طریق به تفاوت بین نقشه‌های معمولی و نمودارها پی ببرند. با استفاده از مطالعات شخصی دانش آموزان در زمینه مسائل جغرافیائی و کنجکاوی آنها در کسب اطلاعات پایه از متن کتابها، کتابهای فنی، بروشورها و سایر انتشارات آنان آموزش جغرافیا می‌بینند. با ترکیبی از نقشه خوانی، ترسیم نقشه، مطالعه مواد تصویری کار با اطلاعات نموداری و قرائت جزئیات تشریح شده، یک فعالیت که بدان علاقمند می‌باشند، بر قدرت و

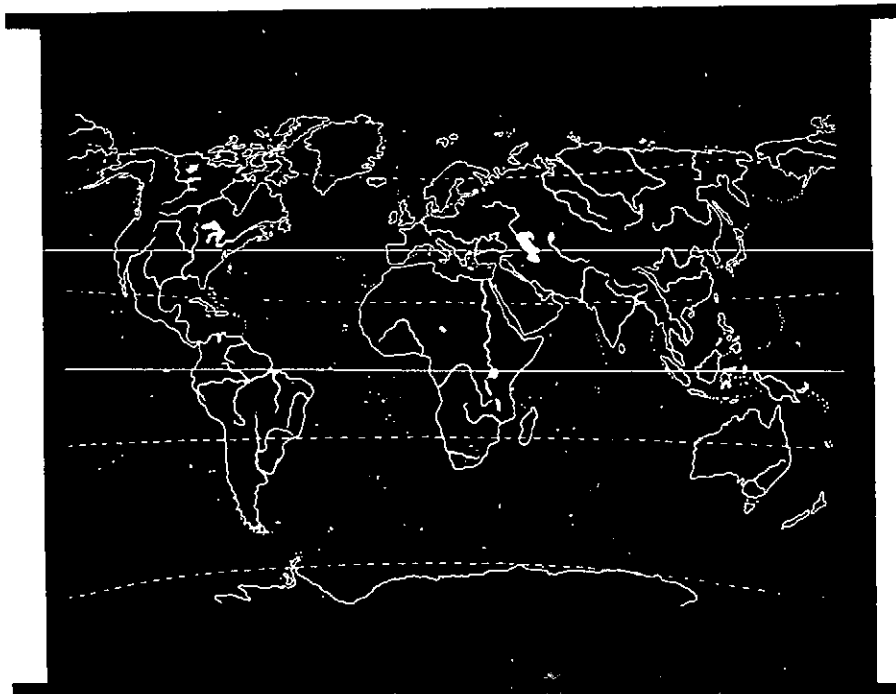
توانائی دانش آموزان برای کشف حقایق و بانجام رسانیدن وظیفه‌ای که بر عهده آنان گذاشته شده افزوده می‌شود.

مطالب جغرافیائی اغلب بخودی خود به نوعی هستند که علاقه دانش آموزان را بر می‌انگیزند. این علاقه خود جوش را می‌توان با محول کردن وظائفی که باید بصورت شخصی و یا گروهی انجام گردند و با استفاده از تصاویر، نقشه‌ها و کتابهای جغرافیائی تشویق و هدایت کرد. با انجام مشاهدات به طرق گوناگون مثل عکسها و نقشه‌ها، با تفکر در مطالب جغرافیائی، مقایسه محیطهای مختلف جغرافیائی و کوشش برای درک شرایط گوناگونی که مردم در آنها بسر می‌برند، تشخیص خصائص و ویژگیهای مختلف و غیره دانش آموزان را با گروه عظیمی از مردم آشنا می‌کند که تحت شرایط متفاوتی با آنان زندگی می‌کنند و همه این مردم به یکدیگر وابسته‌اند. نظر بر آن است که در آموزش از همه راههای ممکن استفاده شود. گردش‌های علمی و دیدارهای آموزشی نقش مهمی را در آموزش جغرافیا بر عهده دارند.

از مطالب ارائه شده فوق می‌توان دریافت که از آموزش جغرافیا در سوئد چه اهدافی دنبال می‌شوند. برنامه آموزشی طرح شده برای مدارس پایه نمونه‌ای از وسائل لازم برای کلاس جغرافیا و اهداف آموزش جغرافیا را بدین صورت نشان می‌دهد:

نقشه و کره جغرافیائی، فیلم، فیلم و اسلاید، مجموعه‌ای از مواد اولیه، کالاهای ساخته شده و نیمه ساخته، تخته سیاه بزرگ، تخته سبز رنگ و مواد لازم برای کشیدن تصاویر بر روی آن، کتب جغرافیائی، تقویم‌های مختلف، کتب مرجع و غیره.

غیر از وسائل فوق الذکر در بخش جغرافیای هر مدرسه، مجموعه‌ای از نقشه‌های دیواری و کره‌های جغرافیائی، مجموعه‌هایی از نقشه‌های توپوگرافی و سایر نقشه‌های رسمی کشوری از منطقه حول و





## تربیت معلم:

تربیت معلم در سوئد در سالهای اخیر بشکل نوینی درآمده و با احتیاجات مدارس و محتوای موضوعات جدید درس تناسب یافته است. سازماندهی کلاسهای جدید برای آموزگاران کلاسهای مراحل اول و میانه از مدارس پایه از آغاز مارس ۱۹۶۸ شروع گردید. آموزش معلمان دوره دوم متوسطه و ژیمنازیوم براساس طرح جدید نیز از همان تاریخ آغاز شد.

آموزش نظری معلمان دوره دوم متوسطه و ژیمنازیوم براساس برنامه سنتی انجام شده و در چهارچوب برنامه‌های دانشگاههای کشور سوئد پیش می‌رود. مدت کلاسهای تربیت معلم برای کلاسهای اول تا سوم آموزش پایه بعد از اخذ دیپلم، ۲/۵ سال است و معلمین بقیه کلاسهای آموزش پایه، ۳ سال دوره تربیتی را می‌گذرانند. معلمین دوره اول دبیرستان دوره چهار ساله و معلمین کلاسهای سه ساله آخر دبیرستان دوره ۸ ساله دانشگاهی را بعد از اخذ دیپلم دبیرستانی باید طی کنند کسانی که بعداً در دبیرستانها جغرافی تدریس خواهند کرد ضمن آموختن دروس اساسی جغرافیا در طی تحصیل دانشگاهی خود باید تعدادی دروس مربوط به تعلیم و تربیت، روش تدریس جغرافیا، روانشناسی و مطالب ویژه آموزشی را نیز فراگیرند.

## یادداشتها

- (1) Grundskolan
- (2) Gymnasiskolan
- (3) Fackskola

## منابع

۱- راهنمای بین المللی نظامهای آموزشی، ترجمه و تألیف ناصر صبح خیز، پرویز سلیمی، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی، تهران ( اردیبهشت ۱۳۶۱ )  
ص ۶ - ۲۹۴

- 2- The Teaching of Geography at School Lev - el. by E.C. Marchant . Conneil of Europa, London 1971 PP 98 - 104
- 3- Europa Wold Book 1985, Europa Publicati - on Ltd. ( 1985 ) Vol. 1. P836

حوش مدرسه، مجموعه‌ای از کتب جدید جغرافیائی با تصاویر رنگی و جذاب، مجموعه‌ای از گونه‌های مختلف سنگها و خاکها و نمونه - هائی از کتب مرجع برای کتابخانه‌ها در نظر گرفته شده است. کتب مرجع باید شامل منابع اطلاعات و مطالبی باشد که دانش آموز در زندگی آینده خویش با آن تماس مستقیم خواهد داشت مثل دایرةالمعارفها، بولتن‌ها و کتب آماری، راهنماهای توریستی، تقویمها و جداول مختلف و برگه‌های اطلاعاتی گوناگون از ادارات و سازمانهای مختلف دولتی و سفارتخانه‌های کشورهای خارجی و غیره.

## جغرافیا برای گروه سنی شانزده تا هجده سال

تدریس تعلیمات اجتماعی و علوم طبیعی در ژیمنازیوم الف، تعلیمات اجتماعی: تعلیمات اجتماعی شامل چهار درس علوم سیاسی، جامعه شناسی، اقتصاد و جغرافیای انسانی است. در سال اول تمام دانش آموزان مسائل جمعیتی را در مورد کشور سوئد و تمامی جهان فرا می‌گیرند. از این طریق توجه دانش آموز به نیاز جهان به غذا و اقتصاد کنونی سوئد جلب می‌گردد و سرفصل مطالب بعدی را دروس سیاسی، اقتصاد و جامعه شناسی تشکیل می‌دهند.

در سال دوم بررسی ناحیه‌ای واضحی از جهان به دانش آموز عرضه می‌شود و به مسائل جمعیتی، صنایع و بازرگانی با توجه بیشتر و دید عمیق تری نگریسته می‌شود و به اقتصاد که درس اصلی این سال محسوب می‌شود توجه زیادی می‌گردد.

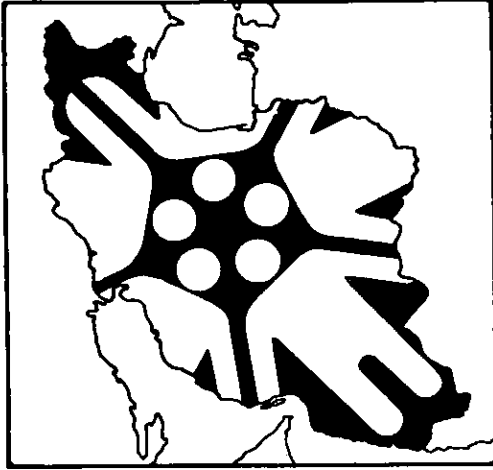
در سال سوم مطالعه تعلیمات اجتماعی شامل شهرک سازی و برنامه ریزی اجتماعی است و در یک متن ترکیبی مطالب مربوط به برنامه ریزی اجتماعی در ارتباط مستقیم با اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی یا دید جغرافیائی عرضه می‌شوند.

ب، علوم طبیعی: موضوع علوم طبیعی را زیست شناسی، شیمی، فیزیک و جغرافیای طبیعی تشکیل می‌دهند. در برنامه آموزشی در این مورد آمده است که:

موضوع علوم طبیعی را علمی تشکیل می‌دهند که در دانش علمی انسان حالت مرکزیت دارند. این علم بنابراین باید عمدتاً براساس زمینه‌های معینی که با مسائل امروزه علمی رابطه دارند تدریس گردد. بنابراین بعنوان یک قاعده کلی، تمامی بخشهای عناصر اصلی لازم نیست در مد نظر قرار گیرند و جزئیات را مورد بحث قرار داد. بلکه مطالب باید طوری ترتیب داده شود که شامل فیزیک، شیمی، فیزیک زمین و زیست شناسی باشد، شاید لازم شود تا به مطالبی که در دوره پایه بدانها اشارت رفته است مطالبی را اضافه و آنرا تکمیل نمود مثلاً " فیزیک ( مکانیک ) و زیست شناسی. در این چهارچوب درس ممکن است در جهات مختلف با توجه به نیازهای آموزشی توسعه پیدا کند. تذکر فوق شامل روشها و اهداف آموزش علوم اجتماعی و علوم طبیعی نیز می‌شود.

# دورنمای مسائل جمعیت در ایران

(قسمت سوم)



دکتر علی اصغر نیشابوری

یعنی در ۱۸۵۰ این تعداد به یک میلیارد نفر رسیده، برای رسیدن از مرز یک میلیارد نفر به دو میلیارد نفر تنها ۸۰ سال زمان لازم بود و جمعیت جهانی در سال ۱۹۳۰ به رقم دو میلیارد نفر بالغ گشت ۴۵ سال بعد نیز ( یعنی در سال ۱۹۷۵ ) جمعیت جهان یکبار دیگر دو برابر شد و به چهار میلیارد نفر رسید. برآورد کارشناسان نشان می‌دهد که برای رسیدن از چهار میلیارد نفر به هشت میلیارد نفر ۳۵ سال وقت لازم است. به این معنی که در سال ۲۰۱۰ جمعیت جهان به رقم هشت میلیارد نفر بالغ خواهد گردید. خلاصه این ارقام و برآوردها در جدول زیر ارائه شده است :

## ارقام جمعیت جهان - جدول ۱

زمان لازم برای دو- برابری شدن	میلیارد نفر	میلیون نفر	تاریخ
۱۵۰۰	-	۵	قبل از میلاد
۲۰۰	-	۵۰۰	بعد از میلاد
۸۰	۱	۱۰۰۰	" " "
۴۵	۲	۲۰۰۰	" " "
۲۵	۴	۴۰۰۰	" " "
?	۸	۸۰۰۰	" " "

بعد از این مرور کوتاه بر کیفیت رشد جمعیت جهان می‌توان به بررسی نحوه رشد جمعیت ایران پرداخت.

در ضمن دو مقاله گذشته<sup>۱</sup> که در شماره‌های ۳ و ۴ مجله رشد آموزش جغرافیا ارائه گردید، مطالبی در مورد میزان انرژی دریافت شده در روی کره زمین، نسبت تبدیل آن به غذا و امکانات افزایش تولیدات غذایی به اجمال ارائه شد و اشاره گردید که برنامه ریزی و پیش بینی مسائل تغذیه، نیازمند محاسبه و برآورد ابعاد جمعیت نیز هست. به این معنی که طرف تقاضا کننده غذا یعنی جمعیت انسانی و تحولات آن نیز باید بصورت دقیق مورد توجه قرار گیرد. در نوشته حاضر، سعی می‌شود تعداد جمعیت ایران در سالهای آینده پیش بینی و برآورد شود و مابقی اصول این قبیل پیش - بینی بزبان ساده تشریح گردد. کوشش ما بر این است که تا حد امکان از ورود در مباحث فنی و محاسبات و فرمول‌های ریاضی اجتناب کنیم و در عین حال کلیات و اصول این نوع تخمین‌ها و محاسبه‌ها را تا حدود امکان بیان نمائیم. قبل از شرح و توضیح مسائل مربوط به جمعیت ایران مروری کوتاه بر تحولات جمعیت جهان مفید و ضروری جلوه می‌کند.

## رشد جمعیت جهان در ادوار گذشته:

به اعتقاد کارشناسان مسائل جمعیت، ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد یعنی حدود ده هزار سال قبل تنها ۵ میلیون نفر انسان روی کره زمین زندگی می‌کردند. تعداد زاد و ولد انسانها اندکی بالاتر از تعداد مرگ و میر قرار داشت و ۱۵۰۰ سال زمان لازم بود تا تعداد جمعیت از ۵ میلیون نفر به ۱۰ میلیون نفر بالغ گردد. این شکل از رشد تدریجی و آرام جمعیت، در مدت زمانی که به تقریب ۹۶۵۰ سال طول کشید جمعیت کره زمین را به ۵۰۰ میلیون نفر رسانید باین ترتیب در سال ۱۶۵۰ میلادی، در تمام کشورهای کره زمین مجموعاً ۵۰۰ میلیون نفر، زندگی می‌کرده‌اند. ۲۰۰ سال بعد

## تحولات جمعیت ایران:

ده ساله ۵۵ - ۱۳۴۵، آمار جمعیت برای هر یک از سالها به تفکیک معادل ارقام مندرج در جدول شماره ۳ بوده است .

### جدول ۳

سال	جمعیت
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۸۰۷۳۲
۱۳۴۶	۲۶۰۴۸۸۰۸۹۶
۱۳۴۷	۲۷۰۲۰۸۰۰۵۶۹
۱۳۴۸	۲۷۰۹۴۶۰۷۶۸
۱۳۴۹	۲۸۰۷۰۵۰۵۲۳
۱۳۵۰	۲۹۰۴۸۴۰۸۷۸
۱۳۵۱	۳۰۰۲۸۵۰۳۹۲
۱۳۵۲	۳۱۰۱۰۷۰۶۴۱
۱۳۵۳	۳۱۰۹۵۲۰۲۱۳
۱۳۵۴	۳۲۰۸۱۹۰۷۱۶
۱۳۵۵	۳۳۰۷۱۰۰۷۷۱

رقمی که با استفاده از مدل ریاضی برای برآورد جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ بدست آمده با رقم حاصل از سرشماری همان سال ( یعنی رقم ۳۳۰۷۰۸۰۷۴۴ ) تنها حدود دو هزار نفر اختلاف نشان می دهد که با توجه به بزرگی ارقام کاملاً جزئی و قابل صرف نظر کردن است .

بعد از سرشماری سال ۱۳۵۵ هنوز سرشماری جدیدی انجام نیافته، در سال جاری ( ۱۳۶۵ ) چهارمین سرشماری عمومی کشور انجام خواهد یافت و بالطبع اطلاعات جدیدی درباره رشد و تحول جمعیت کشور بدست خواهد آمد . اگر فرض کنیم که در ده سال اخیر یعنی از ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵، کیفیت رشد جمعیت ایران همان روال ده ساله قبل ( یعنی سالهای بین ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ ) را داشته، یعنی آهنگ رشد سالیانه جمعیت رقمی معادل ۲/۷۱٪ بوده است، می توان برپایه این فرض آمار جمعیت ده ساله اخیر را بصورت جدول ۴ بدست آورد .

بررسی و تعمق روی آمار و ارقام حاصل از سرشماری های سه گانه و جداول و ارقامی که از طریق تفسیر این آمار برپایه مدل های ریاضی حاصل گردیده اند نتایج عمده زیر را بدست می دهند :

۱ - افزایش جمعیت ایران در طی فواصل زمانی ده ساله از ۱۳۳۵ الی ۱۳۶۵ بصورت جدول ۵ بوده است .

نتایج سرشماری جمعیت ایران نشان می دهد که در سال ۱۳۳۵ تعداد کل جمعیت کشور رقمی معادل ۱۸۰۹۵۴۰۷۰۴ نفر بوده است . ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۵ بر پایه نتایج سرشماری دوم تعداد کل جمعیت به ۲۵۰۷۸۸۰۷۳۲ رسیده است . سومین سرشماری جمعیت نیز که در سال ۱۳۵۵ یعنی ده سال بعد انجام یافته تعداد کل جمعیت را رقمی معادل ۳۳۰۷۰۸۰۷۴۴ نفر اعلام داشته است . با تکیه بر ارقام یاد شده، می توان مدل ریاضی رشد جمعیت ایران بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ را محاسبه نمود، آهنگ رشد جمعیت در این مدت، سالیانه بطور متوسط رقمی معادل ۳/۱۲٪ بوده است .

وقتی این مدل ریاضی را ملاک محاسبه و برآورد جمعیت ایران قرار دهیم، برای ده سالی که از ۱۳۳۵ آغاز شده و به ۱۳۴۵ ختم شده آمار جمعیت سالها به تفکیک بصورت ارقام مندرج در جدول ۲ بدست می آید .

### جدول ۲

سال	جمعیت
۱۳۳۵	۱۸۰۹۵۴۰۷۰۴
۱۳۳۶	۱۹۰۵۴۷۰۲۲۸
۱۳۳۷	۲۰۰۱۵۸۰۲۷۴
۱۳۳۸	۲۰۰۷۸۸۰۴۲۲
۱۳۳۹	۲۱۰۴۳۸۰۲۶۸
۱۳۴۰	۲۲۰۱۰۸۰۴۲۸
۱۳۴۱	۲۲۰۷۹۹۰۵۳۷
۱۳۴۲	۲۳۰۵۱۲۰۲۵۱
۱۳۴۳	۲۴۰۲۴۷۰۲۴۴
۱۳۴۴	۲۵۰۰۰۵۰۲۱۳
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۶۰۸۷۶

رقمی که مدل ریاضی برای جمعیت ایران در سال ۱۳۴۵ تخمین زده تنها حدود دو هزار نفر با رقمی که عملاً از سرشماری جمعیت بدست آمده ( یعنی رقم ۲۵۰۷۸۸۰۷۳۲ ) فاصله دارد .

در فاصله سالهای ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ یعنی مدت ده سالی که بین دومین و سومین سرشماری عمومی کشور، فاصله زمانی وجود داشته، مدل ریاضی، رشد جمعیت کشور را سالیانه رقمی معادل ۲/۷۱٪ نشان می دهد . مقایسه این رقم با آهنگ رشد جمعیت بین سالهای ۴۵ - ۱۳۳۵ نشان می دهد که در این مدت رشد جمعیت بطور کاملاً محسوسی کاهش یافته است، براساس مدل ریاضی برای

## جدول ۴

سال	جمعیت
۱۳۵۵	۲۳۰۷۰۸۰۷۲۴
۱۳۵۶	۲۴۰۶۲۳۰۹۲۶
۱۳۵۷	۲۵۰۵۶۳۰۹۷۶
۱۳۵۸	۲۶۰۵۲۹۰۵۳۸
۱۳۵۹	۲۷۰۵۲۱۰۳۱۵
۱۳۶۰	۲۸۰۵۴۰۰۰۱۸
۱۳۶۱	۲۹۰۵۸۶۰۳۸۰
۱۳۶۲	۴۰۰۶۶۱۰۱۵۰
۱۳۶۳	۴۱۰۷۶۵۰۱۰۰
۱۳۶۴	۴۲۰۸۹۹۰۲۳۰
۱۳۶۵	۴۴۰۰۶۴۰۷۳۱

۳ - اگر فرض کنیم که جمعیت ایران در طول سالهای آینده همان آهنگ رشد سی سال گذشته و یا حتی ده ساله اخیر را حفظ نماید، نتیجه آن خواهد بود که در عرض ۲۵ سال جمعیت کشور به دو برابر میزان فعلی یعنی ۸۸ میلیون نفر بالغ گردد. باین ترتیب در سال ۱۳۹۰ شمسی تعداد کل جمعیت ایران به رقم یاد شده و حتی بالاتر از آن خواهد رسید. طبیعی است که باید اساس همه برنامه‌ریزی‌ها از قبیل تأمین مسکن، آموزش، اشتغال و مهمتر از همه کشاورزی و تغذیه با توجه به ابعاد آتی جمعیت بنیان گذاشته شود.

۴ - بقاری که اشاره شد همه پیش‌بینی‌ها و برآوردهائی که درباره جمعیت آینده کشور و زمان دو برابر شدن آن بعمل آمده، بر مبنای این فرض متکی بوده که جمعیت ایران، آهنگ رشد سی سال گذشته را حفظ کند و در عین حال هیچگونه مهاجرت انسانی بداخل این جمعیت و یا بخارج از این جمعیت صورت نگیرد. بعبارت دیگر در تمام این برآوردها از مسئله مهاجرت و تأثیر آن در کاهش یا افزایش جمعیت صرف نظر شده است. در حالی که به تأیید شواهد و قرائن متعدد، آهنگ رشد جمعیت و آهنگ مهاجرت در جهت تقویت رشد جمعیت ایران مؤثر می‌باشند. گسترش فعالیت‌های بهداشتی و درمانی، توجه بجا و شایسته به مسئله واکسیناسیون بالاخص در سالهای بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی میزان مرگ و میر اطفال را از رقم ۱۲۰ در هزاره کمتر از ۷۰ در هزار کاهش داده و در کنار این موفقیت، توسعه راهها و گسترش مراکز درمانی در مناطق روستائی، میزان مرگ و میر در تمام سنین و بالاخص نوزادان را بشدت پائین آورده است طبیعی است که کاهش مرگ و میر موجب افزایش آهنگ رشد جمعیت شده است. از سوی دیگر میزان مهاجرت به خارج در مقابل آهنگ مهاجرت بداخل رقم بسیار ناچیزی است. علاوه بر عده قابل توجهی از ایرانیان مقیم عراق که در سنوات قبل از جنگ تحمیلی و همچنین در طول مدت جنگ به ایران عودت داده شده‌اند، عده کثیری از مردم افغانستان که تعداد آنها در حدود دو میلیون نفر برآورد می‌شود بر جمعیت ایران افزوده شده‌اند. نال نتیجه رقم ۴۴ میلیون نفری که با محاسبه رشد گذشته جمعیت برای سال ۱۳۶۵ بدست آمده قطعا "پائین تر از رقم واقعی جمعیت در سال یاد شده است یا ملاحظه تعداد مهاجرین و با عنایت به افزایش آهنگ رشد جمعیت، می‌توان حدس زد که تعداد ساکنین کشور در سال جاری متجاوز از ۴۶ میلیون نفر باشد و اگر آهنگ رشد جمعیت را با توجه به کاهش مرگ و میر بجای رقم ۲/۷۱٪ رقمی معادل ۲٪ بگیریم ۲۳ سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۸ جمعیت کشور به دو برابر میزان فعلی یعنی ۹۲ میلیون نفر خواهد رسید.

وقتی به کیفیت رشد جمعیت کشور و ابعاد جمعیت در آینده توجه می‌کنیم طبعاً این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید با

## جدول ۵

فاصله زمانی ده ساله	میزان افزایش جمعیت (به میلیون نفر)
۱۳۳۵ - ۱۳۴۵	۶/۸
۱۳۴۵ - ۱۳۵۵	۷/۹
۱۳۵۵ - ۱۳۶۵	۱۰/۳

مفهوم این ارقام آن است که در سی سال اخیر جمعیت کشور ۲۵ میلیون نفر افزایش یافته و از رقم تقریبی ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۴۴ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ بالغ گردیده است.

۲ - مطلب مهم دیگری که از بررسی و مقایسه جداول و آمار یاد شده بدست می‌آید، این است که جمعیت ایران از حدود ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۲۸/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۶۰ افزایش یافته و به بیان دیگر در فاصله زمانی ۲۵ سال دوبرابر گردیده است. زمان دو برابر شدن جمعیت یکی از مهمترین و گویاترین پارامترهای تحول یک جمعیت است. اهمیت این رقم را وقتی می‌توان بخوبی دریافت که به زمان دو برابر شدن جمعیت کل جهان توجه کنیم. در حالی که جمعیت جهان در همان مرحله زمانی، ۴۵ سال برای رشد مضاعف خود وقت لازم داشته، جمعیت ایران در ۲۵ سال دو برابر گردیده است. به بیان دیگر سرعت رشد جمعیت ایران تقریباً دو برابر سرعت رشد جمعیت جهانی بوده است.

مسئله جمعیت و بی‌آمدهای آن برخورد کرد؟ آیا باید به فکر کنترل جمعیت بود؟ و در صورتی که کنترل رشد جمعیت لازم است چگونه باید اقدام کرد؟

ما سعی می‌کنیم از جهات مختلف این مسئله را بررسی کنیم و بر این باوریم که اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که نه تنها توجه دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی‌ها بلکه اذهان عموم مردم باید به جوانب مختلف این امر واقف گردد. و بشرحی که در سطور آتی خواهیم گفت بی‌آمدهای این مسئله باید برای همه افراد کشور تحلیل و تشریح گردد. طبیعی است که نه تنها صفحات مجله رشد آموزش جغرافیا بلکه پهنه همه وسائل ارتباط جمعی، نظیر روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون باید در سطح مناسب جایگاه طرح و بحث این مسائل قرار گیرد و بدور از هر نوع تنگ‌نظری که قطعاً در شأن جامعه انقلابی ما نیست، سخن موافق و مخالف به بحث و گفتگو گذاشته شود. ما سعی می‌کنیم که برای احتراز از آمیختگی مباحث اهم جوانب مسئله را تحت عناوین مشخص زیرمورد بررسی قرار دهیم:

### ۱- آیا کنترل جمعیت و کوشش برای جلوگیری از رشد جمعیت لازم است یا خیر؟

مقدمتاً باید توجه داشت که وقتی مسئله تحول جمعیت و رشد یا کاهش آنرا بررسی می‌کنیم از دیدگاه علوم تجربی با آن برخورد می‌نمائیم. به این معنی که صرفاً "به نحوه تحول جمعیت نظاره می‌کنیم و طبعاً" به این نتیجه می‌رسیم که جمعیت با چه آهنگ و نسبتی افزایش یا کاهش می‌یابد و در برخی از جوامع انسانی نیز به این نکته پی می‌بریم که جمعیت در یک مرز مشخص ثابت می‌ماند، کما اینکه فعلاً "در چهارده کشور تعداد جمعیت به حالت تعادل رسیده و عملاً" با هیچگونه افزایشی روبرو نیست. آنچه که بعد از بررسی وضع جمعیت بعنوان یک سیاست کلی برای حفظ آهنگ رشد، یا کاهش رشد جمعیت و یا تقویت رشد جمعیت اتخاذ می‌کنیم و از آن بعنوان یک "باید" نام می‌بریم این "باید" در محدوده علوم تجربی جای ندارد و از صرف بررسی و تجربه منبعث و حاصل نمی‌گردد بلکه یک قضاوت ارزشی است و در استنباط و اتخاذ آن پای نوعی داوری ارزشی در میان است. به این معنی که مثلاً "یک کارشناس تجربی ابتدائاً" درمی‌یابد که یک جمعیت با آهنگ مشخصی رشد و ازدیاد حاصل می‌کند و سپس بی‌آمدهای رشد جمعیت نظیر کمبود مسکن، مشکل تاءمین اشتغال و یا پیدایش شهرهای پر جمعیت را بخاطر می‌آورد و چون پیدایش این قبیل مسائل را نوعی پدیده نامطلوب تلقی می‌کند بالنتیجه حکم یا اندرز مبتنی بر کنترل مولید و کاهش رشد جمعیت را صادر می‌نماید. به همین لحاظ وقتی از ضرورت یا عدم ضرورت کنترل جمعیت بحث می‌کنیم باید به ماهیت این نوع بحث‌ها توجه داشته باشیم.

برای اینکه مطلب به ساده‌ترین زبان ممکن بیان شود به نکات و مثال‌های زیر توجه می‌کنیم:

مردم کشور فلسطین که مرز و بوم آنها با شغال مهاجرین صهیونیست درآمده بخشی بعنوان یک اقلیت مظلوم و محروم در وطن خود باقی مانده‌اند و جمع کثیری از آنها آواره بلاد دیگر گشته‌اند. نایودی و اضمحلال این مردم هدف و آرزوی دیرینه اشغالگران است. اگر این مردم بر دشواریهای حیات خود بعنوان عوامل محدود کننده و تعیین کننده در ابعاد جمعیت توجه کنند بالطبع باید در مقام کنترل زاد و ولد برآیند، در حالیکه افزایش تعداد آنها اعم از ساکنین موطن اصلی یا آوارگی، بعنوان یک نقطه قدرت و یک نیروی بالقوه در جهت احقاق حقوق آنها عمل می‌کند و بالنتیجه چشم پوشی از تمام مشکلات ناشی از رشد جمعیت را منطقی و موجه می‌سازد.

جمعیت مسلمان کشور شوروی بعد از استقرار نظامی که ستیز آشکار با هر گونه اعتقادات مذهبی دارد، بعنوان یک اقلیت منظور می‌شده، در طول قریب به هفتاد سال که از آغاز استقرار نظام الحادی در آن کشور می‌گذرد، رشد سریع جمعیت مسلمانان شوروی نسبت و سهم این گروه را در ترکیب جمعیت آن کشور شدیداً افزایش داده و طبیعی است که همین عامل هم در کوتاه مدت و هم در دراز مدت، بعنوان عاملی بسیار مثبت در جهت حفظ موجودیت این گروه و کاستن از فشارهای اجتماعی و حرکت تدریجی بطرف احقاق حقوق انسانی و اسلامی این جمعیت عمل خواهد کرد.

برای اینکه مسئله ملموس‌تر باشد کافی است به وضع جامعه خود نیز توجه کنیم. اگر بغرض مردمان این کشور از سی سال قبل بصورت جدی و قاطع کنترل مولید را اعمال می‌کردند توان رزمی و دفاعی این کشور قطعاً "از استواری و ابهت امروزی خود بهره‌مند نبود همین امر در مورد مجموعه جمعیت‌های مسلمان جهان نیز دقیقاً صادق است. حرکت اصیلی که جامعه قدرتمند ما افتخار آغاز آن را دارد طبعاً "مبارزه‌ای بسیار طولانی با همه انحرافها و ستم‌گریها را پیش‌رو خواهد داشت، کثرت و فزونی رزمندگان این صف مایه قدرت و دوام و بقاء موجودیت و گسترش آن است واضح است که در چنین شرایطی توصیه به کاهش زاد و ولد یعنی کاهش انسان‌ها و نیروهای این اردو خلاف مصلحت و دوراندیشی است.

از سوی دیگر تردیدی نیست که در بسیاری از جوامع افزایش تعداد انسانها با بروز مشکلاتی نیز همزمان و تواءم بوده است و اساساً "انگیزه اصلی کسانی که بر ضرورت کنترل جمعیت انگشت می‌گذارند نیز احتراز از بروز و رشد این گونه مشکلات و نارسائیه‌ها است. به همین لحاظ کاملاً" بجا است که بر ماهیت این قبیل مشکلات نیز باجمال نظر افکنیم:

در سرلوحه مشکلات ناشی از رشد جمعیت باید از مسئله غذا و

کمبود تولیدات کشاورزی و دامی نام برد. ما در ضمن دو مقاله گذشته ( مندرج در شماره‌های ۳ و ۴ مجله رشد آموزش جغرافیا) به تفصیل در این زمینه بحث کرده‌ایم. خلاصه آن مباحث این است که گرچه مسئله کمبود غذا یکی از حادترین مشکلات عصر حاضر است ولی این مشکل اساساً ناشی از عدم کفایت منابع جهانی نیست بلکه از کوتاهی و حتی تعدد آگاهانه صاحبان ثروت و قدرت علمی ناشی می‌شود. کره زمین می‌تواند ده‌ها و صدها برابر تعداد انسان‌های فعلی را غذا دهد. در اینجا طبیعتاً این سؤال مطرح می‌شود که وقتی تعداد انسان‌ها به ده‌ها یا صدها برابر میزان فعلی رسید، در آن صورت راه حل غذا چگونه خواهد بود؟ پاسخ اینست که اولاً قبل از رسیدن به مرزهای تحمل و تکافوی منابع زمین، منع انسان‌ها از افزایش منطقی نیست. ثانیاً "هر چه زمان جلوتر می‌رود و دانش و توان انسان فزونی می‌گیرد افق‌های تازه‌تر از امکانات کشف می‌شود. بهتر است جواب این سؤال را به انسانهای همان اعصار محول کنیم آنها با شناخت بهتر توان‌های خود صلاحیت زیادتری برای حل مشکلات و مسائل خود خواهند داشت.

از پی‌آمدهای دیگر افزایش جمعیت، مسائل و تنگناهای محیط زیست‌اند وقتی مردم در یک منطقه محدود با تراکم زیادی سکونت می‌کنند هوای شهر بدلیل آلودگیهای ناشی از صنایع و ترافیک شهری و در کنار آنها مصرف متراکم آب و ایجاد فاضلابهای صنعتی و شهری آلوده می‌شوند و امکان زندگی سالم و نعمت پاکیزگی محیط را سلب می‌کنند فراموش نباید کرد که همه این پی‌آمدها ناشی از رعایت صرفه اقتصادی است که بعنوان یک عبارت تراکت آمیز برای جلوگیری از کاربرد عباراتی نظیر نفع پرستی و مال‌اندوزی بکار می‌رود. تکنولوژی عصر حاضر بخوبی می‌تواند در خدمت سالم سازی صنایع بکار گرفته شود و انسان‌ها می‌توانند و باید از زیستن در محیط‌های بسیار شلوغ و پر تراکم احتراز کنند شهرهای بزرگ مولود طبیعی و نتیجه اقتضای شرایط و عوامل محیطی نیستند آنها عرصه سیاست‌های غلط و تبعیت و تسلیم در برابر خواسته‌ها و منافع و امیال گروه‌های حاکم و ثروت‌اندوز جامعه هستند. و در یک کلام، اگر در نهایت امر نیز بتوان قصور و کوتاهی را متوجه عامه مردم کرد - که واقعیت هرگز چنین نیست - بهر حال از سوء سیاست‌های انسانی نتیجه و ناشی شده‌اند. نتیجه نهائی اینست که اگر بتوانیم سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را بصورتی بنیادی اصلاح کنیم عطش زیستی در شهرهای بزرگ فرو می‌نشیند و آنگاه نوبت به ساکنین سرفعلی دار این قبیل شهرها می‌رسد که به مقررات زیستن در شهرهای بزرگ تن دهند و فی المثل اتومبیل‌های شخصی را کنار گذارند ( که البته این مفصل با توصیه و اندرز چاره نمی‌پذیرد ) هزینه‌های سالم سازی محیط زندگی خود را تقبل کنند و مقررات و موارد حفاظت محیط زیست خود را با میل و رغبت بکار بندند.

ما بیش از این در باب پی‌آمدهای رشد جمعیت و بالاخص مسائل ناشی از گسترش شهرها و ایجاد مناطق پر تراکم، بحث نمی‌کنیم. چنین بحثی ما را از هدف اصلی این نوشتار دور می‌کند. این اشاره طولانی را به لحاظ آنکه سئوالات احتمالی که از طرح مسئله رشد جمعیت برانگیخته می‌شوند، بی پاسخ نمانند، ضروری دیدیم. مجموعه این بحث را در جملات زیر خلاصه کنیم:

گسترش شهرها و ایجاد مناطق پر تراکم لازمه اجتناب ناپذیر رشد جمعیت - حداقل در شرایط فعلی - نیست و اگر بفرض محال چنین نیز باشد، مسائل و تنگناهای شهرهای بزرگ از نحوه زیستن مردم ناشی می‌شوند این نحوه زیستن را نیز می‌توان بمدد افزایش آگاهیهای مردم و اتخاذ و اعمال سیاست‌های درست اصلاح کرد. نکته دیگری که لزوم و ضرورت کنترل جمعیت را در معرض تردید و نفی قرار می‌دهد وضع و موقعیت کشورهای نظیر کشور ما است که از چند جهت با همسایگانی مجاورت یافته‌اند که خود در معرض رشد و ازدیاد جمعیت قرار دارند. اگر بفرض جامعه ما بصورت قاطع بر کنترل جمعیت همت گمارد بیست سی سال بعد با همسایگانی بسیار پر جمعیت از تمام جوانب و اطراف روبرو خواهد بود. محدودیت منابع این قبیل همسایه‌ها - حتی بلحاظ رعایت جوانب انسانی قضیه - جامعه ما را ملزم و یا شاید مجبور به پذیرش مهاجرتی خواهد کرد که با آداب و رسوم زندگی این جامعه در حد افراد خود این جمعیت مؤانست ندارند. نباید از این گفته استنباط تمایلات ملی و یا نژادی کرد که چنین تفکری با اساس اعتقادات این جامعه تعارض دارد. ولی بهرحال این پدیده بسیار محتمل را نیز نباید از دیده دور داشت. غرض اینست که جامعه ما با احتمال بسیار زیاد حتی در صورت کنترل رشد جمعیت درونی خود، ملزم به پذیرش جمعیت اضافی خواهد گردید پس چه بهتر که این مرز جمعیت را با زادگان خود این ساکنین اصلی اشغال شود. طبیعی است که ملاحظه این موقعیت نیز باید بعنوان یک عامل مهم در اتخاذ سیاست‌های ناظر بر تحول و رشد جمعیت منظور و ملحوظ باشد.

اینک باجمال بطرح مطلب دیگری که با مسئله رشد جمعیت ارتباط نزدیک دارد، می‌پردازیم و آن نکته اینست که چگونه باید جمعیت را کنترل کرد.

## ۲- نحوه کنترل جمعیت :

تردیدی نیست که این بحث زمانی طرح می‌شود که جامعه به ضرورت کنترل جمعیت اعتقاد حاصل کند. ما در بحث پیشین در باب ضرورت یا عدم ضرورت کنترل جمعیت باجمال سخن گفتیم. با توجه به همان مباحث طرح این مطلب را بعنوان نشانه‌ای از اعتقاد به ضرورت کنترل جمعیت - حداقل در شرایط فعلی جامعه ایران - تلقی نمی‌کنیم.

هدف ما از طرح این بحث ذکر روش‌های کنترل مولید نیست

چنین بحثی اگر بفرس ضرورت نیز داشته باشد جای شایسته خود را در سطوح و افق‌های دیگر احراز می‌کند. هدف ما بیان کلیاتی درباره این بحث است.

جمعیت انسانی مانند هر جمعیت زنده دیگری (منظور جمعیت - متشکل از جانداران دیگر) از طریق زاد و ولد افزایش می‌یابد و از طریق مرگ و میر افراد کاهش حاصل می‌کند. بنابراین وقتی بخواهیم یک جمعیت تعادل ثابت احراز کند یعنی ازدیاد و کاهش نیابد باید تناسب و توازن بین عامل افزایشدهنده یعنی زاد و ولد و عامل کاهشدهنده یعنی مرگ و میر برقرار شود. بهمین لحاظ، حل مسئله رشد جمعیت از نظر تئوری دو راه حل قضاوت دارد:

الف - مرگ و میر جمعیت زیاد شود و یا درمورد جامعه انسانی، کوششی برای کاستن از مرگ و میر بعمل نیاید تا عامل کاهشدهنده، رشد جمعیت را متوقف کند. خوشبختانه هیچ انسانی اتخاذ این راه حل را توصیه نکرده و نمی‌کند زیرا با ابتدائی‌ترین اصول اخلاقی انسانها - حتی انسانهایی که به هیچ نوع مذهب تعلق و تقید ندارند - مغایرت دارد، بلکه سعی جوامع انسانی عموماً "برایست که با تصمیم و توسعه امکانات پزشکی و درمانی نعمت حیات و استمرار حیات را برای افراد انسانی تأمین کنند و مرگ و میر را تا سر حد امکان کاهش دهند. چنین کوششی بحکم عامترین موازین انسانی ناپیستد و در خور دفاع است.

ب - راه حل دوم آنست که از میزان زاد و ولد انسانها بکاهند و از طریق کنترل عامل افزایشدهنده جمعیت، رشد آنرا تعدیل و حتی متوقف نمایند. اتخاذ این روش پایه و اساس همه تدابیری است که در جهت کنترل رشد جمعیت در تمام کشورهای جهان بکار می‌رود. توفیق در اجرای این روش به عوامل بسیار متعدد بستگی دارد شرح و توضیح جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی این مطلب نوشتار مستقلی را طلب می‌کند که در خارج از حوصله و اهداف مقاله حاضر است. آنچه که ما در دنباله بحث خود مطرح می‌کنیم و باعتقاد ما با اهداف این نوشته انطباق بیشتر دارد نحوه برخوردی است که باید جامعه ما در قبال تحول جمعیت اتخاذ کند.

### ۳- چگونه باید با مسئله رشد جمعیت برخورد کرد؟

غرض ما از طرح این بحث، که چگونه باید با مسئله رشد جمعیت برخورد کرد؟ .. این نیست که بگوئیم آیا جامعه ما باید از هم اکنون به فکر کنترل رشد خود باشد یا خیر؟ این مسئله را باید مجامعی از صاحب نظران که نمایندگان تخصصها و صلاحیتهای گوناگون را شامل باشد اتخاذ نماید و طبعاً "مجریان این سیاست که همه آحاد جامعه‌اند با آگاهی و میل و رغبت در اجرای این تصمیم کلی مشارکت نمایند و اساساً" باید اتخاذ هر نوع سیاسی توجه به رأی و نظر اکثریت افراد جامعه صورت گیرد. که چنین بحثی مطرح نشده و طبعاً "چنین

سیاستهایی نیز اتخاذ و اعلام نگردیده‌اند هدف بحث ما اینست که چه روشهایی باید در برخورد با مسئله رشد جمعیت اتخاذ کرد. بعنوان مقدمه باین نکته اشاره می‌کنیم که اگر بفرس جامعه ما هم امروز تصمیم کلی به کنترل رشد جمعیت اتخاذ کند آثار عملی و محسوس این تصمیم در طول یکی دو نسل آینده ظاهر خواهد شد تجاربی که در جوامع دیگر بدست آمده همگی در جهت تأیید این نظراند. مفهوم این مطلب آنست که اگر ما موافق و یا مخالف کنترل جمعیت باشیم حداقل برای دو نسل آتی پدیده رشد جمعیت با آهنگ کم و بیش متفاوت با وضع کنونی ادامه خواهد یافت ولی بی تردید میزان رشد جمعیت در طی دو نسل آتی متأثر از سیاست جامعه درباره کنترل موالید خواهد بود. بنابراین نکاتی که ذیلاً" شرح می‌دهیم مورد تصدیق و قبول موافقین و مخالفین رشد جمعیت قرار خواهند داشت.

ما در ضمن بحث خود به طرح جنبه‌های اصلی و بی‌آمدهای حاصل از رشد جمعیت می‌پردازیم و سعی می‌کنیم ضرورت توجه به مسئله تحول جمعیت در برنامه‌ریزیهای آتی را روشن سازیم در آغاز این بحث لزوم آگاهی‌های اجتماعی را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

### ضرورت آگاهاندن جامعه به پی‌آمدهای رشد جمعیت:

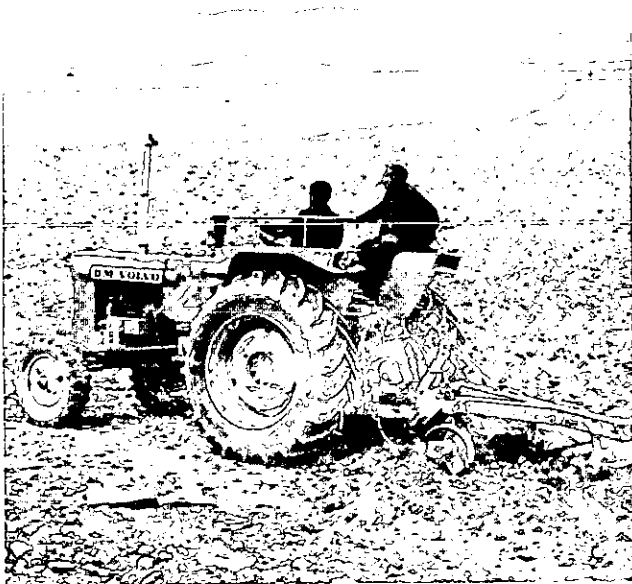
وقتی می‌گوئیم جمعیت کشور ما در ضمن ۲۳ سال آتی دو برابر خواهد شد بالطبع باید میزان تولیدات غذایی کشور در ضمن همین مدت دو برابر شود تا بتوانیم با حفظ استانداردهای فعلی تغذیه در کشور، جمعیت ۹۰ یا ۹۲ میلیونی بیست و سه سال بعد را تغذیه کنیم، اگر بتوانیم در همین مدت با اندازه خانه‌های فعلی مسکن تازه بسازیم قادر خواهیم بود استاندارد مسکن را در حد فعلی تأمین کنیم این جمعیت تمام خدمات اولیه و ضروری از قبیل بهداشت و درمان و مهتمتر از همه آموزش و اشتغال را لازم خواهد داشت. طبعاً" اگر به تعداد مدارس فعلی مدرسه جدید بسازیم سطح آموزش در حد معیارهای فعلی باقی خواهد ماند و اگر به تعداد همه مشاغل موجود شغل تازه ایجاد کنیم، در آن صورت سطح اشتغال در حد نسبت‌های جامعه فعلی حفظ خواهد گردید. اگر جمعیت این کشور اضافه نمی‌شد همه این قبیل کوششها و سرمایه گذاریها سطح رفاه جامعه را بالاتر می‌برد ولی افزایش جمعیت با روندی که قبلاً" اشاره کردیم همه یا قسمت اعظم امکانات جدید را جذب خواهد کرد.

توسعه کشاورزی از دو طریق امکان پذیر است. یکی از طریق احیا و آباد کردن زمین‌های جرد و دیگری از طریق افزودن بازده کشاورزی در مزارع موجود، طبعاً" جامعه ما باید بصورت همزمان هر دو روش را بکارگیرد. رسیدن به این دو هدف نیازمند تخصیص منابع عظیمی از درآمدهای جامعه است. مردم جامعه ما باید با

وقوف بر ضرورت این سرمایه‌گذارها به کاهش سهم خود از لحاظ رفاه زودرس رضایت دهند. جالبتر آنست که سیاست فعلی جامعه ما در امر توسعه کشاورزی مبتنی بر استفاده از ماشین آلات و در نهایت امر جایگزین کردن نیروی ماشین بجای کار و نیروی انسانی است اگر این سیاست موفق شود نتیجه آن خواهد بود که تعداد اندکی از انسانها بمدد استفاده از ماشین آلات قادر به تولید غذای مورد نیاز جامعه باشند. بعنوان مثال وقتی یک تراکتور راهی روستا می‌شود نتیجه جنسی آنست که حداقل ده خانوار، کشاورزی سنتی را ترک کند و در جستجوی شغل جدید و ممر معاش تازه برآید. توجه به همین نتیجه جنسی و در عین حال اجتناب ناپذیر ضرورت و لزوم استفاده از ماشین آلات کشاورزی را در جوامعی نظیر کشور ما با تردید روبرو می‌سازد کسانی که به مسئله رشد جمعیت توجه ندارند، وقتی بشنوند که فردی در ضرورت و جوار مکانیزه کردن کشاورزی تردید می‌کند، بی‌تردید فریاد برمی‌آورند که آیا در عصر تسخیر فضا، بیل به دست انسان می‌دهید و او را روانه مزرعه می‌کنید؟ اما اگر به پی‌آمدهای مسئله جمعیت و بیکاری توجه کنیم شاید بپذیریم که یک انسان شاغل در مزرعه ولو یکمک بیل یعنی ابزار چند هزار سال قبل، بمراتب مفیدتر از دستفروش دوره‌گردی است که سهم او در تولید از کم کارترین کشاورز این مملکت نیز کمتر است. راه حلی که در برخورد نخست مطرح می‌شود اینست که کشاورزی را مکانیزه کنید انسان‌ها را از زیر بار زحمت و رنج کشاورزی خلاص نمایید بازوهای ستبری را که از کشاورزی آزاد گشته‌اند به کارخانجات و صنایع روانه سازید تا چرخهای صنعت را به گردانند و رفاه و ثروت و آسایش تولید کنند. مسئله اساسیتر همین جا است. صنایع این عصر هر روز کمتر از روز قبل بازوی ستبر طلب می‌کنند

در پهنه صنعت نیز ماشین جای انسان را بسرعت گرفته و می‌گیرد چرخهای صنعت را ماشینهای انسان وار می‌چرخاند آنها بجای نیروی بازو، مغز اندیشمند می‌خواهند که آنها را طراحی کنند. بسازند و بر کار آنها از دور نظارت کنند. هر روز در روزنامه‌ها و وسائل ارتباط جمعی صحبت از تعطیل صنایع در کشورهایی که مهد رشد و شکوفایی صنعت بوده‌اند می‌شنویم. ساده انگاری است اگر تصور کنیم درب این صنایع بسته می‌شود بلکه واقع امر آنست که درب این صنایع بر روی کارگران بسته می‌شود تا بر روی ماشین - آلات اتوماتیک باز گردد جامعه‌های پیشرفته از طریق مدرن سازی مستمر صنایع خود ضمن افزایش تولید نیاز به نیروی کار انسانی را کمتر می‌کنند و بهمین لحاظ همراه با افزایش تولیدات جامعه با پدیده بیکاری مواجه می‌گردند.

جامعه ما با نظایر این مشکل در ابعاد بسیار سنگین تر روبرو است وقتی ما کارخانه‌های سفارش می‌دهیم نمی‌توانیم ماشین آلات متعلق به دوران پنجاه سال قبل را که به نیروی انسانی انبوه نیاز داشت وارد کنیم بلکه ماشین آلات عصر حاضر را تهیه می‌کنیم، چنین تاءسیساتی تولید را بالاتر می‌برند ولی فضای اشتغال ایجاد نمی‌کنند. ایجاد یک شغل هر سال نسبت به سال قبل هزینه بالاتر می‌برد. زیرا نقش اشتغال انسانی بصورت روز افزون کاهش می‌یابد. خلاصه مطلب این است که روند پیشرفت تکنولوژی حتی در جوامعی که پدیده رشد جمعیت محسوس نیست، با تعداد ثابت جمعیت، بحد کافی مسئله آفرین است طبیعی است در جامعه‌های نظیر ایران وارد کردن این تکنولوژی معضلات پیچیده‌تر اجتماعی را بدنال خواهد کشید. کوتاه سخن اینست که جوامع مهد صنعت در ضمن عبور تدریجی از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه صنعتی مسائل و





مشکلات فراوانی داشته‌اند که در ضمن چند صدسال با آنها روبرو گشته‌اند. ما در جامعه خود با فشرده همه این مشکلات در عرض مدتی بسیار کوتاهتر مواجه خواهیم بود.

آرزو و ایده‌آل آنست که جامعه آینده ما انسان‌های توانمندی را تربیت کند که بتوانند صنایع پیشرفته را بدست خود ایجاد کنند اما تربیت و پرورش این انسانها همتی عظیم و سرمایه‌های کلان نیاز دارد. جامعه باید با روی باز روح قناعت و صرفه جوئی و اعراض از هر گونه رفاه و آسایش مضر و مخرب را در خود پرورش دهد تا در سایه این ایثار دراز مدت تخصیص امکانات جامعه در راه نیل به این هدف مقدور گردد.

مسئله مسکن در جامعه ما نیز با مشکلات و معضلات پیچیده‌ای روبرو است علاوه بر سرمایه های عظیمی که تاءمین مسکن جذب خواهد کرد، انتخاب محل مسکن نیز خالی از دشواری نیست. شهرهای فعلی جامعه ما در مناطقی بنا شده‌اند که آب و زمین در دسترس بوده، بالنتیجه گسترش این شهرها فضاهای طبیعی بسیار مفید را از دسترس کشاورزی خارج می‌کنند. سیاست تاءمین مسکن در جامعه الزاما باید با توجه به این امر پایداری شود و سعی گردد بحد اکثر ممکن زمین‌های زراعی و مرغوب از سلطه و رشد سرطان - آسای شهرها مصون ماند. در حال حاضر سالانه بیش از یک میلیون و دویست هزار فرد جدید به جمعیت این کشور اضافه می‌شود معنای این مطلب آنست که اگر بخواهیم استانداردهای فعلی مسکن را با همه کاستیها و کمبودهای آن حفظ کنیم سالانه ایجاد ششصد هزار مسکن جدید مورد نیاز است بیست سال بعد این رقم به بالاتر از یک میلیون واحد مسکونی در سال خواهد رسید.

جامعه ما هم امروز دشواریهای زیادی را که از تحول طبیعی جمعیت منشاء می‌گیرند لمس می‌کند. هجوم به شهرها و تمام بی‌آمدهای آن گوشه‌هایی از این مشکلات اند. فقدان شغل‌های مولد و روی آوردن به انواع مشاغل کاذب از احتکار کلان تا دستفروشی و دوره گردی، گرچه در برخی از سطوح ریشه در آزمندی دارند، ولی همه موارد فوق از این روند طبیعی متاءثرند. گردانندگان جامعه در عین حال که باید توان و هم خود را مصروف حل این معضلات کنند، نباید از توضیح و تشریح ریشه‌های این مشکلات غافل مانند. مردم جامعه باید آگاه باشند که بسیاری از دشواریهای جامعه ما ریشه در نوع تحول و رشد جمعیت دارند. سهم عظیمی از گرفتاریها و کاستیها از قصور و کوتاهی گردانندگان جامعه منبعت نیستند. تفهیم این نکته در سطح جامعه، با اعتقاد ما از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا اگر مردم بدرستی علل کمبودها و نارسائی را درک کنند توان تحمل و نوع برخورد با مشکلات تغییر خواهد یافت دشمنان این مملکت نه تنها با انواع دسائس و حیل مشکلات و دشواری در سر راه نظام نوپای اسلامی ایجاد می‌کنند بلکه با استفاده از حربه‌های تبلیغاتی خود سعی می‌کنند همه

گرفتاریها و کاستیها را شمره استقرار نظام اسلامی در این جامعه معرفی نمایند. مردم ما اگر بدرستی ریشه‌های مشکلات جامعه خود را درک کنند با روئی گشاده‌تر به استقبال این مسائل خواهند رفت و آماده‌تر خواهند بود که امکانات جامعه را در راه حل و رفع این مشکلات بسیج کنند.

غرض ما آن نیست که از رشد جمعیت غولی بسازیم و مردم را با آن بترسانیم، بلکه اعتقاد داریم که می‌توان و باید سیل عظیم نیروهای خلاق این جامعه را با صبر و بردباری بطرف ساختن جامعه‌ای نیرومند هدایت کرده جامعه‌ای بر پا کرد که مردمی انبوه و غیرتمند و فعال و خلاق در آن زندگی کنند روح قناعت و اعراض از اسراف بر آنها حاکم باشد. ملت‌ی که بحق الگوی همه ستمدیدگان جهان قرار گرفته و قطعا " توانائی آنرا دارد که جوانمردانه و کربمانه بخاطر ساختن جامعه فعلی و آینده خود از طلب و آرزوی رفاه روی گرداند.

### +++++ یادداشت +++++

۱ - سهم گره زمین از انرژی آفتاب و بازده تبدیل آن به غذا.

### +++++ منابع +++++

- 1- Kenne D.j. et al - 1984. *Biology, An Introduction. 615+39 PP. The Benyamin Commings Publishing co. London.*
- 2- Meadows D.L. et al . 1972 *The Limits to Growth. A Report for the Club of Rome, s Project on the Predicame-nt of Mankind. Universe Books. New York.*
- 3- Weisz P.B and keogh R.N - 1982 *the science of Biology . Fifth edition 1009 PP. McGraw- Hill New York.*

- ۴ - نشریه سرشماری عمومی نفوس و مسکن. آبان ماه ۱۳۵۵ کل کشور - نشریه شماره ۱۸۶ - سازمان برنامه، مرکز آمار ایران.
- ۵ - دکتر مرتضی هنری - محیط زیست و انسان امروز - مجله رشد آموزش جغرافیا، سال اول شماره ۲ - ۱۳۶۴ صفحات ۲۰ الی ۲۷.

# مهاجرت، رشد جمعیت و توسعه

ترجمه و تلخیص از: فاطمه فقیهی قزوینی



هستند. هدف این مهاجرین دقیقاً "همان هدف مهاجرین پیشین است که آنها را تشویق به مهاجرت کرده و در یافتن شغل به آنها کمک می‌نمایند. جو ارتباطی شهرها نیز خود مشوق مهاجرت می‌باشد، ضمناً "وسيله" رفت و بازگشت به روستا هم که راحت و ارزان است.

مهاجرین معمولاً "از این حرکت خود استفاده" مادی فراوانی می‌برند. حتی در کارهایی که نیاز به هیچگونه مهارتی ندارند. بیشتر مهاجرین خیلی زود با خصوصیات زندگی شهری مأنوس می‌شوند، خصوصیاتی که گسستگی‌های اجتماعی نظیر تعویق ازدواج و ترک خانواده را نیز بدنبال دارد. برای مهاجر، بیکار ماندن و حتی اجیر شدن در شهرها یا صرفه‌تر از ماندن در روستاست، جایکه درآمد شخص حتی از بیکار ماندن در شهر هم کمتر است. اغلب مهاجرین به کارهایی مشغول می‌شوند که شهرنشینان از آن گراه دارند و جهت کسب درآمد بیشتر از هیچ کاری رویگردان نیستند. دستمزد کمی که آنها در ابتداء به ازاء کاری قبول می‌کنند خود باعث پائین نگهداشتن قیمت‌ها می‌شود. حال روشن نیست که آنها واقعا "تا چه حد مشاغل موجود در شهر را به خود اختصاص داده و موجب بیکاری اهالی بومی منطقه می‌شوند. ولی دیده شده است که گاهی برای یافتن شغلی بین خود مهاجرین و یا بین آنها و افراد بومی اصطکاک پیش می‌آید.

## سیاستها و برنامه‌های دولت:

دولتهایی که نگران رشد سریع جمعیت شهرها و در نتیجه کندی شدن رشد اقتصادی کشورشان هستند، سیاستهای گوناگونی برای مبارزه با این امر اتخاذ نموده‌اند. برخی از روشهایی که برای ممانعت از این جریان پیش گرفته‌اند عبارتند از:

جمعیت کشورهای در حال توسعه در خلال سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ به دو برابر یعنی از ۱/۷ میلیارد به ۳/۳ میلیارد افزایش یافته است. یکی از اثرات بارز این افزایش، توسعه سریع شهرهاست. بسیاری از شهرهای آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی افزایشی با میزان ۸ درصد در طی این مدت داشته است. و چنانچه این میزان به همین ترتیب ادامه یابد در کمتر از ۱۰ سال جمعیت آنها به دو برابر جمعیت فعلی خواهد رسید. طبق محاسبات آماری بطور متوسط ۶۰ درصد از رشد جمعیت شهرها بعلت توالد و ۴۰ درصد دیگر تنها به دلیل مهاجرت روستائیان به شهر است.

سیاستگذاران این کشورها شدیداً "نگران مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افزایش شهرنشینی هستند، و با وجودیکه دولتها روشهای گوناگونی جهت مبارزه با این امر اتخاذ می‌نمایند، تاکنون موفقیت چندانی حاصل نگشته است. زیرا مادامیکه تفاوت‌های فاحش بین مناطق شهری و روستایی از نظر امکان دستیابی به مشاغل و سطح دستمزدها وجود دارد، امیدی به متوقف شدن این جریان باقی نمی‌ماند.

## انگیزه‌های اقتصادی:

مهمترین انگیزه مهاجرت روستائیان به شهر انگیزه اقتصادی است. بجز آوارگان جنگی، اغلب مهاجرین به این علت روستا را ترک و به شهر روی می‌آورند که شغلی بهتر یا دستمزدی بیشتر بیابند. در بسیاری از موارد تصمیم به مهاجرت توسط کلیه اعضاء خانواده اتخاذ می‌شود، زیرا پولی که شخص یا اشخاص مهاجر برای خانواده ارسال می‌کنند موجب بهبود وضع زندگی آنان نیز خواهد شد. افراد مهاجر عموماً "جوان (بین ۱۵ تا ۲۵ ساله)، بانددکی سواد و دارای شجاعت بیشتری برای به مخاطره افکندن زندگی خود

– اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بمنظور ایجاد شغل و جلب روستائیان .

– قرارداد دادن محدودیت‌هایی برای تهیه مسکن و اشتغال به کار در شهرها .

– کنترل افراد از نظر محل اقامت و صدور مجوز برای تغییر محل. برخی دیگر روشهای زیر را برای انصراف مهاجرین از زندگی در شهرهای بزرگ برگزیده‌اند :

– ایجاد انگیزه برای صنایع و کارگران و انتقال آنها به مناطق دیگر

– ایجاد شهرک‌های مهاجرنشین و حمایت از منتقل شوندگان

– ایجاد شهرهای جدید .

همه این تلاشها نیازمند قدرت سیاسی، بودجه‌ای قابل توجه، مدیریتی کارآمد و گاهی زور و اجبار است. بعضی از تلاشها نیز ممکن است نتیجه‌ای معکوس بدهد. مانند بالارفتن سواد و تحصیلات روستائیان و یا ساختن جاده‌ها که خود انگیزه‌ای برای نقل مکان آنها به شهرها می‌شود. علاوه بر سایر سیاستهای مملکتی مانند بالابودن سطح دستمزد در شهرها، پائین بودن هزینه خوراک و تجمع ادارات دولتی عواملی است که مشوق مهاجرین بوده و معمولاً همه سیاستهای علیه مهاجرت را خنثی می‌نماید. در این خصوص باید گفت شاید اتخاذ سیاستهایی برای محدود کردن و تحت نظم درآوردن مهاجرتها، مؤثرتر و بهتر از حذف کامل مهاجرت باشد.

### رشد جمعیت و توسعه شهرها:

جمعیت جهان طی سی سال اخیر سرعت افزایش یافته است. در سال ۱۹۵۰ جمعیت جهان ۲/۵ میلیارد نفر بود در حالیکه در سال ۱۹۸۰ این رقم به ۴/۴ میلیارد بالغ گردیده است. بیشتر این افزایش در کشورهای در حال توسعه رخ داده است. جمعیت منطقه شرق و جنوب آسیا در خلال این مدت به دو برابر و جمعیت آمریکای جنوبی و آفریقا، در همین مدت به اندکی بیش از دو برابر بالغ گشته است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نسبت سالانه رشد جمعیت از ۲ درصد هم بیشتر شده و جمعیت در کمتر از ۳۵ سال به دو برابر رسیده است. البته بعلمت کاهش توالد طی دهه ۱۹۷۰، نسبت سالانه رشد جمعیت از ۱/۹۶ در سالهای ۶۰-۱۹۵۰ به ۱/۷۰ در سال ۱۹۸۰ رسید. معذالک با جمعیت فعلی یعنی ۴/۴ میلیارد، و نسبت رشد سالانه ۱/۷، هر سال ۷۵ میلیون نفر به این جمعیت افزوده می‌شود، و چنانچه این نسبت به همین ترتیب ادامه یابد طی پنج سال آینده ۳۷۵ میلیون نفر، یعنی معادل جمعیت همه شهرهای آفریقا و آمریکای جنوبی به جمعیت دنیا افزوده خواهد گشت .

### توسعه سریع شهرها و شهرنشینی:

یکی از مهمترین جنبه‌های افزایش سریع جمعیت در کشورهای در حال توسعه، که نگرانی اکثر دولتها را برانگیخته توسعه بیش از حد شهرهاست. در خلال سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه به ۳/۵ برابر رسیده. طی دهه ۱۹۶۰ شهرهایی چون بغداد، لاگوس و ستول نسبت سالانه‌ای بیش از ۷ درصد افزایش جمعیت داشته‌اند، بطوریکه در کمتر از ۱۱ سال جمعیت آنها دو برابر شده است این توسعه سریع موجب انتقال بزرگترین شهرهای دنیا از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه گشته. در سال ۱۹۵۰ تنها سه شهر با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت در دنیا وجود داشت، (نیویورک، لندن و توکیو). تا سال ۲۰۰۰ چنانچه نسبت افزایش بهمین طریق ادامه یابد، ۲۵ شهر اینچنین در دنیا وجود خواهد داشت که ۲۰ تا آنها در کشورهای در حال توسعه قرار دارد. بزرگترین شهر یعنی مکزیکوسیتی در آن سال ۳۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت.

به این ترتیب شهرها نه تنها از نظر مساحت، بلکه از نظر رشد جمعیت نیز سرپا توسعه یافته. در سال ۱۹۵۰، شهرنشینان ۱۷ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دادند، در حالیکه این رقم در سال ۱۹۸۰ به ۳۱ درصد رسیده، و پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۰ به ۴۳ درصد بالغ گردد. تنها بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵، ۶۰ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه به شهرها مهاجرت نموده‌اند. در هند طی سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۱، ۴/۵ درصد از جمعیت روستاها یعنی بیش از ۱۳ میلیون نفر به شهرها رفته‌اند.

کشورهای آمریکای جنوبی و شرق آسیا بیشترین نسبت رشد را در دهه ۱۹۵۰ داشته‌اند، در حالیکه در حال حاضر حداکثر نسبت متعلق به کشورهای آفریقا و جنوب آسیا است. بطور کلی نسبت شهرنشینی در کشورهای آمریکای جنوبی (۶۵ درصد در سال ۱۹۸۰) از همه مناطق دیگر، یعنی آسیای شرقی (۳۳ درصد)، آفریقا (۲۹ درصد) و جنوب آسیا (۲۵ درصد) بالاتر است.

بین وسعت فعلی شهرها و نسبت رشد آنها نیز روابط متفاوتی در مناطق وجود دارد. در آمریکای جنوبی، بزرگترین شهرها (با بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت)، سریعترین رشد را دارند. در آفریقا شهرهای کوچک (با کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت) دارای بیشترین نسبت رشد هستند، و در آسیای شرقی بین رشد شهرهای کوچک و بزرگ چندان تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

### مهاجرت بین المللی کارگران:

در مقایسه با مهاجرت روستائیان به شهر، مهاجرت‌های بین المللی رقم بزرگی را تشکیل نمی‌دهد. طبق محاسبه‌ای تقریبی تعداد مهاجرینی که در کشورهای بیگانه به کار مشغولند در سال

۱۹۷۵، ۱۴ میلیون و در سال ۱۹۸۰، ۲۰ میلیون نفر بوده است. البته به این رقم افراد خانواده مهاجرین نیز اضافه می‌شوند. نیمی از این عده بین کشورهای در حال توسعه مهاجرت می‌کنند و از ۵۰ درصد بقیه، بیشترشان به کشورهای توسعه یافته می‌روند. علیرغم محدود بودن تعداد افرادی که به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، این عمل به دلایل زیر توجه زیادی را بخود معطوف داشته:

۱- ارقام در بعضی از مناطق تکان دهنده است. بعنوان مثال  $\frac{2}{3}$  کارگرانی که در کشورهای نفت خیز به کار اشتغال دارند خارجی می‌باشند و یا ۵۰ درصد از جوانان منطقه کارائیب کشور خود را ترک می‌کنند.

۲- هر جا که مهاجرت قانونی است، افزایش آن کاملاً مشهود است.

۳- مهاجرت‌های غیرقانونی نیز بعلت غیر قابل کنترل بودن مسائلی را بهمراه دارد.

۴- مهاجرین دائماً "بعمل گوناگون از قبیل رقابت‌های شغلی، ترس از ازدواج و عدم تجانس فرهنگی در تشویش بسر می‌برند، و این حالت به سایر مهاجرین نیز سرایت می‌کند.

۵- علاوه بر همه اینها مهاجرت‌های بین المللی ممکن است حتی بین کشور مبدأ و کشور مقصد برخوردهای سیاسی ایجاد نماید.

بمنظور موفقیت برنامه‌ها، اینگونه سیاستها باید اولاً "هدفی واقعی را دنبال کند، ثانياً" بین آنها و برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور هماهنگی ایجاد گردد. ثالثاً "سیاستها طوری تنظیم شوند که دربرگیرنده واقعی علل مهاجرت بوده و حقیقتاً" به رفع آن علل بپردازند. در این خصوص لازم به توضیح مکرر است که شاید تحت نظم و قاعده درآوردن مهاجرت‌های بی رویه بسیار مضرتر از بطور کلی مبارزه با آن باشد.

### مشکلات دولتها:

بسیاری از دولتها بعلت ناهماهنگ بودن پراکندگی جمعیت در کشورشان و خصوصاً "تراکم بیش از حد شهرها با مشکلاتی مواجهند. به عنوان مثال کنفرانس بین المجالس آفریقا که در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد در خصوص جمعیت و توسعه چنین تصریح می‌کند:

"دولتها به خاطر تاءمین منابع خصوصاً زمین و آب برای جمعیت کشورشان که بطور کاملاً ناهماهنگ پراکنده شده در مضیقه هستند. این وضعیت برای بکارگیری نیروها در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وضعیتی بسیار نامساعد است، زیرا همه می‌دانند که گرایش مهاجرت از روستا به شهر گرایشی است که با اجرای برنامه‌های توسعه مغایرت دارد. این پدیده طی دو دهه اخیر به اوج وخامت خود رسیده."

براساس گفته مقامات دولت اندونزی در سال ۱۹۷۰ "تراکم -

شهرها آنچنان اوضاع وخیمی بخود گرفته که امید به هر گونه اصلاحی را به یأس مبدل کرده و دیگر حتی برقراری هرگونه نظم و امنیت و اجرای هرگونه قانونی در جا کارتا غیرممکن بنظر می‌رسد...

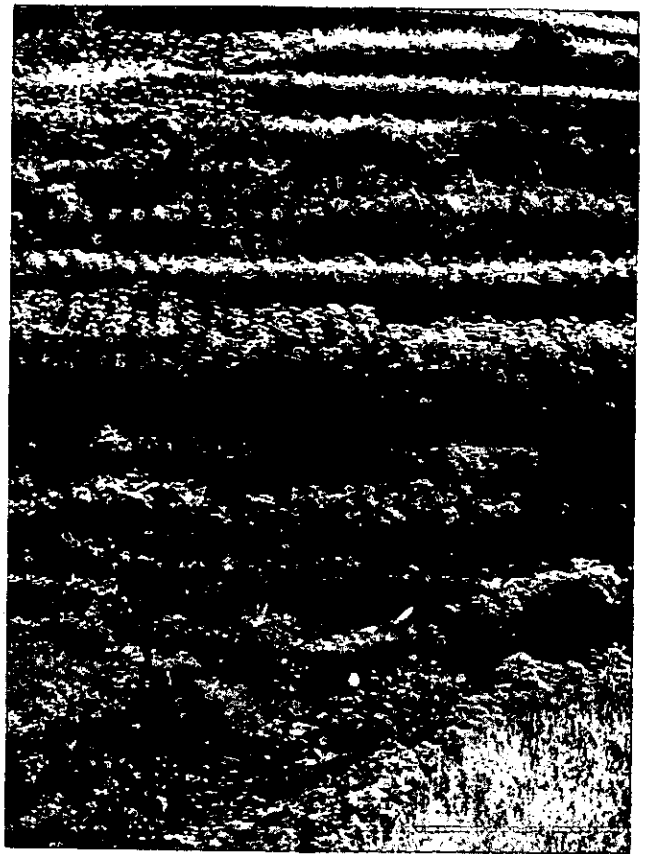
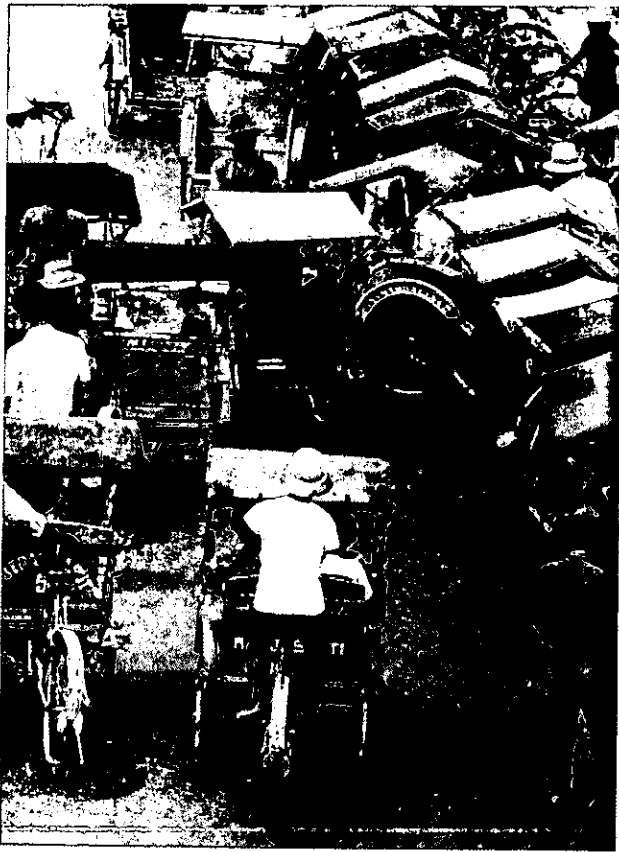
### توسعه روستاها:

اغلب دولتها تصور می‌کنند که توسعه روستاها نه تنها باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی است، بلکه تاحدی موجب انصراف روستائیان از مهاجرت می‌شود. البته این تصور درست است لیکن باید در نظر داشت که ارائه خدمات بهتر و توسعه وسائل رفاهی باعث بالارفتن استانداردهای زندگی در روستاها نیز می‌شود.

پروژه‌های عمرانی روستاها فعالیت‌های متعددی را از طرحهای برخرج نظیر آبیاری، مکانیزه کردن کشاورزی، تغییر و تحول در کیفیت و کمیت محصولات و اصلاحات ارضی گرفته تا طرحهایی که نیازمند کارگر فراوان است و تاءمین خدمات اجتماعی و غیره را شامل می‌شود. حال اگر توسعه روستاها تنها به منظور افت مهاجرت از روستا به شهر صورت گیرد، سنجش میزان تاءثیر آن دشوار خواهد بود. ولی بطور متوسط برنامه‌های عمران روستایی تاءثیر قابل توجهی براین جریان نداشته است، و حتی برخی از برنامه‌ها چنانچه قبلاً هم ذکر شد نتیجهای مفکوس به بار آورده. البته ممکن است یکی از علل ناموفق بودن برنامه‌ها نیمه تمام گذاشتن آنها باشد. تحلیلی که در مورد ۱۵ برنامه عمرانی صورت گرفت نشان داد که ۱۱ برنامه اثراتی هم مثبت و هم منفی بر سیر مهاجرت‌ها داشته‌اند. ولی در هر صورت برنامه‌های توسعه روستایی هرچند ممکن است بازده فراوانی نداشته باشد، لیکن حداقل می‌تواند موجب کاهش سرعت این جریان و یا انحراف آن از روستا به شهرهای نسبتاً کوچک گردد.

یکی از خطرات برنامه‌های برخرج کشاورزی که روستائیان را تهدید می‌کند اینستکه تنها کشاورزان متمول قادر به اجرای آنها می‌باشند، و هنگامیکه افزایش تولید اینگونه کشاورزان موجب نزول قیمت‌ها شد، کشاورزان جزء برای فروش محصولات تحت فشار قرار می‌گیرند. آنها ممکن است بهمین خاطر فرزندان‌شان را روانه شهر سازند. بعلاوه ماشینی کردن کارها باعث بیکار ماندن کارگران می‌شود، در حالیکه اجرای برنامه‌هایی که نیازمند کارگر فراوان است نظیر آماده کردن زمین و آبیاری دستی موجب ایجاد شغل و کسب درآمد بیشتر برای کشاورزان کوچک می‌شود.

اصلاحات ارضی ممکن است که درابتدا موجب دلگرمی روستائیان شده و آنها را از مهاجرت باز دارد، لیکن بدون کمکهای مالی و فنی به زارعین کوچک، آنها قطعاً پیشرفتی نداشته و از نظر اقتصادی فقیرتر خواهند شد. مسئله دیگری که اصلاحات ارضی یعنی توزیع زمینها به قطعات کوچک در بی دارد اینستکه مادامیکه نسبت تولید مثل بالا است، اصلاحات ارضی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. زیرا نسل بعد یا باید از داشتن زمین محروم بمانند و یا



کننده؛ تهیه مسکن و شغل، روستائیان را از مهاجرت بازدارند. تخریب خانه‌هایی که بدون مجوز در حاشیه شهرها ساخته شده‌ی یکی از رایج‌ترین روش‌هایی است که در آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا به کار گرفته می‌شود. معذالک این روشی است که ۱۰۰ درصد اثر مثبت ندارد. زیرا بسیاری از این افراد مجدداً "بازگشته و معمولاً" برای بار دوم در همان محل شروع به ساختمان می‌کنند. این روش حتی باعث دل‌سردی سایر مهاجرین نشده است، چنانکه این عمل در نایروبی موجب تغییر روال کار مهاجرین گردید ولی در سیر مهاجرتها تأثیری نداشت.

بنظر می‌رسد محدود کردن مشاغلی که اغلب مهاجرین بدان مشغولند روشی مؤثرتر است. در سال ۱۹۷۰ که دولت اندونزی تصمیم به مبارزه با این امر گرفت، فروشندگان دوره‌گرد و مسافرکشان دوچرخه‌ای (۱) *(rickshaws)* از خیابانهای اصلی شهر جمع‌آوری شدند. این امر دو منبع مهم درآمد مهاجرین را قطع و بسیاری از آنها مجبور به بازگشت شدند. همین عمل اخیراً یعنی سال ۱۹۸۱ در لیما مرکز پرو انجام شد. بدین معنی که دستفروشان خیابانی مجبور به نقل مکان به بازاری سرباز در کنار شهر شدند. البته اجرای این امر آنقدر مشکل بود که مقامات شهر ناچار به استفاده از نیروی پلیس مخصوص شدند. از دیگر موانعی که در این راه ایجاد شده صدور مجوز برای اقامت

این قطعات کوچک مجدداً "بین آنها به قطعاتی کوچکتر تقسیم شود. در هر دو صورت، این نسل بعلت عدم تأمین مخارج زندگی روانه شهر خواهند شد. البته در بیشتر مناطق دنیا ملتها و دولت‌ها نگران توزیع نایسامان جمعیت هستند نه نگران نسبت سریع باروری و رشد جمعیت.

سایر روش‌هایی که برای انصراف روستائیان پیش گرفته شده، نظیر ایجاد مشاغل صنعتی، خدماتی و ساختمانی نیز اثراتی هم مثبت و هم منفی داشته‌اند. بسیاری از صنایع روستائی احتیاج به کارگر فراوان ندارند و علاوه بر آن بیشتر در شهرهای کوچک بنا می‌شوند نه در یک روستای واقعی. کارهای خدماتی در ابتدا بسیاری از کارگران بی تخصص را جذب می‌کند، لیکن آنها پس از چندی، که در آن کار مهارت کسب کردند به مهاجرت بسوی شهر وسوسه می‌شوند. ساختن جاده‌ها هزینه حمل محصولات کشاورزی را کاهش می‌دهد، لیکن مهاجرت را هم تشویق می‌کند. ساختن مدارس از زحمت کودکان در رفتن به مدرسه می‌کاهد، لیکن کسب سواد و مدرک، انتظار آنها را برای یافتن شغلی در شهر بالا می‌برد.

### ایجاد موانع برای محدود نگه داشتن شهرها:

مقامات تصمیم گیرنده در بسیاری از شهرها که سرعت در حال توسعه هستند سعی کرده‌اند با ایجاد موانعی نظیر قوانین محدود

در بعضی شهرها است. دولت اندونزی در سال ۱۹۷۰ اقدام به این کار نمود. بدین ترتیب که هر تازه وارد می‌توانست پس از سپردن مبلغی یول نزد اداره پلیس، کارت اقامت برای شش ماه دریافت کند. پس از شش ماه چنانچه وی شغلی که مورد تاء پید پلیس است یافته و محلی برای سکونت نیز تهیه کرده بود می‌توانست کارت اقامت دائم بگیرد. این روش بسیار مؤثر بوده و از تعداد مهاجرین بطور محسوسی کاسته شد. البته باید متذکر شد که در همان سال کمکهائی به زارعین صورت گرفت که موجب بالا رفتن میزان محصولات در روستا گردید. همین سیاست در چند کشور آفریقائی یعنی کنگو، نیجر، تانزانیا و زعیر اتخاذ شد ولی به علت کم کاری و عدم کفایت نیروی پلیس یا شکست مواجه شد.

با همهء تدابیر و سیاستها، تنها قراردادن محدودیتها برای مهاجرت می‌تواند کارساز بوده و تا حدی از شدت این جریان بکاهد. در کوبا وجود سیستم کارت اقامت و کارت شناسائی مشاغل احتمالا باعث پیشگیری مهاجرت‌های بی‌رویه به هاوانا گشته‌تر. برخی کشورها مانند ویتنام و چین مقررات دقیقتری برای تقلیل این جریان بکار گرفته می‌شود. در چین طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر از جوانان شهرها به روستاها برده شده و وادار به زندگی روستائی شده‌اند، و بیشتر دانش‌آموزانی که اولیاء آنها از روستا به شهر آمده‌اند، برای تحصیل به روستا بازگردانده می‌شوند. بطور کلی همهء تلاشهایی که برای محدود کردن اقامت در شهرها و استخدام انجام می‌شود در صورتی موفق خواهد بود که از مدیریتی قوی و صحیح برخوردار بوده، دقیقا اجرا شده و همزمان با آن وضع روستاها اصلاح شود. به عبارت دیگر این تلاشها می‌تواند موجب فساد، رشوه خواری، قانون شکنی و کلاهبرداری قانونی شود مگر آنکه با سایر تدابیر سیاسی همراه گردد.

### تقویت و توسعه شهرهای کوچک:

در ممالکی که ادامهء مهاجرت به شهرها امری اجتناب ناپذیر گشته و پایتخت بیش از حد بزرگ شده، دولت‌های می‌توانند انگیزه‌های مختلفی برای مهاجرت روستائیان به شهرهای کوچک ایجاد نمایند. بیشتر کشورها برخی از شهرهای موجود را به عنوان مراکز استان معرفی می‌کنند. مانند مراکز استانی در شیلی، ونزوئلا و تایلند. برخی از کشورها شهرهای جدیدی در بعضی مناطق بنا کرده‌اند که از مهمترین آنها برزیل و پاکستان را می‌توان نام برد که پایتخت را به برازیلیا و اسلام آباد منتقل کرده‌اند و نیجریه و تانزانیا نیز در صدد انتقال پایتخت هستند. ونزوئلا درآمد نفت خود را طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ به ساختن شهر صنعتی کویدادگواینا (۲) اختصاص داد و مصر طرح ساختن شهرهایی را به مرحله اجرا گذاشته که گنجایش جذب ۱۵ میلیون نفر را دارا می‌باشند.

دو عامل بازدارنده نیز جهت اتخاذ این سیاست وجود دارد، هزینه سنگین شهرسازی و عدم بازدهی کامل. به عنوان مثال دولت ونزوئلا، دو میلیون دلار فقط صرف شهرسازی کویدادگواینا نمود. در حالیکه ممکن است بازده آنچنان که انتظار می‌رفت نداشته باشد.

### انتقال حاشیه‌نشینان به شهرکهای مهاجرنشین:

یکی دیگر از روشها که دولت‌ها می‌توانند مورد استفاده قرار دهند، انتقال حاشیه‌نشینان شهر به آبادیهای با جمعیت کم و زمینهای قابل کشت است. دلائل زیادی برای این کار وجود دارد. توزیع جمعیت در کشور، توسعه کشاورزی و بالابردن میزان محصول و اعطای زمین به بی زمین‌ها.

این برنامه نیز اثراتی دو جانبه داشته است. در حالیکه در هند موفقیت عظیمی از این برنامه کسب گردیده، در بولیوی اغلب اسکان یافتگان، محل را ترک کرده‌اند. حتی در برنامه‌هایی که نسبتا موفق بوده، تعداد کل کسانی که به مهاجرنشین‌ها نقل مکان یافته‌اند زیاد نیست. یکی از موفق‌ترین برنامه‌ها در مالزی بود که تنها ۳ درصد از جمعیت کشور به این شهرکها رفته و همه آنها هم از مهاجرین روستا به شهر نبودند.

مجدداً لازم به توضیح است که مدیریتی کارآمد و همسو بودن کلیه برنامه‌ها مهمترین عوامل در موفقیت و یا شکست این برنامه است. مسائلی نظیر تقسیم مسئولیت اجرای این برنامه بین نهادهای مختلف دولتی، نداشتن مناطقی واقعا مناسب، عدم تاءمین بموقع کمکهائی فنی و وسائل کشاورزی و غیره از مسائلی است که می‌تواند منجر به شکست طرح گردد.

### حل مسائل مهاجرین:

بسیاری از دولت‌ها بجای آنکه جریان مهاجرت از روستا به شهر را متوقف و یا کند نمایند، بوسیلهء اصلاح وضعیت مسکن و ایجاد مشاغل در شهرها آنها را تسریع می‌نمایند. البته این سیاست جهت حل مشکلات شهرنشینان اتخاذ میگردد، لیکن بعلت کمک غیر مستقیمی که به مهاجرین می‌شود، این جریان را سریعتر می‌کند. درحقیقت هر نوع تلاشی جهت بهبود وضع شهر، ضمن آنکه موجب حل مسائل شهر می‌شود، خود انگیزه‌ای برای جلب بیشتر مهاجرین است.

### مشکلات سیاسی و شکست روشها:

یکی از علل شکست این روشها عدم حمایت واقعی دولت و سیاست‌گزاران است. بسیاری از اوقات دولت تحت فشار صنایع بزرگ قرار می‌گیرد زیرا آنها مایلند این نیروهای مهاجر را دائما بکار گرفته و بدین وسیله سطح دستمزدها را پائین نگهدارند. برخی

دیگر از دولت‌ها خود مایلند پایتخت را توسعه و رونق دهند زیرا آنرا سمبل استقلال و نشان پیشرفت میدانند. گاهی اوقات هم که دولتی واقعا در این امر مشارکت می‌کند، با کوچکترین تغییری در آن دولت، باز ادامه این حرکت به مخاطره می‌افتد. همین گسستگی، همه تلاشهای پیشین را بی اثر کرده و تا سالهای سال اجرای هر نوع برنامه‌ای را مشکل می‌سازد.

علت دیگر شکست تلاشها عدم اطلاع کافی سیاستگزاران از انگیزه‌های مهاجرت و نتایج آنست. برنامه‌ها و روشهایی که برای مبارزه با این امر وجود دارد ممکن است در هر مملکتی قابل اجرا نباشد، بعلاوه انتظار مسئولین از کارآئی هر برنامه بسیار زیاد است، و اگر تا حد مطلوب و مورد نظر آنان تأثیر نداشته باشد آنرا بی‌فایده میدانند.

سومین و شاید مهمترین علت تضادی است که بین اهداف مبارزه با مهاجرت به شهرها و طرحهای توسعه ملی وجود دارد. به عنوان مثال تخصیص بودجه به مناطق مختلف جغرافیایی کشور، قوانین اقتصادی، حداقل سطح دستمزد و محل قرار گرفتن ادارات دولتی همه و همه عواملی هستند که بر این امر اثر می‌گذارند. معمولا به علت فشارها و مشکلات سیاسی که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد، این دولت‌ها علیرغم ادعاهای خود مبنی بر توسعه روستاها در شهرها سرمایه‌گذاری نمی‌نمایند. به عنوان مثال پایتخت پروندی که تنها ۴ درصد از جمعیت کشور در آن سکونت دارند، ۹۵ درصد از بودجه راهها و ۸۵ درصد از بودجه مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش را به خود اختصاص داده است. چین و کوبا از این قاعده مستثنی بوده و بیشتر منابع بطور واقعی و عملی به مناطق روستائی اختصاص دارد و مهاجرت هم در این کشورها تا حدی کنترل شده است.

قوانین اقتصادی بسیاری از کشورها اغلب به نحوی است که منجر به حمایت از صنایع و رکود کشاورزی می‌شود. یکی از این نمونه‌ها کشور آفریقای غربی است. در این کشور از طرفی قیمت محصولات که خرید و فروش آن توسط دولت انجام می‌شود پائین نگهداشته شده و کشاورز کمترین استفاده را از محصول خود می‌برد و از طرف دیگر، قیمت مواد غذایی عمومی در شهرها نیز ثابت نگهداشته می‌شود، که نتیجه آن پائین بودن مصنوعی هزینه زندگی در شهر و عدم تأمین مخارج زندگی در روستا است.

تعیین حداقل دستمزد نیز تنها برای شهرنشینان و مشاغل شهری صورت می‌گیرد و یا لاقط فقط در شهر واقعا کنترل و اجرا می‌شود، و این خود موجب ایجاد تفاوت در درآمد شهرنشینان و روستائیان است. انگیزه‌ای که نمی‌توان به سهولت از آن گذشت. هنگامی که سطح دستمزدها با افزایش نیروی کار در شهرها پائین نمی‌افتد، تأثیر مثبت آن بر مهاجرت و جذب بیشتر روستائیان غیرقابل اجتناب می‌گردد.

تجمع ادارات دولتی در شهرهای بزرگ نیز در این امر اثر دارد، زیرا دولت بزرگترین مرکز استخدامی هر کشور است. این موضوع یعنی تجمع ادارات در شهرهای بزرگ، خود باعث متمرکز شدن سایر مشاغل در این شهرها می‌شود، زیرا تشکیلات مربوط به مشاغل آزاد نیز جهت رفع نیازهای خود ناچار به داشتن رابطه‌ای مستمر با دولت هستند. بطور کلی هر قدر که وابستگی امور از نظر اقتصادی و غیره به دولت بیشتر بوده و نقش دولت در آنها فعال‌تر است، هم‌تقدر مهاجرت بطرف پایتخت سریعتر است.

این تحلیلها و ارزیابی روشهای توزیع جمعیت در تمام سطح کشور نتیجه دهها سال تجربه عملی در کشورهای اروپای غربی است. این کشورها نیز در اقدامات اولیه خود مانند ایجاد تسهیلات زندگی در روستاها و دادن وام به صنایعی که در مناطق محرومتر فعالیت دارند با شکست مواجه شدند. موفقیت هنگامی حاصل شد که تدابیر متعددی همزمان با هم اتخاذ گردید. اختصاص ۲ درصد از بودجه هر واحد صنعتی به طرحها و فعالیتهایی که آن واحد در مناطق دوردست به اجرا می‌گذارد، ممنوعیت ایجاد صنایع در شهرهای بزرگ و انتقال تدریجی ادارات دولتی و صنایع وابسته به دولت. البته تعیین میزان بازدهی هر یک از این طرحها در هر کشور متفاوت بوده و نمی‌توان قاعده‌ای کلی برای آن در نظر گرفت.

در حال حاضر آنها دیگر کنترلی از این جهات بر صنایع ندارند، و پس از اجرای برنامه‌های فوق، مسائل جانبی آن نیز از قبیل تأمین نیروی کار و استخدام ساکنین روستاها یا مهاجرین از شهر بازگشته بر اثر مرور زمان مرتفع گردید. در خاتمه تنها چیزی که میتوان به صراحت گفت این است که کنترل و نظارت مستقیم دولت در کوتاه مدت همراه با اعمال فشار لازمه موفقیت هر یک از این برنامه‌ها است که البته اغلب با صرف هزینه‌های کلانی نیز همراه است.

## یادداشت

(۱) - دو چرخه‌هایی است معمول در کشورهای آسیا که با آن به حمل مسافر می‌پردازد.

2- Ciudad Guayana

## منابع

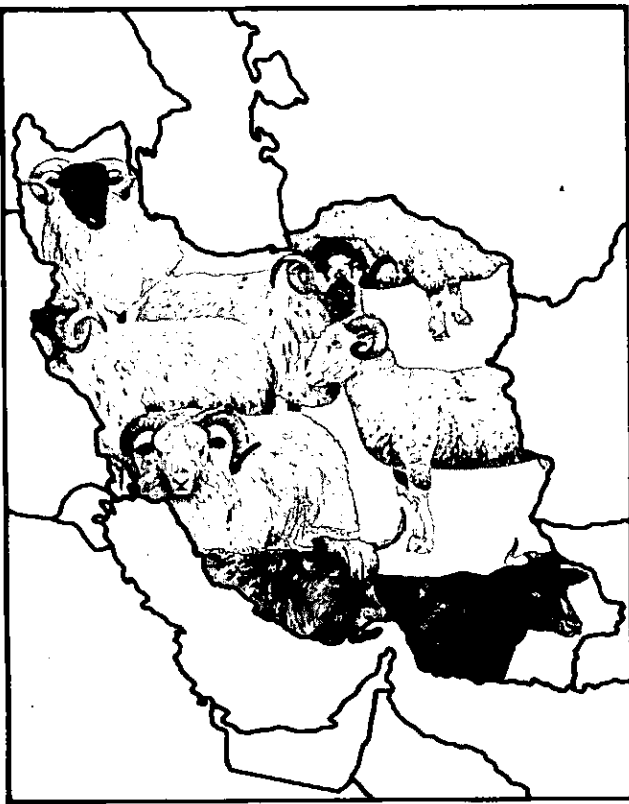
۱ - این مقاله ترجمه و تلخیصی است از :

Population Reports. Series M No.7 September-October 1983.

The Johns Hopkins University.

# نگاهی به اهمیت دام و دامداری در گذشته و حال در ایران

از: دکتر پرویز کردوانی استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران



## مقدمه:

## قسمت اول

در مناطق خشک یا کویری و بیابانی نگهداری و پرورش شتر بالنسبه بیشتر رواج داشت زیرا اولاً " این حیوان در مقایسه با دیگر حیوانات اهلی به خشکی و تشنگی مقاوم تر است و ثانیاً " تا زمانی که از بوته‌ها و درختچه‌ها و خلاصه گیاهان سبز، تغذیه می‌کند ( چندین ماه از سال، به خصوص در فصل بهار) معمولاً " نیازی به خوردن آب، احساس نمی‌کند و ثالثاً " در مواقع تشنگی از آب چشمه‌های شور طبیعی که در برخی از مناطق کویری و بیابانی وجود دارد و همچنین از آب شور چاه‌های دست کن که به تعداد بسیار زیاد در این مناطق حفر شده است می‌خورد و زبانی هم نمی‌بیند، در حالی که دیگر حیوانات از قبیل گوسفند و بز و آهو، قادر به خوردن این گونه آبها نیستند. بنابراین دامداری در مناطق خشک به ویژه بیابانی و کویری کشور ما بیشتر به اطراف چاه‌های آب دست کن محدود می‌شده است.

با اختراع قنات، امکان ایجاد روستاها و واحه‌ها در مناطق خشک دشتی و همچنین در مناطق کوهستانی فراهم شد. با این وسیله هم سطح وسیعی از زمینها به زیر کشت و زرع رفت و هم امکانات برای دامداری آنها در سطح وسیع و با اطمینان بیشتر، به وجود آمد ( آب برای آشامیدن و کشت علوفه جهت احشام و همچنین زراعت که دامها بطور مستقیم و غیر مستقیم از آنها استفاده می‌کردند، به دست آمد ) .

لازمه کشاورزی ( زراعت و باغبانی ) در درجه اول آب و خاک مناسب است و لازمه دامداری در درجه اول آب و گیاه. تا قبل از اختراع قنات ( متجاوز از ۵ - ۶ هزار سال پیش ) کشاورزی و دامداری به علت محدود بودن آب در ایران، بیشتر در مناطق کوهستانی و نیز در برخی از مناطق دشتی، رواج داشت ( در مناطق کوهستانی به دلیل وجود چشمه‌سارها و آب برف، در برخی مناطق دشتی، به دلیل وجود آبهای سطحی جاری دائمی و یا فصلی ) . اما مناطق کویری و بیابانی که سطح وسیعی از کشور ما را شامل می‌شود، از لحاظ سکنه بسیار فقیر و امکان کشاورزی و دامداری در آن نیز بسیار محدود بوده، زیرا آب به عنوان عامل اصلی و مایه حیات، در این مناطق کمیاب بوده است. این گونه مناطق بطور طبیعی نه از باران کافی و دائمی برخوردار است و نه آب سطحی قابل استفاده مربوط به خود منطقه دارد. بنابراین، دامداری در این مناطق هم نمی‌توانسته مهم و روی اسلوب صحیح باشد و فقط با استفاده از مختصر و محدود آبهای مشروحه در ذیل، امکان پذیر بوده است :

آب بارانهای فصلی و موقتی که یا بطور مستقیم مورد استفاده قرار می‌گرفته و یا بطور غیر مستقیم یعنی ذخیره کردن یا ذخیره شدن در بندهای خاکی، برکه‌ها، چاله‌ها، هوتکها، دق‌ها و حتی حوضها و آب انبارها و یا آب چاه‌های دستی ( چاه‌های آب کنده - شده با دست ) که اغلب در بیابانها به منظور تأمین آبشخور با استفاده از آبهای زیرزمینی حفر می‌شده است .

احداث سد یا بند در ایران باستان مانند بند بهمن واقع در



جنوب شیراز، در فارس (حدود ۲۰۰۰ سال پیش) بند امیر در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی شیراز (حدود ۱۰۰۰ سال پیش) بندها یا سدهای فریمان، ساوه، طیس و دیگر بندها و سدهای قدیمی امکانات توسعه کشاورزی و دامداری را در برخی دیگر از مناطق دشتی کشور فراهم کرد. با تحول عظیمی که در فن سدسازی پس از اختراع سیمان در قرن نوزدهم صورت گرفت، در قرن حاضر سدهای مرتفع متعددی در نقاط مختلف مملکت ما احداث شد که به این وسیله ذخایر آبی عظیمی با آب دائمی به وجود آمد و کشاورزی و دامداری را در سطح وسیع تری در این مناطق، امکان پذیر ساخت. با پیدایش و رواج تکنولوژی جدیدی بنام «تلمبه» یا چاه‌های عمیق و نیمه عمیق موتوری، امکان استفاده از آب‌های زیرزمینی عمیق و نیمه عمیق در نقاط مختلف و برای مصارف مختلف در شهرها و روستاها و غیره فراهم آمد. استفاده از این سیستم برای تاءمین آب آشامیدنی مردم در روستاها و کشت و زرع و دامداری در نقاط مختلف کشور ما به ویژه از سال ۱۳۴۰ به بعد رواج یافت که باعث تحولی عظیم در کشاورزی و دامداری ایران گردید. در مناطق دشتی، پایکوهی و کوهستانی و غیره که امکان استخراج آب با استفاده از سیستم قنات وجود نداشت، با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق موتوری آب قابل توجهی از اعماق زمین بیرون آورده شد. سطح وسیعی از زمینها به زیر کشت و باغات رفت، روستاها و مزارع جدید در نقاط مختلف مملکت به وجود آمد و آب مورد نیاز دامداریها تاءمین شد.

اختراع «تلمبه» یا چاه عمیق و نیمه عمیق نه تنها موجب گسترش دامداری سنتی در روستاها و بیابانها شد، بلکه امکان دامداری صنعتی و نیمه صنعتی یا دامداری مدرن و پیشرفته در اطراف شهرها و حتی مناطق شهری و روستائی را فراهم کرد، بطوری که امروزه از شرایط اصلی تاءمین دامداری مدرن، به خصوص در سطح وسیع، دارا بودن و یا حفر کردن چاه عمیق و یا نیمه عمیق است (به منظور تاءمین آب آشامیدنی و همچنین علوفه و غیره برای دامها).

اختراع تلمبه بادی (تلمبه‌ای که با نیروی باد کار می‌کند) و نصب آن در برخی از نقاط نواحی بیابانی کشور، امکان دامداری و استفاده از مراتع آنجاها را فراهم ساخته است.

دامداری و تربیت حیوانات اهلی از زمانهای بسیار قدیم در ایران معمول بوده و یکی از رشته‌های مهم اقتصادی به شمار می‌رفته است. حتی در بسیاری از مناطق خشک کشور که به علت عدم آب دائمی و یا آب‌های فصلی قابل اطمینان، امکانات برای فعالیتهای کشاورزی (زراعت و امثال آن) فراهم نبوده، دامداری با استفاده از ذخایر یا منابع کوچک و موقت آب‌های سطحی مانند برکه، چاله، دق آب و غیره و به خصوص آب چاه‌های دست کن، امکان داشته است. هنوز هم به علت محدودیت آب و در مواردی

هم خاک مناسب، زندگی تعداد قابل توجهی از مردم در بسیاری از نقاط کویری و بیابانی مملکت ما از دامداری و چراندن دام دیگران می‌گذرد زیرا این مردم در آن نقاط و شرایط، امکان اینکه کشاورزی بکنند را ندارند، از دام بطور مستقیم و غیر مستقیم بهره می‌برند، برای مثال از فرآورده‌های آن به عنوان مواد غذایی استفاده می‌کنند، از پشم آنها گلیم و شال و جاجیم و غیره می‌یافتند، با فروش تعدادی از دامها دیگر ما بحتاج زندگی را تاءمین می‌کنند، با حمل بار توسط شترها قسمتی از نیازمندیهای خود را برطرف می‌سازند، با چراندن شترهای دیگران و سرپرستی آنها از هرنفر شتر بطور ماهانه یا سالانه دستمزد می‌گیرند و غیره و غیره... به عنوان نمونه ساکنان چشمه آب خران و یا واحه نخيله در منطقه بیابان لوت را می‌توان نام برد.

مردمی که فقط از راه دامداری امرار معاش می‌کنند و توجه چندانی به زراعت ندارند، نه تنها در مناطق بیابانی، حتی در مناطق روستائی کشور ما، زیادند. عشایر دامدار که تعداد قابل توجهی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند، نیز از راه دامداری زندگی می‌کنند.

از آنچه گفته شد، اینطور می‌توان نتیجه گرفت که در گذشته خیلی دور در ایران، به علت محدود بودن منابع آب و عدم توانائی در استفاده کردن از آب‌های مختلف، دامداری محدود بوده ولی با گذشت زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی و به دست آوردن منابع جدید آب به وسیله قنات بندهای قدیمی، سدهای جدید (سدهای کوتاه، سدهای بزرگ مخزنی و سدهای انحرافی و انتقال آب) چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، تلمبه بادی و غیره و غیره... در نقاط و شرایط مختلف مملکت، امکان دامداری در بیابانها و روستاها و حتی شهرها، فراهم گردیده است.

اما در موارد متعددی آنقدر مردم در بیرون کشیدن آب از دل زمین به خصوص با وسائل مدرن (چاه‌های عمیق و نیمه عمیق - موتوری) افراط کردند که سطح آب زیرزمینی در بسیاری از مناطق به شدت پائین رفته و یا ذخایر آبی بکلی ته کشیده بطوری که باعث خشک شدن تعداد کثیری از چاه‌های دستی، قناتها، چاه - های نیمه عمیق و حتی خود چاه‌های عمیق شده است، در نتیجه، یا کشاورزی و دامداری در این نقاط به کلی برچیده شده و از بین رفته و یا در معرض نابودی قرار گرفته است.

امروزه از مهمترین عامل محدود کننده دامداری، فقر پوشش گیاهی یا به عبارت دیگر فقیر بودن مراتع طبیعی و کمبود علوفه است. هر چه زمان می‌گذرد، مسائل و مشکلات دامداری نیز در این رابطه بیشتر می‌شود، به طوریکه تاءثیر این عامل و عوامل دیگر که ناشی از افزایش سریع جمعیت، پیشرفت تمدن و توسعه تکنولوژی و گسترش روز افزون شهر نشینی و بالا رفتن سطح دستمزدها و غیره می‌باشد، موجب تغییرات عظیمی در دامداری

و نحوه نگهداری دام و نگهداری نوع دامها گردیده است. در گذشته فقط دامداری سنتی معمول بود و دامدار در رابطه با کشاورزی و نقل و انتقال و غیره، دام را برای منظورهای مختلف و بهره‌برداریهای گوناگون پرورش می‌داد و یا انواع دامهایی را نگه میداشت که امروزه دیگر با وضعیت و شرایط زندگی کنونی در بسیاری از موارد یا امکان نگهداری آن دام‌ها و استفاده از آن‌ها به آن صورت و با آن هدف قدیم وجود ندارد و یا نیازی به آنها نیست و یا از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌باشد. در حال حاضر، دامداری با روشهای دیگر و برای منظورهای دیگر در حال گسترش است.

تصور نکنید که این تغییر و تحول از خیلی وقت است که در این مملکت شروع شده، خیر، آغاز آن از ۳۰ - ۴۰ سال تجاوز نمی‌کند، بطوری که نگارنده همه آنها را به خاطر دارد و یا خود مشاهده و تجربه کرده است. هدف نگارنده هم اینست که بیشتر با توجه به تجربیات<sup>(۱)</sup> و مشاهدات خود، مسائل را مورد بررسی قرار دهد و بر این اساس یاد آور شود که در گذشته حتی نه چندان دور، انواع مختلف دام چه اهمیتی داشتند، دامهای مختلف را برای چه منظورهای نگه میداشتند و چه منافعی از آنها می‌بردند و در دنیای امروز چه دامهایی در چه زمینه‌هایی اهمیت خود را از دست داده‌اند و برای چه از دست داده‌اند و چه دامهایی برای چه منظورهای و با چه روش نگهداری، اهمیت پیدا کرده که موجب بروز مسائل و مشکلات بسیاری شده‌اند.

## ۱- نگاهی به اهمیت انواع دام در گذشته

### الف- گوسفند و بز

دامداران به خصوص کشاورزان دامدار، برای منظورهای مختلف گوسفند و بز نگه میداشتند. از آنجمله موارد ذیل را می‌توان نام برد:

- کود بدست آورند تا با دادن آن به زراعت یا باغ خود، محصول قابل توجهی برداشت کنند و اگر خود زمین و کشاورزی نداشتند در آن زمان که کود شیمیایی نبود، دیگر کشاورزان محتاج آنها بودند. با فروش کودها، قسمتی از مخارج گوسفندان<sup>(۲)</sup> تأمین می‌شد.

- از پشگل احشام خود برای پختن نان ( داغ کردن تنور )، آتش زیر کرسی و منقل استفاده می‌کردند. از این رو گوسفند نگه میداشتند تا به چیزی که هر روز به آن احتیاج داشتند ( مواد سوختی ) این در و آن در نروند و محتاج دیگران نباشند.

- از کرمه<sup>(۳)</sup> گوسفندان خود به عنوان یکی از بهترین ماده سوختنی، با آتش و بالنسبه مداوم برای پختن غذا، گرم کردن آب

برای لباس شوئی و یا شستن سرو و تن ( استحمام کردن ) در منزل و دیگر موارد استفاده می‌کردند.

- گوسفندان در مزرعه ضمن چرا، بگردند، بخوابند، پشگل بریزند تا زمین صاحبش آباد گردد.

در گذشته که تراکتور هنوز وجود نداشت یا حداقل در خیلی از جاها وجود نداشت، مردم برای شخم زدن زمین از گاو یا الاغ و یا شتر و یا خلاصه اسب و قاطر استفاده می‌کردند. خیش گاواهنی که به وسیله این حیوانات کشیده می‌شد، قادر نبود، تمامی علفهای هرز و بوته‌های خودرو را ضمن شخم زدن ریشه کن کند و یا ضعیف نماید و از بین ببرد، در نتیجه، در مزارع، علف هرز زیادی سبز می‌شد که با چرانیدن احشام در آن زمینها ( پس از برداشت محصول ) تا حدود زیادی علفها و بوته‌های کوچک ناخواسته از بین می‌رفتند. به علاوه با خواباندن گله گوسفند در زمینهای آیش مزارع، هر چند شب در یک جا، هم پشگل مورد نیاز برای سوخت، جمع می‌شد و بدست می‌آمد، و هم زمین آنجا و حتی سطح بالنسبه وسیعی از زمینهای اطراف آن محل که گوسفند می‌خوابید، کاملاً آباد و پر قوه می‌شد، هر چند تا آنجا که برای صاحب آن مقدور بود، پشگلها را برای مصارفی که شرح آنها گذشت دائم جمع می‌کردند و به منزل می‌بردند.

به جاهایی که گوسفندان را می‌خواباندند در برخی از نقاط ایران گره<sup>(۴)</sup> می‌گویند. در نتیجه تا تأثیر فضولات این حیوانات شرایط فیزیکی و شیمیایی ( پر قوه شدن ) خاک آنچنان بهبود می‌یابد که زراعت در آن زمینها ( گندم و جو ) خیلی رشد می‌کند و رویهم می‌خوابد. در جای آغلها، هنوز زراعت خیلی بهتر می‌شود. و پر قوه‌گی زمین، سالها دوام دارد زیرا در آنجاها کود بیشتری جمع می‌شود و بعلاوه تا عمق بالنسبه زیادی از زمین تحت تأثیر پشگل و ادرار گوسفندان قرار می‌گیرد.

- در آن زمان روغن نباتی خوراکی وجود نداشت و گوسفندداران روغن و کره مورد نیاز خود را از احشام خود تأمین می‌کردند.

از شیر گوسفندان ماست و پنیر درست می‌کردند که مهمترین « خورش » روزانه خانواده‌های روستایی و عشایری بوده و هست حتی خانواده‌های فقیر سعی می‌کردند با نگهداری حتی یک بز به اصطلاح « دوغ » یا « خورش » خانواده خود را تأمین کنند که هر روز محتاج دیگران نباشند. از ماست، علاوه بر کره، کشک و قره قروت ( ترف )<sup>(۵)</sup> می‌گرفتند. کشک که دارای مقدار قابل توجهی پروتئین است، در تغذیه خانواده‌های مناطق کوبیری و بیابانی به خصوص شرق و جنوب شرقی کشور نقش مهمی داشت. قره قروت که حاوی مقدار زیادی اسید لاکتیک است برای چاشنی غذاها، به خصوص آش و به عنوان برطرف کننده رودل در بین دامداران و عشایر مصرف ویژه‌ای داشت!

- با فروش خود گوسفندان و همچنین فرآورده‌های آنها پول لازم

برای رفع قسمتی از نیازمندیهای خود را به دست می‌آورند.

— دامداران برای جمع‌آوری محصول احشام خود، از پوست آنها برای تهیه خیک ماست و یا جلد پنیر و کره، و از معده گوسفندان برای قورمه کردن گوشت گوسفندانی که بطور ناگهانی بدون داشتن مرضی و یا مرض خطرناکی می‌مردند، استفاده می‌کردند.

— گوسفند برای دامدار همیشه « پول خرد » بود به عبارت دیگر دامدار نیز برای آنکه همیشه به پول دسترسی داشته باشد تا در مواقع لازم آبرویش نریزد، گوسفند نگه می‌داشت. به خصوص در آن زمان که مالکیت در روستاها فقط دام بود و زمین، گوسفند در حکم « پول خرد » و بانک برای دامدار یا کشاورز دامدار بود زیرا مالک نمی‌توانست برای تهیه مبلغی پول، ملک خود را بفروشد، ولی تهیه پول از طریق فروش گوسفند حتی با فروش یک بره و یا بزغاله امکان‌پذیر بود. از این رو نگهداری گوسفند برای بسیاری از خانواده‌ها لازم بود ( بانک عشایر و دامداران و کشاورزان ).

دامداران به محض اینکه به پول احتیاج داشتند گوسفند می‌فروختند و اگر به پول هم احتیاج نداشتند گوسفندان مازاد بر احتیاج و گوسفندان زائد را می‌فروختند و با پول آن بر تعداد گوسفندان خود می‌افزودند و یا در مواردی هم ملک ( زمین ) می‌خریدند، زیرا بایانگی وجود نداشت که پول اضافی آنها را برایشان نگهدارد و به آن بهره هم بدهد و انجام کار دیگری هم از عهده آنها بر نمی‌آمد و یا در شاه آنها نبود. این بود که آنهائی که خرج زیادی نداشتند و خوب هم دامداری می‌کردند، درآمدشان از طریق فروش گوسفندان و یا محصولات آنها زیاد بود و با پول آن سال به سال بر تعداد گوسفندان و یا بر سطح املاک خود می‌افزودند ( به وجود آمدن دامداران و یا ملاکین بزرگ ).

— گوسفند نگه‌میداشتند تا هر وقت میبمان به آنها می‌رسد آبرویشان حفظ بشود و در منزل ماست و پنیر و کره داشته باشند و با کشتن بره و یا بزغاله و غیره گوشت مورد نیاز را در اسرع وقت تأمین کنند زیرا در آن زمان امکان دسترسی به گوشت خریداری در هر زمان و هر لحظه وجود نداشت.

— با نگهداری گوسفند، تابستانها که هوا خیلی گرم می‌شد به بیلاق ( نقاط خوش آب و هوا ) می‌رفتند تا زن و بچه خودشان را از گرما و آشامیدن آبهای غیر بهداشتی در روستاها و دشتها، نجات دهند، بعضی‌ها آنچنان به بیلاق رفتن عادت کرده بودند و یا معتقد بودند که اگر سرفصل به بیلاق نمی‌رفتند مریض می‌شدند و اولین نشانه آن را « خون دماغ » شدن می‌دانستند!

این‌گونه افراد بیشتر به خاطر « خوردن هوا و آب سالم » دام نگه‌میداشتند تا بتوانند به بیلاق بروند.

با رفتن به بیلاق علاوه بر استفاده از هوای خنک و آب گوارای چشمه و خوردن شیر، ماست، خامه، سرماست و قیطاق و غیره... خود به خصوص اعضاء خانواده‌شان را از شر وادیت مگس‌ها و به

ویژه پشمها در روستاهای مناطق قشلاقی راحت می‌کردند.

با رفتن به بیلاق بسیاری از احشام خانگی از هجوم و حمله آنها و حشرات نظیر کنه و شش پا در قشلاق و به خصوص شترها در مناطق کویری و بیابانی از نیش مگس‌های کشنده، مگس‌های مخصوص شتر، راحت می‌شدند.

— از پشم گوسفندان نمد درست می‌کردند که نسبت به قالی و دیگر زیراندازها ( زیلو و غیره ) به خصوص برای خانواده‌های دامدار و کشاورز از مزایای زیادی برخوردار بود از آنجمله موارد ذیل را می‌توان نام برد:

\* تمامی از پشم بود و پشم هم از احشام خودشان به دست می‌آمد و حتی اگر کسانی هم که پشم مخصوص نمد را نداشتند تهیه یا خرید آن گران و مشکل نبود ( بهترین نمد از پشم بره‌های کمتر از ۶ ماه بدست می‌آید ).

\* در بیلاق و قشلاق نمد مال وجود داشت و با دادن پشم به آنها، ظرف چند روز نمد حاضر می‌شد، درحالی که تهیه یک گلیم یا فرش ماه‌ها به طول می‌انجامد.

\* نمد سبک است و نقل و انتقال آنهم آسان.

\* چنانچه قسمتی از آن بسوزد یا به عللی از بین برود یا فرسوده بشود، ترمیم آن آسان است.

\* نمد برای فرش کردن روی زمینهای که نمناک است، بسیار مناسب می‌باشد، روی همین اصل هنوز هم هستند عده‌ای که مبتلا به پادرد، از قبیل رماتیسم و غیره هستند، روی نمد می‌نشینند زیرا معتقدند که نمد رطوبت زمین را می‌گیرد و استخوان پاهای مریض را گرم نگه‌میدارد و آرامش می‌بخشد.

— از پشم گوسفندان قالی، خورجین و مفرش (۴) و جل قالی (۷) اسب می‌بافتند.

— از پشم گوسفندان دیگر چیزها که باز نوعی نمد بود ولی برای پوشاندن زمین و یا زیرانداز نبود، درست می‌کردند به عنوان مثال: جل برای اسبها، شترها، الاغها. عرق گیر برای زیر زین اسبها، ریسمان برای مهار کردن یا بستن الاغها و دیگر احشام. رشمه به عنوان ریسمان مخصوص برای بستن اسبها و مادیانهای سواری.

— از پشم گوسفندان برای انسان نیز خیلی چیزها درست می‌کردند از آنجمله: شولا ( شب لا ) که نوعی پالتوی نمدی و پستک (۸) که نوعی کت بدون آستین نمدی برای چوپانان و ساربانها و دیگر افراد در این سطح درست می‌شد. کلاه نمدی، جوراب پشمی، مچ پیچ، شال گردن، شال کمر. معمولاً چوپانان در هوای سرد از شولا به عنوان وسیله خواب استفاده می‌کردند. به هنگام بارندگی و یا هوای سرد شولا را مانند پالتویی روی کتفهای خود می‌انداختند.

— از موی بز چادر درست می‌کردند. عشایر در بیلاق و قشلاق

احشام از آن چادرها برای سکونت خود استفاده می‌کردند . دامداران نیمه متحرک با کشاورزان دامدار ، برای رفتن به بیلاق آن را مورد استفاده قرار می‌دادند . برخی از دامداران ، چه عشایر و چه غیر عشایر که زمستانها هم از چادر استفاده می‌کردند ، قسمتی از آن را برای جای دادن تمام یا قسمتی از احشام خود ، اختصاص می‌دادند ( زندگی انسان و حیوان در جوار هم ) . علاوه بر این از موی بز به اصطلاح نخ موئی برای بافتن ریسمنهای موئی و دوختن جوال ، خورجین ، جل نمدی ، پنبه‌ای اسب ، شتر ، دوختن ته خیکها و پوستها و دیگر چیزها درست می‌کردند . از کرک موی بز ، کلاه ، دستکش ، جوراب و امثال اینها می‌بافتند .

از پوست بز به خصوص بز نر جلد یا پوست مودار برای نگهداری کره و پنیر در آنها تهیه می‌کردند . مو باعث می‌شود که هوای بیرون کمتر در پوست نفوذ کند . از پوست گوسفند و همچنین سال بعد ، از جلد ( پوست ) پنیر و کره ، خیک برای نگهداری ماست ، درست می‌کردند .

از پوست گوسفندان انبان یا هیمان که به زبانهای محلی اغلب همیون گفته می‌شود برای نگهداری و حمل و نقل موادی از قبیل نخود لوبیا ، ماش ، برنج ، گندم ، بلغور و غیره ( بجای گونی و یا کیسه‌های امروزی ) و همچنین مشک آب ، دلو برای بیرون کشیدن آب از چاه ، درست می‌کردند که تمام اینها در زندگی روزمره مورد نیاز بود .

چنانچه پوست آهو گیرشان نمی‌آمد ، از پوست گوسفندان برای ساختن آلات موسیقی از قبیل ، دهل ، دایره ، دایره زنگی و ضرب ، استفاده می‌کردند .

از روده کوچک گوسفندان ، برای ساختن غربال ، کم ( ۹ ) ، چهار شاخ ( جهت باد دادن گاه و دانه گندم ، جو و غیره و جدا کردن آنها از هم ) زه کمان پنبه زنی یا پشم زنی ( لحاف دوزها و نمذ مالها ) استفاده می‌کردند . در مواقعی که روده ارزش قیمتی زیادی نداشت و یا مشتری برای خرید آن نبود ، آن را خوب می‌شستند و تمیز می‌کردند و مخلوط با جگر سفید ( شش ) یک غذای خوش مزه‌ای با آن درست می‌کردند . با فروش و صدور روده و همچنین پوست گوسفندان نیز به اقتصاد خانواده دامدار و مملکت کمک می‌شد .

با نگهداری گوسفند به خصوص در منزل ، مواد زائدی چون پوست میوه‌ها ( به خصوص پوست هندوانه ، خربزه و امثال اینها ) و جین ( علفهای هرز ) مزارع ، سیوس گندم ، نان خشک و دیگر مواد زائد محصولات کشاورزی و خانگی را به آنها می‌خوراندند یا به مصرف می‌رساندند که هم این مواد هدر و دور ریخته نمی‌شد و هم دامدار به این طریق بدون هزینه و یا با هزینه کم ، گوشت و دیگر مایحتاج خود را از دام تأمین می‌کرد .

از شاخهای گوسفندان دسته چاقو ، دسته کارد می‌ساختند .

برای هر دامدار لازم بود که یک چاقو همیشه همراه داشته باشد . - و خلاصه بودند خانواده‌های فقیر و یا کشاورزان بی‌گوسفندی که سعی می‌کردند هر طور شده یک گوسفند بگیرند ، حال یا بخرند و یا اگر توانایی خرید آن را نداشتند بطور « نصفه‌ای » چاق کنند ، یعنی پس از چاق شدن ، نصف گوشت از آن صاحب گوسفند و نصف دیگر از آن کسی که آن را چاق کرده ، تا به این طریق اقلاً " یک مدت به خصوص در زمستانها گوشت داشته باشند . این افراد معمولاً " گوشت را خشک می‌کردند و در منزل خود به طناب می‌کشیدند و آویزان می‌کردند ! و به تدریج از آن می‌خوردند .

## ب- شتر

اغلب شتر را برای نگهداری گوسفند ، نگه میداشتند ، هم برای رفتن به بیلاق و قشلاق و هم برای تهیه آذوقه و دیگر مایحتاج دامها . اصولاً " در اکثر نقاط ایران به ویژه در مناطق خشک ، گوسفندداری بدون شتر ، امکان نداشت و یا به سختی انجام می‌شد ، زیرا الاغ و قاطر و اسب نمی‌توانند به اندازه شتر بار ببرند و تحمل خشکی و گرمی هوا و بی‌آبی را بکنند . از این رو دامهای مذکور در بسیاری از موارد ، نمی‌توانند جای شترها را بگیرند . اگر یک دامداری به عللی مجبور بود برای رفتن به بیلاق ، به جای شتر به عنوان مثال از الاغ استفاده کند ، همیشه دچار مشکلات و ناراحتی بود .

شتر را به عنوان بهترین وسیله حمل و نقل جهت فرزندان کوچک ، افراد سالخورده و ناتوان به ویژه در راه بیلاق و قشلاق مورد استفاده قرار می‌دادند . با درست کردن جای مخصوص روی جهاز شتر با کمک لحاف و تشک که در مفرش جای داده می‌شد و یا روی خورجین در روی جهاز شتر پهن می‌کردند ، کودکان را روی شتر در حالت خوابیده می‌بستند و از منزلگاه به منزلگاه دیگر می‌رفتند . بچه‌ها راحت ، همچون روی تخت روان ، در آنجا به استراحت ( خواب ) می‌پرداختند .

به وسیله شتر ، گاه ، گندم و جو و دیگر محصولات را از صحرا یا مزرعه به انبار و کود حیوانی و خاکستر و غیره را از طویل و آغل و یا منزل به آنجا می‌بردند .

همیزم یا سوخت مورد نیاز خود را از راه‌های دور با شتر حمل می‌کردند ( همیزم تاغ ، اسکمیل ، کاروانکش و غیره ) به خصوص در مواقعی که به همیزم زیاد احتیاج بود مانند عروسبها و عزاها که حمل همیزم در عروسبها از بیابان به منزل داماد و از منزل داماد به منزل عروس طی مراسم خاص و با شکوهی در خانواده‌های متمکن و یا دامدار و مالک در بسیاری از نقاط کشور انجام می‌شد .

محصولات قراردادی با کارخانه‌ها ، از قبیل پنبه ، چغندر قند را به کارخانه‌های مربوط ، به وسیله شتر حمل می‌کردند . ( شتر در آن موقع در حکم وانت و کامیون امروزی بود ) .

مالالتجاره‌های بازرگانان عمده آن زمان از بنادر جنوب به نقاط مختلف مملکت، به وسیله کاروانهای عظیم شتر حمل می‌شد. - در بعضی از نقاط ایران، بجای گاو، از شتر برای شخم زدن زمین استفاده می‌کردند.

- شتر به عنوان وسیله نقلیه سریع (شترجماز) نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت در نواحی کویری و بیابانی که نگهداری اسب مشکل بود شتر جماز بهترین وسیله بود، کما اینکه در جلوی منزل بسیاری از خانواده‌های دامدار یا ملاکین، یک شتر جماز برای انجام کارها، وجود داشت از شتر برای عبور از بیابانهای خشک بی آب و علف یا کم آب و علف که اسب و دیگر حیوانات باری یا سواری قادر به عبور از آنها نبودند، نیز استفاده می‌کردند.

- از شتر به عنوان تنها وسیله امرار معاش استفاده می‌کردند به این صورت که در گذشته افراد بسیاری بودند که شغل آنها فقط بارکشی و حمل و نقل مواد یا کالا یا شتر از جایی به جای دیگر بود (در سطحهای کوچک یعنی بطور محلی، و در سطحهای بزرگ، بطور منطقه‌ای و ملی)

- از شیر شتر تغذیه می‌کردند. خانواده‌هایی بودند که فقط شتر داشتند و فقط شیر آن را می‌خورند. به خصوص افرادی از خانواده که برای سرکشی شترها چند روزی در بین آنها در بیابان‌ها بسر می‌بردند، از شیر شتر تغذیه می‌کردند.

- از پشم شتر عبا، پارچه لباسی، کلاه، شال گردن، شال کمر، جوراب، جانماز بزرگ و قالی می‌بافتند.

- شتر را برای چرخاندن چرخ کارگاه‌ها یا کارخانه‌های روغن - کشی قدیمی (روغن کنجد و غیره) مورد استفاده قرار می‌دادند - از شتر برای بیرون کشیدن آب از چاه استفاده می‌کردند.

## ج- گاو

از شیر و دیگر فراورده‌های لبنی آن استفاده می‌کردند. - گوساله‌های ماده را برای توسعه گاوداری و پرورش گاو ماده شیری برای خود و یا برای فروش نگهداشتند. گوساله‌های نر را برای تاءمین گاو کار پرورش می‌دادند. گوساله‌های نر مازاد بر احتیاج را یا به صورت جونه گاو و یا گاو کاری به دیگر دامداران یا مالکان می‌فروختند به این ترتیب گاوشخمی و یا گاوکار مورد نیاز در منطقه نیز تاءمین می‌شد.

- گاوهای پیر و واژه را چنانچه استطاعت و یا حوصله چاق کردن آنها را داشتند، با تعلیف و یا تغذیه دستی چاق می‌کردند و به فروش می‌رساندند در غیر اینصورت، بدون آنکه چاق کنند، آنها را می‌فروختند. با فروش این نوع گاوها قسمتی از احتیاجات زندگی خود را تاءمین می‌کردند (۱۰).

- از گاو به عنوان بهترین وسیله برای کشاورزی (در حکم تراکتور امروزی) جهت شخم زدن زمین، کوبیدن خرمن و حتی حمل بار

به عنوان مثال بردن بذر به صحرا برای کاشتن یا حمل یک جوال گندم و یا جوبه آسیاب و غیره... استفاده می‌کردند.

گاو نقش بسیار عمده‌ای در کشاورزی گذشته داشت به طوری که یک سهم عمده از عواید ملک به حق گاو تعلق می‌گرفت، یعنی گاو از هر کس که بود یک سهم از بهره ملک به او داده می‌شد. سهم گاو اغلب برابر با سهم آب بود (حدود  $\frac{1}{4}$  از عواید یا کمی کمتر و یا بیشتر) روی این اصل مالکان سعی می‌کردند گاوبند (یک جفت گاو) های متعدد برای دسته کارها یا بنه‌های زراعی مختلف آماده داشته باشند و حتی کشت و زرع زمینهای دیگران را با گاوبندهای خود انجام دهند. گاوکار (گاوبند) سرمایه و «اعتبار» هر مالک محسوب می‌شد.

در کشاورزی گاو برای شخم کردن زمین به کار می‌رفت. و در برخی از نقاط و یا برخی از مردم که به تعداد کافی (یک جفت) گاو نداشتند به ناچار از یک گاو و یک الاغ و یا از دیگر حیوانات برای شخم زدن زمین استفاده می‌کردند.

از گاو برای کوبیدن خرمن هم استفاده می‌شد به دو طریق: «حوله بستن» یا «حوله رفتن» و یا کشیدن چرخ خرمن جهت خرد کردن محصولات خشک شده مانند گندم و جو، و امثال اینها.

## حوله بستن (۱۱)

در برخی از نقاط ایران از گاو، الاغ و دیگر حیوانات به صورت تکی یا دوتائی و یا دسته جمعی (چند حیوان با هم) به روش حوله بستن یا حوله رفتن حیوانات برای کوبیدن خرمنهای خیلی کوچک که در منطقه تهران اغلب به آنها لکه (۱۲) گفته می‌شود و یا خرد کردن قسمتهای کوچکی از یک محصول، استفاده می‌کردند. روش اینطور بود که یک نفر در وسط آن محصول که به صورت دایره روی زمین پخش می‌شد، می‌ایستاد و با زدن ترکه چوب و یا چیز دیگر به حیوانها، آن‌ها را هدایت یا مجبور به حرکت بر روی محصول ریخته شده بر روی زمین می‌کرد. به این طریق بر اثر لگد مال شدن محصول، دانه، از گاه جدا می‌شد. و یا اینکه خود آن شخص یا چند نفر دیگر، در پشت سر آن حیوانها راه می‌رفتند و حیوانها را به جلو می‌راندند تا روی گلشها راه بروند و گاه از دانه جدا شود. روی این اصل به این روش، «حوله بستن» یا «حوله رفتن» حیوان گویند.

## کوبیدن خرمن به وسیله چرخ خرمن:

روشی که در گذشته در سطح وسیعتری و برای زراعتهای عظیم تر معمول بود و در ضمن پیشرفته‌ترین و فنی‌ترین روش در آن زمان محسوب می‌شد، کوبیدن خرمن به وسیله چرخ بود که توسط دو گاو و یا اسب و مادیان کشیده می‌شد. این چرخ، ابتدا چوبی بود و بعدها که آهن در دسترس قرار گرفت و امکان استفاده از آن توسط

آهنگران محلی فراهم آمد، به صورت دیگری که کارآئی بیشتری داشت ساخته شد، « چرخهای آهنی » که در واقع تماش از چوب بود و فقط روی گردهای چوب چرخ، پره‌های آهنی (شبهه پره‌های دیسک تراکتور امروزی) نصب می‌کردند. به هنگام حرکت چرخ، پره‌های آهنی موجب خرد شدن کلسها و جدا شدن گاه از دانه می‌شد کلس به صورت « نرمه » در می‌آمد. کشاورزان پس از کوبیدن خرمن، در مواقعی که باد با سرعت کافی و در جهت مناسب می‌وزید آن را با چهار شاخ « باد می‌دادند » یعنی به هوا پرتاب می‌کردند تا دانه در یک جا، و گاه در جای دیگر قرار گیرد (دانه از گاه جدا شود).

بنابراین تا قبل از اختراع تراکتور و رواج آن در ایران، بیشتر از گاو برای کوبیدن خرمن استفاده می‌شد. شخصی که روی چرخ خرمن می‌نشست گاوها را هم هدایت می‌کرد (۱۳).



— از پوست گوساله و گاو، تولم (۱۴) یا آسمه (۱۵) و یا « پر » (۱۶) برای گرفتن « کره ایلپاتی » یا کره از ماست و دیگر فرآورده‌های لبنی درست می‌کردند.

در گذشته تا وقتی که « چرخ شیر » هنوز اختراع نشده بود و در بین دامدارها استعمال آن رواج پیدا نکرده بود، دوروش برای گرفتن روغن یا کره از شیر دامها اعمال می‌شد: گرفتن روغن از سرشیر و گرفتن کره، از ماست که هنوز هم در بین برخی از دامدارهای کوچک و بزرگ معمول است.

### گرفتن روغن از سرشیر:

این روش در بین خانواده‌هایی معمول بود که دام و یا شیر خیلی کم داشتند، که به اصطلاح ارزش ماست کردن و جمع کردن آن را نداشت که بعدها از آن کره بگیرند. برای این منظور، پس از آنکه شیر را از گوسفند یا بز و یا گاو می‌دوشیدند، آن را در یک جا (به عنوان مثال شیری را که غروب دوشیده بودند روی پشت بام یا جای دیگری)

می‌گذاشتند تا روی آن سرشیر (خامه) جمع بشود. سرشیر را از روی شیر می‌گرفتند و بعد آن را داغ می‌کردند از آن مختصر روغنی بدست می‌آمد. حجم روغنی که به این طریق به دست می‌آید معمولاً خیلی کم است و همانطور که ذکر شد، این روش بیشتر در خانواده‌های کم دام و یا فقیر از لحاظ دام معمول بوده و هست.

### گرفتن کره از ماست:

تقریباً « بدون استثناء کلیه دامدارانی که به بیلاق می‌رفتند، از این طریق کره تهیه می‌کردند. هنوز هم برخی از دامداران به این روش عمل می‌کنند ولی با توسعه روز افزون « چرخ شیر » که خامه (کره) و شیر را از هم جدا می‌کند، و همچنین به دلایل دیگر، اهمیت خود را روز به روز بیشتر از دست می‌دهد.

برای گرفتن کره از ماست که بیشتر به کره ایلپاتی معروف است و قیمت آنهم امروزه خیلی گران است (سه کیلو بالغ بر هزار تومان)، شیر را ابتدا ماست می‌کردند (از شیر، ماست درست می‌کردند) و ماست را در خیک می‌ریختند تا مدتی بماند (زیرا ماست تازه، خوب کره نمی‌دهد) و آبش برود و به اندازه کافی سفت بشود. آنگاه با استفاده از وسائلی که از پوست گوساله بزرگ و یا گاو درست می‌شد. از آن به طریقی که به اختصار در ذیل شرح می‌دهیم، کره و دوغ می‌گرفتند.

اول — مختصر توضیحی در باره تولم یا آسمه و « پر »

پوست گوساله بزرگ یا گاو را در موقع کشتن این حیوانات به صورت خیکی می‌کنند نه « سفره‌ای » به عبارت دیگر پوست شکم حیوان را پاره نمی‌کردند، بلکه به صورت قالبی از گوشت جدا می‌کردند که به پوستهای خیکی معروف بوده و هست. پس از آنکه پوست را از تن حیوان می‌کنند، آن را می‌دادند به اهل فن تا پوست را به اصطلاح « عمل بیاورد » یعنی عمل دباغی انجام بدهد و دیگر کارها، که بشود در آن ماست ریخت و دیگر کارها را انجام داد. اهل فن‌ها، این پوست را بر اساس سفارش تقاضا کننده به دو صورت می‌توانستند درآوردند: تولم یا آسمه و یا « پر »

برای درست کردن پوست تولم یا آسمه (۱۷) آن را شبیه مشک آب در می‌آوردند. یعنی ته آن را می‌دوختند و از راه گردن (گلو) ماست و آب را در آن می‌ریختند. این تولم یا خلاصه نوعی مشک را طوری درست می‌کردند که بتوان از چهار دست و پا آن رابه یک سه پایه آویخت (در چنین وضعیتی، مشک به حالت افقی و پشت آن رو به زمین و در حالت آویزان قرار می‌گیرد). ماست و آب را در آن می‌ریختند، بعد دهان (گردن) آن را می‌بستند (با نخ یا طناب) و حال نوبت به نوبت افرادی که در دو طرف (طرف دست و طرف پا) می‌ایستادند آنقدر آنرا تکان‌های شدید می‌دادند که کره، روی دوغ جمع می‌شد. کره را می‌گرفتند و دوغ را برای گرفتن کشک و قره‌قرت در ظرفهای مخصوص

می‌ریختند. با خالی شدن آسمه یا تولم، ماست دیگر برای گرفتن کره به آن ریخته می‌شد و . . . .

برای درست کردن پوست به صورت « پر » که بیشتر از پوست گاوهای بزرگ استفاده می‌شد، به طریق دیگر عمل می‌کردند، زیرا در این حالت باید پوست گاو روی سه پایه طوری آویزان بشود که سر (گردن) و دستهای آن به طرف پائین و ته آن، بالا قرار گیرد که بشود در آن ماست ریخت. در این صورت می‌شود گفت که پوست گاو به صورت یک کیسه درآمده که دهان کیسه پائین است و ته آن بالای دهان کیسه را می‌بندند و ته کیسه را پاره می‌کنند که از آن راه ماست و آب در آن بریزند. پس از آنکه ماست را در « پر » ریختند به تدریج آب به آن اضافه می‌کنند و مرتب با یک چوب که روی آن پره (چهار پر) دارد در آن فرو می‌برند و بیرون می‌آورند (می‌زنند) تا ماست خوب با آب مخلوط بشود و کره، رو به ایستد چون در اینجا با پره سر و کار دارند از این رو به این نوع وسیله « پر » می‌گویند « پر » بعد از آسمه و تولم اختراع شده و فقط به یک نفر نیاز دارد در حالی که برای آسمه یا تولم حداقل دو نفر (یکی برای جلو و یکی برای عقب) و حداکثر ۴ نفر نیاز است (دو نفر جلو، دو نفر عقب). اما در مورد « پر » چون این کار طاقت فرسا و خسته کننده است، باید چند نفر یا حداقل دو نفر در آنجا حضور داشته باشند تا به نوبت « پر بزنند ».

مزیت سیستم پر بر تولم یا آسمه یکی اینست که کره در یک قشر ضخیم روی دوغ می‌ایستد که به خوبی دیده می‌شود و انسان می‌تواند کاملاً آن را از دوغ بگیرد (جدا کند)، در حالی که در سیستم آسمه، چون دهان آن بسته است این عمل امکان پذیر نیست اغلب کره با دوغ گرفته می‌شود و یا باید دوغ را در ظرفی بریزند تا کره روی آن بایستد و بعد کره را از دوغ بگیرند.

امروزه « همانطور که در صفحه‌های آینده خواهیم گفت بسیاری از دامداران از « چرخ شیر » استفاده می‌کنند و دیگر شیر را ماست نمی‌کنند که با آنهم زحمت از آن کره و یا دیگر فرآورده‌ها را بگیرند، بلکه با چرخ کردن شیر، خامه (کره) را از آن جدا می‌سازند و آن را ماست می‌کنند و می‌گذارند ترش بشود، آنگاه از آن کره می‌گیرند.

از پوست گاو چرم برای مصارف مختلف از جمله کفش، نوار دور گیوه، چوپانان و ساریبانان، دهانه (دهنه) اسب، زین اسب، پالان یابوها (اسبهای بارکش و امثال آن)، قاطر، الاغ و افسار این حیوانات، استفاده می‌کردند.

— چارغ را اغلب از پوست کله گاو درست می‌کردند. چارغ یک نوع کفش چرمی بدون پاشنه است که بندها یا تسمه‌های آن تقریباً تا نزدیکی زانوی پا پیچیده می‌شود. از این کفش که اغلب خود مردم آن را درست می‌کردند، بیشتر قاطر‌دارها و یا افرادی که در کوهستان (مانند البرز) زندگی می‌کردند، می‌پوشیدند.

دامداران متحرک (چوپانان و ساریبانان) کمتر از آن استفاده می‌کردند.

— از گاو نیز برای کشیدن آب از چاه استفاده می‌کردند.

— تپاله یا تپله (۱۸) یکی از بهترین مواد سوختی بود. (زنان مدفوع گاو را جمع می‌کردند، چنانچه رطوبت کافی نداشت حتی با اضافه کردن قدری آب به آن، آن را به شکل‌های مخصوص در می‌آوردند که بعدها پس از خشک شدن بتوانند آنها (تپله‌ها) را در منزل و یا جلوی منزل به خصوص برای سوخت زمستانی رویهم انباشته کنند) (۱۹)

## د-اسب:

— از اسب و مادیان در روستاها و در بین عشایر برای سواری یا به عنوان یک وسیله نقلیه تندرو و درعین حال به اصطلاح در سطح بالا استفاده می‌شد، چه برای راه‌های دور و چه برای راه‌های نزدیک (هر خانواده‌ای قادر به نگهداری و یا خرج دادن به اسب نبود). — از یابو برای بارکشی و دیگر کارها استفاده می‌کردند.

— از اسب و یا مادیان برای کوبیدن خرمن به روش « حوله رفتن » و یا برای کشیدن چرخ خرمن (خرمن کوبی) استفاده می‌شد.

استفاده از اسب و یا مادیان برای کوبیدن خرمن به وسیله چرخ، پیشرفته‌تر از آن به وسیله گاو بود زیرا اسب و مادیان سریعتر از گاو حرکت می‌کنند، بنابراین خرمن را زودتر می‌کوبیدند و به علاوه چون گاو مرتب در خین حرکت کند و آرام خود، از مواد خرمن (گاو و دانه و یا حتی ساقه و خوشه گندم و یا جو) می‌خورد مقدار زیادی از محصول به این طریق تلف می‌شود و از بین می‌رود، در حالی که اسب و یا مادیان چنین عادتی را ندارند (مزیت اسب و یا مادیان بر گاو در مورد خرمن کوبی).

— اسبهای اصیل را برای انجام مسابقات اسب دوانی و یا اسب دوانی در عروسیها، مورد استفاده قرار می‌دادند که در گذشته خیلی معمول بود. حتی هنوز هم در بین طوایف ترکمن مراسم مسابقات اسب دوانی برگزار می‌گردد، منتهی نه در سطح سابق.

— با پرورش و نگهداری اسب‌های اصیل در شهرها، به خصوص تهران، برخی از مردم، اوقات فراغت خود را با اسب سواری، می‌گذرانند.

— در ارتش، اسب نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کرد. برای حمل مهمات و اسلحه و همچنین انتقال نیروی انسانی از محلی به محل دیگر (قسمت سوار ارتش) و دیگر امور، از اسب استفاده می‌شد. روی همین اصل، ایلیخی ارتش (گله‌های اسب و مادیان) در بعضی از نقاط کشور به چشم می‌خورد. هنوز هم اسب در ارتش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است ولی نه مانند سابق.

— در قدیم حداقل به برخی از افسران عالی رتبه سوار و یا

## ه-الاغ:

— الاغ از آن حیواناتی است که تقریباً " هر خانواده روستایی یا عشایری به آن احتیاج مبرم داشت . این حیوان در گذشته در حکم موتورسیکلت امروزی در دهات و شاید هم مهمتر از آن بود ، زیرا برای موارد گوناگون از آن استفاده می شد و به قول معروف دم دست بود و هر خرده کاری که داشتند به وسیله آن انجام می دادند ، از سواری ، بارکشی ، خرمن کوبی ، شخم زدن زمین ( در خانواده هائی که امکان تهیه گاو برای آنها وجود نداشت از الاغ استفاده می کردند) آوردن آب از آب انبار ، حوض و غیره حمل کود حیوانی به مزرعه ، آوردن گاه ، گندم ، جو ، برنج ، وش ( پنبه یا تخم ) و دیگر محصولات از صحرا یا مزرعه به منزل و انبار و بردن بذر ، لوازم کار و خوراک و غذا و آب و غیره به صحرا همه و همه بیشتر به وسیله الاغ انجام می شد . کشاورز ، معمولاً " صبح با الاغ از خانه به صحرا می رفت و غروب که از کار روزانه سخت خسته شده بود ، سوار بر الاغ به منزل بر می گشت و مقداری هم علوفه ( علف ، وجین محصولات و غیره ) برای گاو یا گوسفندانی که در منزل نگهداری می کرد و یا مقداری هم میوه برای زن و بچه خود ، می آورد . خلاصه به قول روستایی ها ، " الاغ " عصای دست کشاورزان و دامداران بود .

— چون الاغ با گوسفند اخت است و در چرا با گاو و گوسفند تحرک و شیطنت زیادی از خود نشان نمی دهد ، به خصوص الاغهای ماده ، چوپانان معمولاً " در فصل بهار به هنگام عزیمت از قشلاق به بیلاق بهره ، برای حمل اسباب و اثاثه خود و آرد جوی ، سگهای گله و امثال اینها فقط از الاغ استفاده می کردند و یکی دو ماه تا آمدن کوچ و بنه (زن و بچه و اسباب و اثاثه برای دوشیدن گوسفندا و چادرها و غیره) ، همه جا الاغ وسیله حمل و نقل آنها را تشکیل می داد . اما هنگامی که زن و بچه چوپانان و بطور کلی دامداران از قشلاق عازم بیلاق می شدند ، در اینجا شتر نقش مهمی را داشت که بار و بنه اصلی آنها را نیز حمل می کرد . در فصل پائیزی که خانواده چوپانان و ساریانها بیلاق را ترک می کردند و به قشلاق یا موطن یا اقامتگاه اصلی خود بر می گشتند ، باز چوپانان برای حمل مواد غذایی و پوشاک خود و یا جو برای قوچها و غیره از الاغ استفاده می کردند تا همراه با گوسفندان ، خود را به قشلاق برسانند ، در طول اقامت در بیلاقها هم ، اصولاً " الاغ بیش از شتر ، مورد استفاده قرار می گرفت ، به خصوص برای انجام کارهای جزئی .

— افراد یا خانواده هائی بودند که تنها وسیله و منبع درآمد و امرار معاش آنان ، فقط همین الاغ بود : به عنوان مثال :

- \* — از صحرا یا بیابان و یا کوه ، خار و بوته می کنند و با حمل و فروش آن در روستاها و یا شهرها ، امرار معاش می کردند .
- \* — با چاروا ( چهار پا ) داری نان می خوردند ، یعنی چند الاغ نگهداری می کردند و با بارکشی (کرایه کشی) مثل حمل گاه یونجه ،

امیران ارتش یک اسب از طرف ارتش داده می شد که توسط سرباز ، اغلب با هزینه دولت از آن نگهداری می شد ( مثل امروز که در بعضی موارد ، ماشین با راننده در اختیار برخی از ارتشیان قرار داده می شود) . از این اسب ، آن افسر یا آن امیر و خانواده اش ، به خصوص در روزهای جمعه و تعطیل استفاده می کردند .

— اسب برای کشیدن گاری ، درشکه ، کالسکه مورد استفاده قرار می گرفت .

— از اسب برای رساندن نامه ها و اخبار و احکام از شهری به شهر یا از ولایتی به ولایت دیگر استفاده می کردند .

— تا قبل از لوله کشی آب در شهرها ، مانند شهر تهران ، به خصوص آب آشامیدنی مردم از قناتها و چشمه ها و غیره در ظرفهای مخصوص ، به وسیله اسب به منازل حمل می شد .



## و- قاطر :

قاطر بهترین حیوان برای سواری و بارکشی در مناطق کوهستانی به خصوص در راه های صعب العبور است . تا زمانی که جاده های ماشین رو در مناطق کوهستانی ایجاد نشده بود ، ساکنان این مناطق برای رفع نیازمندیهای خود ، در موارد گوناگون ، از قاطر ، استفاده می کردند . هنوز هم در نقاط دور افتاده و غیر قابل عبور برای اتومبیل ، در مناطق کوهستانی ، از قاطر استفاده می شود . بسیاری از دامداران ، به ویژه عشایر نیز برای رفتن به بیلاق و قشلاق ، از قاطر استفاده می کردند . امروزه ، استفاده از قاطر در بین عشایر و دیگر دامداران نیز رواج چندانی ندارد .

قاطر در ارتش بسیار مورد لزوم است در گذشته برای حمل مهمات و اسلحه و غیره در مناطق کوهستانی ، تقریباً " فقط از قاطر استفاده می شد .



گندم و غیره، کشاورزان و یا کالاهای تجارتي از مراکز بخشها به دهستانها یا دهات و خلاصه از محلی به محل دیگر، مژدی دریافت می‌داشتند که با آن هم خرج دامهای بارکش (الاغها) تاءمین می‌شد و هم هزینه زندگی چاروادار. اصولاً "چارواداری (چند الاغ داری) یکی از شغل‌هایی بود که در برخی از روستاها و یا حتی حواشی شهرها به چشم می‌خورد.

برخی از مالکان نیز برای انجام کارهای خود یک واحد چارواداری داشتند یعنی چندین الاغ نگه‌میداشتند و یک یا چند نفر به عنوان چاروادار که حقوق آنها به صورت ماهانه پرداخت می‌شد، اجیر می‌کردند از این چاروادارها (الاغها) برای جابجایی مواد و محصولات کشاورزی و دامی در فصول مختلف استفاده می‌کردند.

۱۰- نمک فروشی، شغلی بود که به وسیله الاغ انجام می‌شد. افرادی بودند به اسم نمک فروش یا نمکی که با آوردن نمک به روستاها و حتی شهرها به وسیله الاغ، نیاز مردم را از لحاظ نمک بر طرف می‌کردند و نیز از این راه هزینه زندگی خود را تاءمین می‌نمودند. در اغلب موارد الاغ‌هایی که نگهداری آنها به دلایلی برای صاحبانشان صرف نمی‌کرد و یا مصلحت نبود (کم‌رسان خیلی زخم شده بود که خوب نمی‌شد، یک چشم نداشتند، دست یا پایش شکسته بود، خیلی پیر و ناتوان شده بودند و امثال اینها ۱۰۰) آنها را مردم در بیابان رها می‌کردند (به اصطلاح خری یا الاغهای ول) نمکی‌ها (نمک فروش‌ها) آنها را جمع می‌کردند و برای حمل نمک مورد استفاده قرار می‌دادند. روی همین اصل خرهای نمکی، اغلب مفلوک و یا ناقص‌العضو و یا پیر و ضعیف بودند. نمکی‌ها از این الاغها هم خیلی بد نگهداری می‌کردند یعنی علاوه بر اینکه این حیوانات همیشه زخم و زار بودند، خرج (علوفه) حسابی هم به آنها نمی‌دادند!

\* - برخی دیگر از مردم با آوردن آب به وسیله الاغ از آب انبارها و یا جاهای دیگر برای مردم، امرار معاش می‌کردند (۲۰).

- از پوست الاغ دلو برای چرخ چاه درست می‌کردند که برای حفر چاه مستراح‌ها، چاه آب منازل و یا چاه قنات‌ها و همچنین لایروبی آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- حتی در شهرها و همین تهران پایتخت نیز از الاغ در موارد کوبناگون استفاده می‌شد، برای حمل بار، برای سواری (به خصوص الاغهای سفید و درشت که اغلب به الاغ‌بندری معروف بود) و غیره. برخی از مردم تا همین چند سال پیش هم در شهرها از الاغ برای رفتن به اینجا و آنجا استفاده می‌کردند و یا برای فروش میوه، در کوچه‌ها و خیابانها و به خصوص جلوی در منازل شهری الاغ را مورد استفاده قرار می‌دادند.

خلاصه، برای مردم روستائی و عشایری آن زمان، زندگی بدون الاغ خیلی سخت بود. از این رو، الاغ در همه جا وجود داشت و در موارد مختلف از آن استفاده می‌شد.

از آنچه تا اینجا درباره اهمیت دام و نگهداری آن گفتیم می‌توانیم به این نتیجه برسیم که در گذشته زندگی مردم، به ویژه کشاورزان و عشایر به نحوی به دام وابسته بود و بعلاوه اگر کسی می‌خواست گوسفند داری کند، به نگهداری شتر و الاغ نیاز مبرم داشت، برای امرار معاش، حمل و نقل، تاءمین آب و مواد غذایی و دیگر مایحتاج زندگی و غیره و غیره به یک نوعی از حیوان و یا به انواع حیوانات محتاج بود و در شرایط مختلف و برای رفع نیازهای مختلف، دامداری می‌کرد. کشاورزی بدون دامداری یا امکان نداشت و یا کشاورزی بد و پر دردسری بود. در روستاها صدای انواع مختلف حیوانات به گوش می‌رسید که به ویژه در برخی از اوقات سال و یا شبانه روز بسیار لذت بخش و نیز نشانه‌هایی از حیاط و طبیعت واقعی در روستاها بود: (شیهه اسپها، غرغر، یا بع بع، گوسفندها به خصوص به هنگام "مادر زدن" بره‌ها و بزغاله‌ها، بار بار گاوها، نوای مستانه یا "پیل زدن" لوکها و صدای دیلاغها و اروانه‌ها و خلاصه بانک خروسها و عوعو سگها و غیره ۱۰۰۰).

خلاصه زندگی در بسیاری از موارد، بدون داشتن دام یا امکان پذیر نبود و یا به سختی انجام می‌شد. روی همین اصل مردم سعی می‌کردند هر طور شده دام نگهدارند و به هر طریق که ممکن باشد، غذای آن را تاءمین کنند، گاه در بیلاق، گاه در قشلاق با خرج دستی، با کاشتن یونجه، با چراندن در مزرعه و غیره ۱۰۰ برای اینکه به آن نیاز، مبرم داشتند.

## یادداشتها

(۱) نگارنده از کوچکی مشغول دامداری و کشاورزی بوده است و با کوچ کردن به همراه دام در بیلاق و قشلاق و استفاده از آن در امور کشاورزی و دیگر موارد، با مسائل مختلف دام، کاملاً آشنا است. از این رو سعی کرده بیشتر با توجه به تجربیات و مشاهدات و خاطرات خود چه در بیلاق و چه در قشلاق موارد استفاده از دامهای مختلف و اهمیت آنها را در گذشته و حال به رشته تحریر درآورد.

(۲) چون معمولاً در بین دامدارها رسم است که به جماعت یک گله دام از خانواده گوسفند (بز و میش) "گوسفند" می‌گویند، ما هم در اینجا این روش را در پیش می‌گیریم. بنابراین جز در موارد استثنائی که گوسفند و یا بز بطور جداگانه ذکر می‌شوند، همه جا گوسفند و بز را تحت عنوان گوسفند ذکر می‌کنیم.

(۳) شکل گوسفندان در طول فصولی که گوسفندان در آغل‌های سنتی نگهداری می‌شوند، در کف آغل رویهم انباشته و با لگدمال شدن سفت و سخت می‌شود که به آن کرمه (Kārmeh) گویند.

(۱۱) حوله ( Huleh ) از حول به معنی حرکت می‌آید .

#### 12- Lākeh

(۱۳) تعارفی که دهاتی‌ها به خودشان و یا به شهری‌ها می‌کردند که هنوز هم اغلب معمول است ، حالا که به من آن همه محبت‌کردی و یا فلان کار را برای من انجام دادی ، انشالله تابستان بیا سر خرمن ما چرخ سوار شو ، از اینجا ناشی می‌شود . اولاً " آن کشاورز به آن طرف ، حواله تابستان " را می‌دهد ( هر وقت تابستان آمد ) و ثانیاً " چرخ سوار شدن هم باز به نفع کشاورز است و به او کمک می‌شود زیرا جای یک نفر کشاورز یا کارگر باید کار کند ( روی چرخ بنشیند ) و گاو او را براند و خرمن او را بگوید ، و نه به نفع آن کسی که محبت کرده است !

#### 14- Tolom

#### 15- Asmeh

#### 16- Pār

(۱۷) در بین دامداران منطقه تهران به عنوان مثال ورامین و گرمسار و مناطق بیلاقی نظیر فیروزکوه و دماوند و غیره برخی تولم و بعضی دیگر آسمه می‌گویند در گویش‌های دیگر در ایران آنها را چیز دیگری می‌نامند .

#### 18- Tāpaleh

(۱۹) چه بسا دعوها که بر سر تپله جمع کردن در بین زن‌ها در می‌گرفت و در بعضی از موارد کار به زد و خورد های شدید بین افراد و یا چند خانواده می‌انجامید . در مواردی که در یک محوطه ( بهار بند ) چند گاو از خانواده های مختلف نگهداری می‌شدند ، معمولاً " هر صاحب دام می‌دانست کدام تپله مال کدام گاو است ، به عبارت دیگر هر کس تپله گاو خود را می‌شناخت اما بعضی مواقع که بعضی‌ها به عمد و یا از روی غیر عمد تپله گاو دیگری را برای خود جمع می‌کردند بین آنها دعوا در می‌گرفت و . . . . .

(۲۰) تازه اینها آدم‌های خوشبختی بودند زیرا اقلاً " یک وسیله (الاغ) برای حمل آب داشتند . اما عده زیادی بودند بنام " آبکش " که این الاغ را هم نداشتند و با حمل مشک و یا پیت و امثال اینها آبکشی می‌کردند ( آب از منبع به منازل مردم حمل می‌کردند و مختصر دستمزدی دریافت می‌داشتند ! ) .

این کرمه‌ها را پس از آنکه احشام آنها را در بهار ترک می‌کردند ، با بیل و کلنگ از جا می‌کنند که به صورت تخته تخته ور می‌آید . بعدها که کرمه‌ها خشک می‌شد ، آنها را مورد استفاده قرار می‌دادند هنوز هم در بسیاری از دامداریهای سنتی کرمه تولید و از آن استفاده می‌شود ولی نه به میزان سابق . در طویله گاو هم ممکن است کرمه درست بشود ولی معمولاً " از ارزش زیادی برخوردار نیست و یا به آن قشر ضخیم تولید نمی‌شود .

#### 4- Gāreh

#### 5- Tarf

(۶) مفرش ( Māfrāsh ) نوعی قالی بود شبیه پستی‌های بزرگ که آن را به صورت یک صندوق ( دارای حجم ) در می‌آوردند و در آن رختخواب ( لحاف و تشک ) قرار می‌دادند که به هنگام مسافرت رختخوابها صدمه نبینند . مفرش‌ها را معمولاً " یک جفت می‌بافتند . در گذشته هر خانواده دامدار حداقل یک جفت مفرش به عنوان جهیزیه به هر دختر خود می‌داد .

(۷) جل اسب به صورت قالی و به طرز زیبایی با منگوله بافته می‌شد که روی عرق گیر و در زیرین اسب قرار می‌گرفت . اینهم یکی از مواد جهیزیه دختران بود .

#### 8- Pastak

(۹) کم ( Kām ) شبیه غربال است ولی هم خودش از غربال بزرگتر است و هم سوراخهای آن . از کم معمولاً " برای جدا کردن کزل از گندم و یا دیگر دانه‌های درشت از دانه‌های ریزتر استفاده می‌کردند . کزل ( Kozāl ) قسمتی از خوشه گندم یا جواست که به هنگام کوبیدن خرمن ، کاملاً " خرد نشده به عبارت دیگر تکه‌ای از خوشه را تشکیل می‌دهد که دان و گاه آن از هم جدا نشده است . کزل را مجدداً " می‌کوبند تا تبدیل به گاه و دانه شود .

(۱۰) از علل عدم مصرف زیاد یا عدم استقبال مردم به خصوص دهاتی‌ها از گوشت گاو " ذر گذشته این بود که معمولاً " گوساله یا گاو جوان و یا اغلب حتی گاو چاق را نمی‌گشتند ، بیشتر گاوهای پیر را یا چاق می‌کردند و یا اگر به علت مرض قادر به چاق شدن نبودند ، به همان صورت می‌گشتند . قسمتی از گوشت آنها هم در مواردی به فقرا می‌دادند . گاوهای پیر و به خصوص لاغر پیر ، گوشتش خیلی سفت و سخت است ، و به علت نبودن امکانات در آن زمان برای پختن این گونه گوشت‌ها ( کمبود نفت ، عدم گاز و وسائل نفت سوز و گاز سوز و غیره ) مردم علاقه‌ای به خرید و مصرف آن نداشتند . گوشت گاو را صرف نظر از اقلیت‌های مذهبی ، بیشتر مردم فقیر و بیچاره آنها از روی ناچاری می‌خوردند ، در حالی که امروزه ثابت شده است که گوشت گاو نسبت به گوشت گوسفند دارای پروتئین بیشتری است و به خصوص ارزش غذایی گاو بالغ بیشتر از ارزش غذایی گوشت گوساله‌های کوچک است .

# جهانگردی و اثرات مثبت فرهنگی و اجتماعی آن

دکتر محلاتی - گروه جغرافیا - دانشگاه شهید بهشتی

## ۱- تهذیب اخلاق

بدون تردید مسافرت یکی از بهترین وسائل شناخت اقوام و ملل گوناگون و سوق بسوی کمال و تهذیب اخلاق است. با سیری در تاریخ و مروری بر احوال بزرگان در می‌یابیم که بسیاری از ستارگان پرفروغ جامعه بشری و راهنمایان و مربیان انسانی برای نیل به فضائل اخلاقی و به منظور دسترسی به معارف عالی و سرچشمه لایزال حقیقت، راهها پیموده و مراتبها کشیده‌اند. بدین جهت است که در کتب آسمانی و اخلاقی و اجتماعی و دیوان شعرا مضامین بسیار نیکو و عبارات پر مغز و آموزنده‌ای در مورد اثرات مسافرت در تعالی اخلاق انسان می‌توان یافت.

در کتاب جاودانی مسلمین، قرآن کریم نیز آیات زیادی در مورد فوائد مسافرت آمده است. از مجموع آیات قرآن در مورد مسافرت چنین استنباط می‌شود که منظور غائی پروردگار از تشویق و حتی امر کردن مردم به مسافرت، شناخت عظمت خلقت و آفرینش موجودات، تنوع وجود از یکسو و بی‌بردن به تاریخ ملت‌های گذشته و عبرت گرفتن و پند آموختن از سرنوشت آنها و مخصوصاً "تفهیم و درک کیفیت زندگی از سوی دیگر است.

ما در اینجا به عنوان مثال به ذکر چند آیه از قرآن کریم در مورد مسافرت اکتفا می‌کنیم. در آیه ۱۹ از سوره عنکبوت چنین آمده: قل سیروافی الارض فانظروا کیف بدا الخلق... یعنی بگو (ای محمد) سیر کنید در زمین تا به چگونگی خلق هستی و عالم وجود واقف شوید.

با سیر در زمین، دریاها، آسمانها، انسان به عظمت آفرینش و خردی و کوچکی خویش پی‌می‌برد و تنها خدائی را بندگی و اطاعت می‌نماید که زمین را با همه عظمتش رام و مسخر مخلوق خود فرمود. تا از راههای گسترده آن آمد و شد کنند. خاک تیره را مبداء حیات و روزی دهنده موجودات و مرجع مخلوقات قرارداد (منها خلقناکم و فیها بعیدکم و منها یخرجکم) سطح آنرا صحنه

زندگی گیاه و حیوان و انسان و درون آنرا محل نشو و نماى موجوداتی بس ریز ساخت که با جان و توان و جنب و جوش خویش محیطی مساعد برای زیست گیاهان که عامل عمده در ایجاد تعادل و حیات انسان است فراهم آوردند. اندرون آنرا مخزن نیروهائی شگرف و قوای بیکران قرارداد که با فعل و انفعالات خویش مناظر سطح آنرا تغییر می‌دهند.

حیوانات عظیم الجثه و خرد و کوچک، پرندگان زیبا و خوش خط و خال را در نهایت درایت و کمال بیافرید. هر بخشی از این پهنه خاک را مسکن و ماء‌وای گروهی از انسانها، اقوام، گیاهان و جانوران قرارداد که با هم تفاوت‌های بسیار دارند. جهان بشریت را با دنیائی تبیین و اختلاف و تنوع از نظر شکل و قیافه، آداب، رسوم، خلقیات، ذوقیات، افکار و... خلق نمود.

با بیرون آمدن از لانه و آشیانه خود، در نتیجه سیر و سفر، انسان خام و مغرور که در عین ناتوانی و عجز به قدرت صوری خویش مینازد، از نظر اخلاقی دگرگون می‌شود و به زیور خرد و سجایای نیکو آراسته می‌گردد. زیرا در طول سفر و در مقصد مسافرت به سبب رویت آثار پر عظمت خلقت: کوه، دشت و جنگل، صحرا و دریا، شهرهای آباد و بلاد خراب، انسانهای رنگارنگ، تمدنهای گوناگون و معیشت‌های متنوع بسیاری، از ناشناخته‌ها را می‌شناسد و به خردی و کوچکی خود در برابر عالم وجود پی‌می‌برد و پیشداوریهای نادرستش به داوریهای صحیح بدل می‌شود. از چاله تنگ نظری و کوته بینی، از امراض حسادت و بخل و کینه ورزی و رقابتهای کثیف که زندگی را با همه زیبائیش بر آدمی تنگ و نازیا مینماید، رها می‌گردد و به زیور کمالات و خلقیاتی بس پسندیده از قبیل سخاوت، گرم‌بردباری، حسن مسئولیت نسبت به هموعان خویش و تمامی عالم وجود مزین می‌شود و گنجینه دلش از ذمائم کینه و حقد و حسد تهی شده و از عشق و صفا و بلند نظری و محبت مشحون می‌گردد.

با توجه به فوائد فوق‌الذکر سفر است که شاعر شیرین سخن پارسی، سعدی می‌گوید:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

و این قول عطار نیشابوری است که:

زین بحر همچو باران بیرون شو و سفر کن

زیرا که بی‌سفر تو، هرگز گهرنگردی

بایستی در راه وصول به کمال و درک حقیقت، در راه تحصیل اخلاق و عرفان بوجد، ترک شهر و دیار خویش گفت، سفرها کرد تا روح خام پخته گردد و ناخالصیها و ناپاکیهای جان و روان در پالایشگاه زمانه و در مراحل متفاوت سفر و در مکتبهای گوناگون حیات زدوده گردد و روح صفا یابد و خشونت اخلاق به لطافت خلق بدل شود.

ابوحامد محمد غزالی در فوائد سفر چنین گوید:

آنکه سفر کند خویشتن و اخلاق خویشتن را شناسد، تا به علاج صفاتی که در وی مذموم است مشغول شود، و این نیز مهم است که مردم تا در خانه خویش بود و کار به مراد وی می‌رود به خویشتن گمان نیکو برد و پندارد که نیکو اخلاق است، در سفر پرده از اخلاق باطن برخیزد و احوالی پیش آید که ضعف و بدخوئی و عاجزی خویش شناسد، و چون علت بازدارد به علاج مشغول تواند شد و هر که سفر نکرده باشد، در کارها مردانه نباشد. بشر حافی (ره) گفتی: (ای فرایان، سفر کنی تا پاک شوی، که: هر آب که بر جای بماند، بگندد). (۱)

سعدی باز در جای دیگر گوید:

سفر سوهان مرد است ای خردمند

ندارد مرد عاقل پای در بند

به شهادت تاریخ تمامی انبیا و بنیانگذاران مکاتیب عالی اخلاقی و مذهبی و علمی قسمتی از زندگی خود را در سفر می‌گذراندند. در دوران جوانی به زندگی چوپانی و شانی می‌پرداختند و لازمه این نوع زندگی مسافرت و ترک دیار دائمی است. کوه و دشت و دمن، دریا و صحرا میعادگاه آنان با حق تعالی بود. در سکوت طبیعت، سر به جیب تفکر و تعمق در راز آفرینش و هستی فرو می‌بردند، با معبود خویش زمزمه عشق سر می‌دادند و آنگاه که از معدن هستی الهام می‌گرفتند و به انواع فضائل و صفات پسندیده آراسته می‌گشتند در بی‌شناساندن حقیقت و نجات هموعان خویش از گمراهی، راهی بلاد گوناگون می‌شدند.

## ۲- پند تاریخ

یکی از بهترین نتایج مسافرت، عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام گذشته و بی‌بردن بعلل سقوط و هبوط ملتها و یا دانستن سبب پیترفت و تعالی اقوام است. در سوره مؤمن، از کتاب جاودانی اسلام، چنین آمده است: اقلم پیروانی الارض . . . . .

آیا سیر نمی‌کنید در زمین تا ببینید چگونه بود عاقبت کار کسانی (دولتها و ملت‌هایی که بقدرت خویش مغرور شدند و بر هموعان خود ظلم و جور روا می‌داشتند) که در این پهنه خاک می‌زیستند؟ در طی مسافرت به آثار و خرابه شهرها و بلادی برخورد می‌کنیم که روزگاری در نهایت عمران و آبادی بودند. این شهرها پایتخت سلاطین و فرمانروایانی بود که در کاخها و قصرهایی که پایه‌های آنها بروی خون ملتها بنا شده بود، می‌زیستند. در اوج مکتب و در کمال رفاه بودند. این شهرها اقامتگاه کسانی بود که در چهار روزه عمر خود به اتکاء قدرت خویش با استعمار و استثمار میلیونها انسان و یا به بردگی گرفتن هزاران نفر از هموعان ضعیف خود، زندگی پر رونق و شکوه خود را بنا می‌نهادند. اما دیری نپایید (پس از گذشت هفتاد، هشتاد سال که بهرحال لمحهای از زمان بیش نیست) که حوادث زمانه، طومار زندگی‌شان را در هم پیچید و آن پیکره‌هایی که در بسترهای راحت می‌آرمید، آن بدن‌هایی که به وسیله لباسهای فاخر و جواهر نشان پوشیده می‌شد سالهاست که بخاک سپاه سپرده شده‌اند و در اندک زمانی متعفن و متلاشی گردیده و به خاک مبدل شده‌اند آن قصرها و کاخهای مجلل مبدل به ویرانه گشت و لاشخورها در آنها مسکن گرفتند. آن روزگار طلائی سپری شد بالاخره آن شهرهای آباد، بخرابی گرائید. آری چنین است شیوه روزگار و مدار حیات که دیر یا زود فریادهای آمرانه فرمانروایان و پادشاهان را خاموش می‌سازد و سرهای تاجداران را به خاک می‌سیارد و آن پیکره‌هایی که از خون مظلومان و بینوایان تغذیه نموده‌اند، بخاک تیره بدل می‌سازد و ذرات آن خاک را گرد باد ایام بهر سو پراکنده می‌سازد!

اگر این‌ها، تاریخی، موزه‌ها و اشیائی که در معرض دید جهانگردان و سیاحان است، می‌توانستند زبان بگشایند چه بسیار داستانها که از ساکنین و صاحبان دیرین خویش می‌گفتند و چه افسانه‌هایی که از قدرت و عظمت سلاطین و مردمان گذشته بازگو می‌نمودند!

این زمین کهنسال خاطراتی بس شگفت انگیز از تمدنها و شهرهایی نظیر کارتاژ، بابل، سومر، آشور، اکد، ماد، هخامنشی، مصر و . . . . . در بر دارد. چه جهانگشایان و سرداران و چه سلاطین عادل و یا خون‌آشامی را به خود دیده است. هم اکنون تنها چیزی که از آنها باقی مانده نامی و یاد است که جاودانه بر تارک تاریخ نقش بسته است.

چه بسیار اتفاق می‌افتد که در مسافرتها به بناهایی نظیر سایبانها، کاروانسراها، آب‌انبارها و . . . . . برخورد می‌نمائیم که در صدها سال قبل توسط نیکوکاران بنا شده و ما هم اکنون بنیانگذاران آنها را به نیکی یاد می‌کنیم و به روانشان درود می‌فرستیم، و یا به خرابیها و ویرانه‌هایی از شهرها و بلاد برخورد می‌نمائیم که طعمه غضب و خشم و هوی و هوس فرمانروائی و یا قومی شده بالنتیجه نفرت و انزجار خود را به روان آنها می‌فرستیم.

### ۳- سلامتی روح و جسم

در نتیجه سفر غمها و اندوهها از دل انسان زدوده می شود و روح خسته و آزرده از آلام زمانه شاد و خرم می گردد. با دیدن زندگانیها و معیشتهای گوناگون، انسان مسافر به منزلت خویش بی می برد. برای نیل به زندگی بهتر تلاش می کند و یا از موقعیت و وضعیت خود اظهار رضایت می نماید. قدر نعمتهایی که دارد شناخته و از ناآرامیها و هیجانات روحیش کاسته می گردد. از اندوه و غبطه خوردن در مورد زندگی دیگران فارغ شده روحش صفا می یابد. از آنجا که انسان فطرتاً "تنوع طلب است اگر مدتها در محیطی یکنواخت باشد بزودی خسته می گردد. در عصری که زندگی ماشینی و ضوابط پیچیده و خسته کننده، آن خواه ناخواه در کلیه جوامع رخنه نموده است، در زمانیکه انسان ناگزیر به زندگی در میان جنگل ابزار و آلات مکانیکی و ماشینی است که با غریب و فریاد خود روح را می آزارند، در روزگاری که بعلت توسعه ارتباطات، جوامع بیکدیگر بسیار نزدیک شده اند و این نزدیکی و فشردگی باعث خستگی زیاد روان می گردد، در دوره ای که زندگی در منازل باز و گسترده، در دل جنگل و طبیعت به زیستن در مساکن بدقواره تنگ و کوچک آهنگین و در شهرهای آلوده و کثیف تبدیل شده است بیش از پیش روح آدمی که طالب تنوع و آزادی است خسته و فرسوده می شود. چه بسیار امراض و ناراحتیهای جسمی که ناشی از خستگی روح است و چه بسیار بیماریهای روانی که از فرسودگی روح و روان انسانهای عصر ماشینی و هزاران و میلیونها جنایت فجایع را در جامعه نتیجه می شود.

پس برای فرار از آلام و ناراحتیهاییکه اکثراً "ناشی از زندگی ماشینی و شهرنشینی است بایستی هر چند مدت، بمنظور تمدد اعصاب و تجدید قوا، مسکن و شهر اقامتگاه دائمی را ترک گفت و راهی سایر بلاد و شهرها شد. پیغمبر بزرگوار اسلام فرمود:

اذا عسرا حدکم فلیخرج و لایغم نغسد و اهله . . . . . یعنی بهنگامیکه سختی و ناراحتی بر یکی از شما وارد می شود بایستی خارج شوید (سفر کنید) و مبادا بر نفس خود و بر خانواده خویش سخت گیرید. اگر انسان نیز از نظر معیشت و زندگی در محل اقامت دائم خویش در مضیقه افتاد باید سفر کند.

سعدی شاعر نامدار شیراز گوید:

درخت اگر متحرک شدی ز جای بجای

نه جور اره کشیدی و نه جفای تبر  
همچنین رسول اکرم فرمود: سافر و اتصحو (۲): مسافرت کنید تا سالم باشید.

بشر از دیرباز به خواص مسافرت در معالجه امراض گوناگون روانی و جسمی پی برده است استفاده از مناطق خوش آب و هوا و یا آبهای گرم از هزاران سال قبل برای شفای امراض جسمی و روحی متداول بوده است. امروزه در ممالک راقیه، عالم کلرمدان و بویزه

کارگران را تشویق و ترغیب حتی مجبور می نمایند که اقلاً "چند روز از ایام سال را با مسافرت از مسکن و محل اقامت دائم خویش دوری گزینند، تا با استفاده از مواهب و زیباییهای طبیعی و با دیدن شهرها و کشورهای دیگر خستگی روح خود را برطرف نمایند.

### ۴- آموختن علم

یکی از مهمترین نتایج مسافرت کسب دانش و علم و وصول به کمال است. به گواهی تاریخ، اکثر رجال علم و دانش دنیا برای راه یابی به دایره دانش، بسیار سفرها کرده اند. لذت سفر را چشیده و افقهای دور را شیفته وار پیموده، سرزمینهای نادیده را دیده، مردمان ناشناخته را شناخته و تا توانسته اند از آغوش طبیعت و یا از محضر علما و رجال دانش بهره گرفته و به کشف پاره ای از رموز خلقت نائل آمده اند. و این کلام جادویی مولانا است که می گوید:

چو قطره از وطن خویش رفت و باز آمد

مصادف صدف او گشت و شد یکی گوهر  
این عارف نامدار و این رند خراباتی که خود بدنبال معشوق و کمال مطلوب درد خارهای مغیلان را به جان خرید و به سفرها رفت، برای بیان اثر مسافرت در آدمی شیوه تبدیل دانه باران را به گوهر در شکم صدف مثال آورده است. انسان را به مثابه دانه بارانی می داند که صدف با باز کردن دهان خویش از آسمان می گیرد و پس آن دانه را با خود می برد، مدتها در دریا سیر می نماید و آنگاه که باز می گردد و دهنش باز می کند، مسافر خود (دانه باران) را عیان می سازد در حالیکه آن مسافر به گوهر (مروارید) تبدیل شده است.

در اسلام تأکید زیادی به مسافرت برای کسب علم و دانش شده است. چنانکه پیغمبر اسلام فرمود:

من خرج من بینه فی طلب العلم فی سبیل الله حتی . . . . . یعنی هر کس در راه کسب علم و فضیلت خانه و دیار خود را ترک گوید و به مسافرت رود او در راه خدا و در پناه خدا خواهد بود تا مراجعت نماید.

اگر به تاریخ علم بنگریم مشاهده می کنیم که مردان دانش و خرد برای بهره مندی از محضر دانشمندان ماهها و سالها از عمر خود را در سفر می گذراندند. چه بسیار اتفاق بی افتاد طلبه ای بمنظور کشف یکی از معماهای علمی هزاران فرسنگ مسافت را می پیمود تا مقصود خود میرسد. ابن خلدون جامعه شناس و دنیا گرد شهر آفریقائی گوید: سیر و سفر در حستن دانشها و دیدار مشایخ بر کمال تعلم می افزاید، زیرا بشر معارف و اخلاق و مذاهب و فضائل را که در آنها ممارست می کند گاهی از طریق دانش و تعلیم و القاء فرا می گیرد و گاهی آنها را به سمه تقلید و حضور در محالس درس دیگران می آموزد. ولی ملکه هائی که بطور مستقیم و به صورت تلقین حاصل شده باشد مستحکمتر و راسخ تر خواهند بود. این است

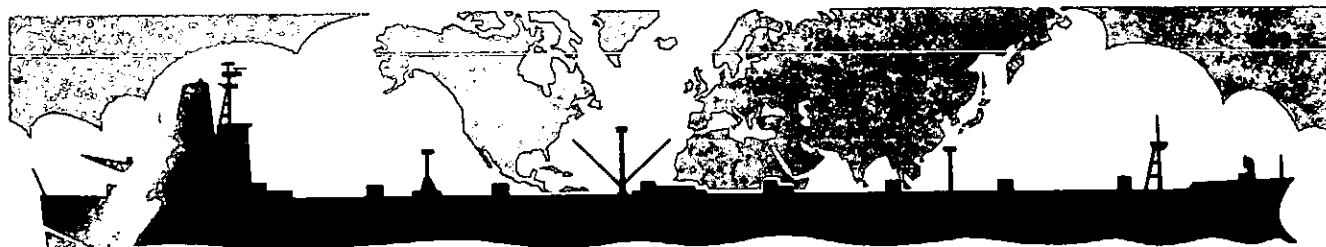
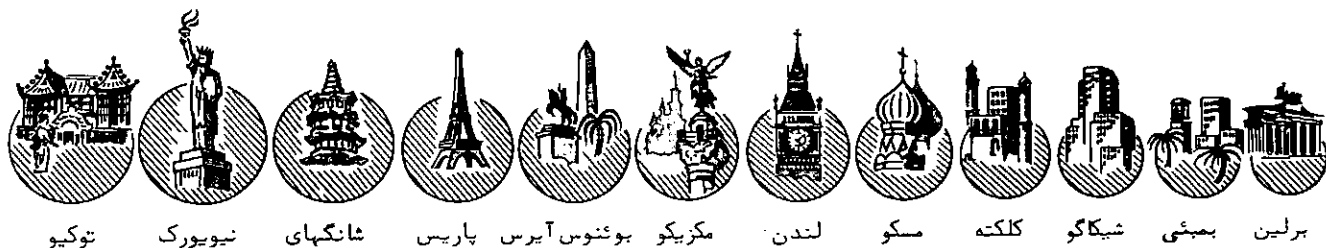
بالمصن . . . . . یعنی پویای علم باشید اگر چه لازم باشد به چین سفر کنید . ( اینجا مراد از مسافرت به چین انجام مسافرت‌های دوراست ) .

## ۵- جهانگردی و صلح و تفاهم بین‌المللی

یکی از مهمترین علل جنگها و کشمکشها و نزاعهایی که بین ملل دنیا روی می‌دهد ، همانا عدم شناخت و درک یکدیگر است . اگر به این اصل که « شناختن موجب دوست داشتن ، است » معتقد باشیم به اهمیت جهانگردی در ایجاد حسن تفاهم و همزیستی مسالمت - آمیز بین اقوام و ملل دنیا پی می‌بریم و با اندک تعمق درمی‌یابیم که هیچیک از اعمال و فعالیت‌های انسان نمی‌تواند به اندازه جهانگردی و مسافرت شانس ایجاد تماس و ارتباط و شناسایی افراد انسان نسبت به یکدیگر را به بشریت عرضه دارد (۴) . چه بسیار اتفاق می‌افتد که در حین سفر و در مقصد اشخاص مسافر با افراد و اقوام مختلف آشنا می‌شوند و این آشنایی علاوه بر اینکه موجب تغییر قضاوت‌های آنها در مورد آن قوم و ملت می‌گردد ، اساس و شالوده دوستی و صلح و صفا و صمیمیت بین مسافران و ساکنین مقصد مسافرت گذارده می‌شود . چه بسیار آشنایی‌ها و مراودات در سفرها بین افراد حاصل شده و منجر به همبستگی‌های فAMILI می‌گردد . بهمین جهت است که امروزه دول مختلف دنیا سعی دارند جهانگردی را هر چه بیشتر در سطح ملی و در مقیاس بین - المللی توسعه دهند .

که دیدار دانشمندان و مشایخ مختلف از نظر بازشناختن اصطلاحات برای متعلم بسیار سودمند است . چه در این دیدارها اختلاف شیوه‌های آنها در دانش می‌بیند و در نتیجه دانش را از اصطلاحات تجرید و انتزاع می‌کند و می‌فهمد که اصطلاحات مزبور طریقه‌هایی برای تعلیم و روش‌هایی جهت تدریس دانش می‌باشد و قوایش برای رسوخ و استحکام در ملکات برانگیخته می‌شود و معلومات وی تصحیح می‌گردد و معارف گوناگون را از یکدیگر باز می‌شناسد و در عین حال ملکات وی بواسطه عبادت کردن بحضور در مجالس درس معلمان ، و سود بردن از تعلیمات آنان و دیدن آنهمه استادان و مشایخ گوناگون ، تقویت می‌شود . و این نتایج برای کسی که خدا راهبای دانش و راهنمایی را برای وی میسر کند و آنگاه ناگزیر باید در طلب دانش سفر گزیند و به گردش و جهانگردی پردازد تا سود فراوان و کمال معلومات خویش را به دیدار مشایخ و برخورد با رجال بدست آورد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت فرماید . (۳)

مسافرت‌های علمی در بین مردمان ایران زمین از دیرباز مرسوم بوده و ساکنین این خطه به کسب علم و فضیلت از راه مسافرت و درک محاضر علمای بزرگ شهره جهان بوده‌اند . . . . . چنانکه پیغمبر اسلام فرمود : لوکان العلم فی الشریا ، لئاله رجال من فارس یعنی اگر دانش و علم در ستاره ، ثریا باشد ، مردانی از فارس در طلب دانش به آن ستاره خواهند رفت ، رسول اکرم صلی الله علیه و اله در ترغیب مسلمین به دانش آموزی فرمود : اطلب العلم ولوکان -



جهانگرد می‌تواند در مقام سفیر حسن نیت برای شناساندن شهر و کشور متبوع خود باشد. هر ساله عده کثیری برای حضور در کنگره‌ها، مراسم و یا تفریح و گردش از کشوری به کشورهای دیگر مسافرت می‌کنند. این مسافرتها علاوه بر اینکه فرصتی برای همکاریهای بین کشورها ایجاد می‌نماید، تصویری از کشورهای مربوطه را به دنیای خارج منعکس می‌سازد.

بدون شک شناسایی بیش از پیش افراد یک کشور و یا ساکنان یک قاره از یکدیگر تأثیر بسیار مطلوبی در استحکام روابط سیاسی، دوستی فرهنگی و اجتماعی و ... ساکنین آن کشور و یا آن قاره می‌گذارد و بدون شبهه هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه مسافرت، یعنی حضور در محل، افراد را به یکدیگر بشناساند. گرچه امروزه به برکت وسائل ارتباط جمعی پیشرفته از قبیل رادیو، تلویزیون و مطبوعات مردمان مناطق مختلف یک کشور و یا بطور کلی سکنه دنیا می‌توانند از همدیگر خبر داشته باشند و به یکدیگر بسیار نزدیک شوند اما چه بسیار اتفاق می‌افتد که این وسائل تحت تأثیر اولویتها و موقعیتهای سیاسی قرار گرفته لذا تنها جنبه‌های خاصی از زندگی و ویژگیهای خلقی و ... یک قوم را بازگو می‌کنند و یا حتی در نتیجه بروز اختلافات سیاسی و اقتصادی بین مسئولان امور اداره این قبیل وسائل ارتباط جمعی ( دولت ) یک کشور با کشور دیگر، اصلاً " حقایق و واقعیات فرهنگی و ... ساکنین یک کشور بطور معکوس و قلب شده، بسمع سایر ملل می‌رسد. قدرت وسائل ارتباط جمعی در تبلیغات و قلب حقایق، مخصوصاً در این عصر و زمان یحدی قوی است و آنچنان این وسائل بطور مستقیم و یا غیرمستقیم ناگزیر به تبعیت از خط مشی سیاسی دولتها هستند که هیچوقت نمی‌توانند حقایق ملتی و کشوری را آنچنانکه، باید و شاید، و در دیدی بی‌فرضانه برای ملت و جامعه خود معرفی نمایند لذا سفر تنها وسیله برای پی‌بردن به آداب و رسوم و شناخت متقابل اقوام از یکدیگر است.

همچنان که گذشت از آنجا که شناسایی و درک متقابل اقوام، بروز محبت و دوستی بین ملتها را سبب می‌شود بنابراین جهانگردی نقش بسیار ارزنده‌ای در کاهش تنشجات بین‌المللی دارند. بدین لحاظ است که از جهانگردی بنام " پاسپورتنی برای صلح " یاد می‌شود و در سال ۱۹۶۷ بنا به پیشنهاد " اتحادیه بین‌المللی - سازمانهای رسمی مسافرتی " به سازمان ملل متحد، سال مزبور از طرف این سازمان " سال جهانی جهانگردی " نامیده شد و نمایندگان دول عضو سازمان مطالبی پیرامون اثرات جهانگردی و مسافرت در توسعه روابط بین‌المللی و تفاهم جهانی بیان داشتند. نکته حائز اهمیت اینکه جهانگردی نه تنها برای یک طرف، یعنی مسافر نافع است، بلکه ساکنین منطقه مورد بازدید و یا کشور پذیرا نیز با روءیت و تماس با جهانگردان به جلوه‌هایی از تمدن و خلیقات ملل دیگر را واقف می‌سازد.

به منظور حسن ختام این مبحث به کلام گهربار علی علیه‌السلام که متضمن تمامی فوائد سفر است، نأسی می‌جوئیم:

تغرب عن الاوطان فی طلب العلی

تسافر و فی الاسفار خمس فوائدی

تفرج هم و غم و اکتساب معیشتی

و علم و آداب و صحبت ماجدی

در طلب دانش و فضیلت و معرفت، شهر و دیار و خانه و کاشانه خود را ترک گوئید و به مسافرت روئید. زیرا سفر برای ائمان پنج فایده دارد:

۱ - غم و اندوه از دل انسان زدوده می‌شود.

۲ - روزی و معیشت وی نأمین میگردد.

۳ - ابواب دانش بر او گشوده می‌شود.

۴ - به زیور ادب و فضیلت آراسته می‌گردد.

۵ - از هم‌صحبتی و معاشرت با علما و بزرگان بهره‌مند می‌شود.

در حدیث است: فی الحركة برکه در حرکت ( سفر، جائی - بجائی شدن ) برکت نهفته است. ناگفته نماند که حرکت اساس

حیات و جوهر وجود است. اگر لحظه‌ای بفرمایش علی علیه‌السلام

بیاندیشیم در می‌یابیم که چگونه خیرات و برکات مسافرت را که

دنیای است، در قالب این چند بیت شعر زیبا آورده است.

و بالاخره باید گفت که با توجه به محاسن ذکر شده سفر و سیاحت

است که رسول اکرم با کلام گهربار خویش فرمود:

( السیاحة اتمی، الجهاد فی سبیل الله ) (۵) و بدین کلام سیر

و سیاحت مسلمانان نوعی جهاد در راه خداوند است.

در پایان با بررسی اثرات مثبت جهانگردی در این شماره امید

است در شماره‌های آینده به اثرات منفی آن نیز پرداخته شود.

## یادداشتها

(۱) صفحات ۴۵۷ و ۴۵۸، کیمیای سعادت - ترجمه خدیو جم

(۲) وسائل الشیعه - جلد هشتم، صفحه ۲۵۰

(۳) صفحه ۱۱۴۵ مقدمه این خلدون - ترجمه پروین گنادی با

تلخیص.

(۴) سفر به معنای صلح و صفا دادن میان دو قوم و میانجی‌گری

نمودن آمده است ( اندراج )

(۵) صفحه ۷۳، مستدرک

# معرفی کتب چاپی

## جغرافیائی دوران قاجار

جواد - صفی نژاد

قسمت سوم

حاجی مفاخر :

- فصل هفتم : در بیان اهله قمر " ۲۵  
 فصل هشتم : در علم جغرافیا " ۲۸  
 فصل نهم : در باب پنج قطعه عالم " ۳۴

جغرافیای حاجی مفاخر، خشتی (اندازه ۲۳×۱۵ سانتیمتر)، سنگی، نستعلیق، ۱۲ سطری، ۱۵۰ ص، ۱۳۲۱ ق، مطبوعه مشهدی اسد آقا، نویسنده احمد، رئیس مدرسه بصیرت.

\*

در فصل هشتم در علم جغرافیا، صحبت از بیان بعضی اصطلاحات جغرافیا، در باب نژاد، مذهب و جمعیت کره ارض است. در فصل نهم که از پنج قطعه عالم مطالبی را بیان می‌دارد، اطلاعات مختصری از مشخصات جغرافیای طبیعی قاره، سپس راجع به یکایک کشورهای هر قاره به بحث پرداخته حدود، مساحت، جمعیت، شهرها، پایتخت، قشون و... آن را مشخص می‌نماید. به هنگام بیان قاره آسیا طبیعی است که کشور ایران نیز معرفی می‌گردد و به بیان تفصیلی ایران پرداخته و از صفحه ۶۱ تا ۱۲۹ مباحث مختلف آن شرح زیر ادامه می‌یابد.

راجع به کتاب مذکور در پایان کتاب چنین می‌خوانیم: «این کتاب جغرافیا از تالیفات جناب مستطاب اجل اکرم آقای حاجی مفاخر الدوله کارگذار کل مهام خارجه مملکت آذربایجان در مطبوعه مشهدی اسد آقا بحلیه طبع درآمد، نویسنده احمد رئیس مدرسه بصیرت در سنه ۱۳۲۱ (ق)» (۱).

جغرافیای حاجی مفاخر دارای ۹ فصل بشرح زیر است :

- |      |  |      |   |
|------|--|------|---|
| ۶۱ ص | – ایران، حدود، سرحدات                          | ۲ ص  | فصل اول : در بیان کرویت زمین            |
| ۶۵ " | – جغرافیای تاریخی                              | ۴ "  | فصل دوم : در حرکات زمین                 |
| ۶۶ " | – سلسله پادشاهان قبل از اسلام                  | ۸ "  | فصل سوم : در اوضاع و ترتیب طبقات زمین   |
| ۷۰ " | – سلسله حکمرانان بعد از اسلام تا پایان قاجاریه | ۱۲ " | فصل چهارم : در بیان سال شمسی و سال قمری |
| ۸۸ " | – توضیح مختصری در مورد شناخت ایران             | ۱۳ " | فصل پنجم : در دوایر عظیمه کره زمین      |
| ۹۰ " | – وزارتخانه‌های عمده ایران                     | ۱۷ " | فصل ششم : در بیان عالم شمسی             |



دخترم و مونا معروف به غلزدار که شراب انگور آن مشهور آن فانی است در  
 سمت قصبه مشهد مرغاب در میان که بهاسی که بر کدز گاه رود و طوار <sup>قشور</sup>  
 نیز آثار خرابچندیت که از زمان سلاطین اشکانیان با مانده دوران <sup>سپاس</sup>  
 بعضی سنگهای تراشیده و الواح منقوشه نمودار است که از عهد سلاطین <sup>نان</sup>  
 ساسانیان با مانده هستند باغ و خاتم سازی در شیراز خیلی رتبه دارد

ولایات فارس

اول نیریز  
 دوم داراب در جنوب نیریز و قشده شهری آید <sup>اول</sup>  
 سلطنت کبخر پوی تحت بوده  
 سیم فسا که جایگت لکشن مصفا  
 چهارم جروم جمعیت شهر از نفر مرکز زرتشت  
 پنجم لارستان جمعیت دوازده هزار نفر بیشتر تجارت <sup>ساز</sup>

دیشتر و غلزدار و تنباکو مشهور است  
 ششم بهبهان که جای بسیار خوب و بخت است  
 هفتم دشتی و دشتستان  
 هشتم کازرون مشه در میان راه جبل امین بو شهر و شیراز است  
 نهم اباده جمعیت هشت هزار نفر این شهر و صحران <sup>دشت</sup>  
 قلعه کلکی دارد و حدش کدم و انگور است غرابهای اطراف آن <sup>منا</sup>  
 آبادان قدیم انجالت و صنعت این شهر قاشوق سازی جیبی خوب  
 دهم ابرقو یار دهم دهبید  
 دوازدهم قمشه جمعیت شهر از نفر سوهی است حکم در میان <sup>اص</sup>  
 حاصلخیز و باغهای طراوت میزند  
 سیزدهم ایزدخواست قصبیت در وسط صحرا در بالای <sup>سخت</sup>  
 بلند نباشد

دو تصویر از کتاب جغرافیای حاجی مفاخر

با سایر کتب کلاسی، طهران تیمچه حاجب الدوله، نمره ۵،  
 کتابخانه حاج شیخ احمد شیرازی، قیمت سه فران.

\*

مترجم همایون که در ترجمه‌های بعدی اش می‌خوانیم « فره وشی »  
 مترجم همایون سابق ظاهرا " از سال ۱۳۳۴ ق دست به تألیف  
 کتب جغرافیائی کلاسیک زده است زیرا در یکی از کتب جغرافیائی اش  
 بنام « جغرافیای رهنما جدید » که در سال ۱۳۴۸ ق ( ۱۳۰۸ ش )  
 به طبع رسیده نوشته شده « طبع چهاردهم ... کتاب مذکور از ماه  
 ذی الحجه ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۱ ق زیر چاپ بوده و امتیاز آن از طرف  
 وزارت معارف وقت به حاج شیخ احمد کتابفروش شیرازی داده شده  
 و این امتیاز در صفحه اول کتاب به چاپ رسیده است .

کتاب شامل سه قسمت شرح زیر است :

- رودخانه‌های معظم ایران " ۹۱
- جزایر عمده، دریاچه، جبال، دخول مال التجاره " ۹۲
- (اطلاعات شناختی در مورد شهرهای مختلف ایران) " ۹۳
- در بیان محصولات و صنایع و ثروت طبیعی ایران " ۱۲۴

در صفحه ۱۲۹ مطالب مربوط به ایران پایان می‌پذیرد.

مترجم همایون: (فره وشی)

جغرافیای رهنما، موافق پرگرام رسمی به اذن و اجازه وزارت  
 جلیله معارف اجازه طبع و تدریس آن در مدارس جدید داده شد،  
 حق طبع مخصوص به حاجی شیخ احمد کتابفروش شیرازی می‌باشد.  
 سنگی، نستعلیق، دو ستونی، ۱۲ سطری، مصور، نقشه دار،  
 بیاضی، (اندازه ۲۰x۱۶ سانتیمتر) ۷۲ ص، کتیبه قوام الکتاب،  
 چاپ مطبعه میرزا علی اصغر، ذی الحجه ۱۳۲۹ ق. محل فروش

قسمت اول : ( جغرافیای سال اول ) شامل کلیاتی در باب شناخت کره زمین به شکل سؤال و جواب که سئوالها با شماره در زیر صفحه آورده شده و پاسخ‌های آن در متن آمده است ( ۸۲ - سؤال و جواب ) . ص ۱۵-۲

قسمت دوم : جغرافیای طبیعی و سیاسی پنج قطعه عالم ، در این قسمت هم که از صفحه ۱۵ آغاز شده و تا صفحه ۴۵ ادامه می‌یابد مطالب مربوط به قاره‌های پنجگانه هم بصورت سؤال و جواب تنظیم گردیده و بصورت ۶۳ پرسش و پاسخ آورده شده که به شماره پاسخ ۴۵ پایان می‌پذیرد .

قسمت سوم : جغرافیای ایران مورد گفتگو است ، در این قسمت هم مطالب بصورت سؤال و جواب آورده شده که از پرسش و پاسخ شماره ۱۴۶ در صفحه ۴۵ آغاز و به شماره ۱۷۴ و صفحه ۷۲ پایان می‌پذیرد .

مقدمه تاریخی ، حدود قدیمی ایران ، جغرافیای طبیعی حالیه ، کوهها ، رودها ، دریاچهها ، بنادر ، جزایر ، معادن ، جنگلها جغرافیای سیاسی ایران ، شرح مختصر ایالات ، ولایات و شناخت مختصر جداگانه هر یک و شرح کوتاهی از ایلات معتبر ایران ( دو ستون ) مطالب مربوط به ایران را تشکیل می‌دهد .

## مترجم همایون :

جغرافیای جدید فرهنگ مظفری ، مخصوص کلاس هفتم و هشتم مدارس متوسطه : مطابق پروگرام رسمی وزارت جلیله عارف ، اولین جغرافیائی که مطابق تقسیمات بعد از جنگ با گراور به طبع رسیده ، چاپ چهارم ، سری ، مصور ، نقشه‌دار ، ( اندازه ۲۸×۳۵ سانتیمتر ) دو ستونی ، ۸۸ ص ، چاپ مطبعه " تجدد " تهران ، ۱۳۰۷ ش ، محل فروش کتابخانه علمیه مظفریه .

\*

کتاب مذکور که پس از جنگ جهانی اول مورد تجدید نظر قرار گرفته محتویاتش مورد تاءبید دانشمندان و جغرافی شناسان و معلمین جغرافیای وقت قرار گرفته که هر کدام تقریظی در آغاز کتاب نوشته‌اند ، ابوالحسن فروغی ، عبدالرزاق مهندس و غلامحسین - ریاضی ( منتحن و معلم جغرافیا در دارالفنون ) از آن جمله‌اند و هر یک به نوعی کتاب مذکور را بهترین کتاب جغرافیا برای تدریس در مدارس دانسته‌اند و بخاطر تجدید نظر نام آن از " جغرافیای - رهنما " به " جغرافیای فرهنگ " تغییر می‌یابد .

کتاب دارای سه قسمت مجزا از هم است :

قسمت اول که خود به پنج فصل تقسیم می‌گردد موضوع زمین در

فضا ، مشخصات شناخت کره زمین ( محور ، قطبین ، مدار ، نصف - النهار ، کره ، نقشه ) ، جغرافیای طبیعی و انسانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد . ص ۲۷-۱

قسمت دوم به بیان مطالبی در مورد پنج قطعه عالم می‌پردازد که ضمن تعاریف طبیعی هر قاره به بیان مطالب سیاسی قاره‌ها و کشورهای مربوط بدان می‌پردازد . ص ۷۴ - ۲۷

قسمت سوم تحت عنوان جغرافیای طبیعی و سیاسی ایران در آغاز به بیان جغرافیای طبیعی ایران پرداخته سپس به شناخت مختصر ایالات و ولایات ایران می‌پردازد . ص ۸۸ - ۷۴

در پشت جلد کتاب مذکور نوشته شده " مخصوص کلاس هفتم و هشتم مدارس متوسطه " ولی در آغاز فصل اول نوشته شده " جغرافی دوره پنجم و ششم " بنظر می‌رسد فصل اول مخصوص سالهای پنجم و ششم و فصل دوم مخصوص کلاس هفتم و قسمت مربوط به ایران مخصوص کلاس هشتم مدارس باشد .

\*

## میرزا رضا خان مهندس :

اصول علم جغرافیا ، دوره ابتدائی ، برای شاگردان مدارس ابتدائیه ایران ، چاپ نهم ، سنگی ، نستعلیق ، دوستونی ، مصور ، نقشه‌دار ، ( اندازه ۲۵×۱۷ سانتیمتر ) ، ۵۲ صفحه ، ۱۳۳۷ ق . حق طبع مخصوص کتابخانه علمیه مظفریه ، تحریر قوام‌الکتاب ، طبع مطبعه علمی ، طهران ، خیابان ناصریه .

\*

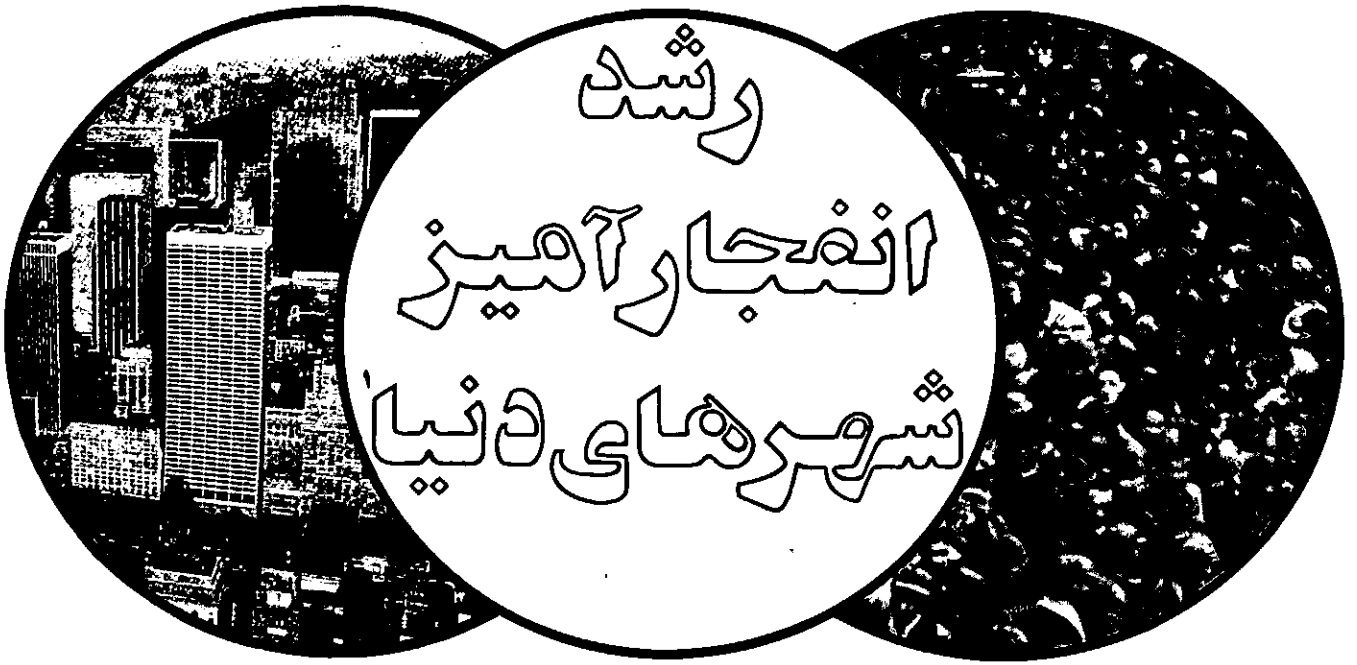
هر چند که نام کتاب در صفحه اول آغاز کتاب " اصول علم جغرافیا " است ولی در پشت جلد کتاب نام آن " جغرافیای مقدماتی " ذکر شده . میرزا رضا خان مهندس ، معلم و مؤلف علوم ریاضیه و جغرافیا در مدرسه دارالفنون بوده و ظاهراً " چاپ اول کتاب خود را در سال ۱۳۲۸ قمری آغاز نموده است .

کتاب دارای ۲۳ درس بصورت سؤال و جواب می‌باشد که شش درس آن ( ص ۲ - ۹ ) دوره مقدماتی جغرافیا و اصطلاحات جغرافیائی است ، از درس هفتم صفحه ۱۱ ایران آغاز شده و تا صفحه ۲۵ ادامه می‌یابد ، اسامی ایالات و شهرهای معظم ایران با ذکر جمعیت در جدولی آمده و نقشه‌هایی از ایران و نقشه‌ای از تهران نیز ضمیمه دارد از صفحه ۲۵ تا پایان کتاب اختصاص به شناخت جغرافیائی مناطق پنجگانه دارد .

\*

## یادداشتها ++++++

( ۱ ) - نقل از ص ۱۵۰ کتاب مذکور ( صفحه پایان ) .



## نوشته: رابرت فاکس ترجمه: امامعلی حاضری

داخل مرزهای محدوده خود جای بدهد به طور تصادفی گسترش می‌یابد و کاربریهای مسکونی، صنعتی، و اغلب بورس بازی زمینهای شهری و زمین مزروعی با ارزش را دربرمی‌گیرد. درکناره‌های شهر قاهره زمینهای کشاورزی با برداشتن خاک سطحی و تخریب آنها برای ساختن کارخانه‌های آجریزی تبدیل به باریک‌های شده‌اند که حالت کشاورزی خود را از دست داده‌اند.

رشد سریع جمعیت و میزان شهرنشینی با نتایج تلخ و ناگوارنا آینده‌ای از قبل پیش بینی نشده ادامه خواهد یافت. شرایط امروزی حاکم بر شهرهای جهان سوم صحنه‌هایی از یک نمایش غم انگیز است که بیش از یک میلیارد انسان را در خود جای داده‌اند و تا سال ۲۰۲۵ ساکنین آن تقریباً "به چهار میلیارد نفر خواهند رسید.

بعد از کنفرانس جهانی جمعیت در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴، برنامه ریزی شهری در کشورهای در حال توسعه وضعیت تازه‌ای پیدا کرده و به موازات آن تنظیم خانواده نیز در این کشورها مقبولیت رو به تزایدی را بدست آورده است.

در کنفرانس جهانی مکزیکو در سال ۱۹۸۴، نمایندگان ۱۴۰ کشور در مورد موضوع رشد انفجارآمیز شهرها دوباره به گفتگو پرداختند. هیچکس راه حل فوری اراکه نداد ولی تمرکز بحثها روی مسئله، بنوعیه خود قدم مثبتی بود.

در سال ۱۹۵۰ تنها هفت مرکز بزرگ شهری جهان جمعیتی بیش از پنج میلیون نفر داشته‌اند که شامل شهرهای نیویورک، لندن، پاریس، مجتمع راین - رور آلمان، توکیو - یوکوهاما، شانگهای و

طبق نظریه جمعیت شناسان، جمعیت جهان در اوایل قرن نوزدهم به یک میلیارد نفر رسیده بود. بر طبق همان نظریه چندین صد سال دیگر لازم بود تا جمعیت جهان به رقمی بالغ بر دو میلیارد نفر برسد ولی این رقم در سال ۱۹۳۰ به منصفه ظهور رسید و تا سال ۱۹۷۵ دو برابر شد (دو میلیارد نفر). تا اواخر قرن بیستم، جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر خواهد گذشت، به طوری که تا سال ۲۰۲۵ جهان جمعیتی معادل هشت میلیارد نفر خواهد داشت. بیشترین میزان این افزایش در ملل تازه به استقلال رسیده رخ خواهد داد و این جمعیت در شهرهایی متمرکز خواهد شد که جمعیت کنونی آنها از حد خود تجاوز کرده‌است. پیشرفت‌های حاصله در طب و تکنولوژی عمری طولانی‌تر و سلامت بیشتر به انسان بخشیده و باعث رشد میزان جمعیت شده است.

مقامات شهرهای بزرگ جهان اظهار می‌دارند که مناطق تحت نفوذ آنها با بحرانهای شدیدی از قبیل مسکن، آب، انتقال فاضلاب، حمل و نقل و فرصت‌های شغلی مواجه هستند. به عنوان مثال لاگوس پایتخت نیجریه با جمعیتی در حدود پنج میلیون نفر یکی از شهرهایی است که با رشد جمعیتی بالاتر، تا کنون در برنامه‌ریزی زیر بنایی مربوط به سیستم انتقال فاضلاب خود ناموفق بوده است. مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه بیشتر از آنچه بتواند افزایش طبیعی جمعیت خود و مهاجرین روستائی را در

بوئوس آیرس می‌شد. عرضه و تقاضای نیروی انسانی به طور هماهنگ در طول بیش از چند دهه - نه چندین قرن - در این مراکز سبب رشد جمعیت بوده‌اند. امروزه ۳۴ شهر جمعیتی بیش از پنج میلیون نفر دارند و تا سال ۲۰۲۵ براساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد این تعداد به ۹۳ شهر خواهد رسید، ۸۰ شهر از این شهرها در کشورهای تازه به استقلال رسیده وجود خواهند داشت. توسعه کند جمعیت از میزان رشد پائین به میزان رشد متوسط تصویری بود که فقط در گذشته وجود داشت و امروزه دیگر چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد.

افزایش ناگهانی جمعیت شهرهای جهان سوم منابع آنها را نابود کرده است. پراکندگی محله‌های پست شهری، ترافیک شدید خیابانها، بیکاری حاد و مزمن، شکستهای بی‌در پی در ارائه خدمات مربوط به آب و برق، عدم ارائه امکانات آموزشی و تفریحی، نیاز به افزایش سریع مواد غذایی و هزینه‌های سوختی، مشکلات موجود این ملتها را تشکیل می‌دهند. اگرچه جمعیت‌شناسان هشدار داده بودند که جمعیت مکزیکوسیتی در طول دهه ۱۹۷۰ دو برابر خواهد شد، با این وجود تعداد کمی به افزایش چنین جمعیتی، باور داشتند. تا به حال جمعیت این مادر شهر ازمشت میلیون نفر به چهارده میلیون نفر رسیده است و تا سال ۲۰۵۰ جمعیت آن به سی میلیون نفر خواهد رسید. مشابه همین پیش‌بینی‌ها برای دیگر ملل در حال توسعه نیز یک واقعیت پذیرفته شده است.

## رشد جمعیت و تناقض مربوط به آن

وقتی تاریخ را مطالعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که رشد جمعیت دنیا در گذشته به کندی صورت گرفته است سبب این کندی رشد جمعیت عواملی از قبیل بیماریهای واگیر، قحطی، سوء تغذیه، شدید بوده است اگر چه میزان مرگ و میر بالا بوده است، ولی میزان زاد و ولد نیز اندکی بیش از مرگ و میر بوده و می‌توان چنین نتیجه گرفت که تقریباً "تعادلی بین میزان مرگ و میر و زاد و ولد وجود داشته است و افزایش جمعیت دنیا خیلی به کندی صورت می‌گرفته است.

توماس مالتوس اقتصاددان انگلیسی این حقیقت را در سال ۱۷۹۸ در کتابی تحت عنوان "مقاله‌ای در مبانی جمعیت" چنین متذکر شد: "اگر افزایش جمعیت دنیا تحت کنترل واقع نشود، کره زمین ظرفیت آن را نخواهد داشت که با منابع موجود خویش جمعیت خود را تغذیه کند." اما نظریه مالتوس در عصر جدید، یعنی هنگامی که انقلاب صنعتی اروپا را تغییر داده بود، نوشته شده بود. جمعیت قاره اروپا در طول قرن نوزدهم در اثربخشیهای سریع علمی و طبیی، میزان مرگ و میر را پائین آورد و همزمان با این پیشرفت‌های کشاورزی نیز تولیدات مواد غذایی را بالا برد و در همین اثنا مهاجرت به آمریکا به مثابه عامل تعدیل اضافه جمعیت بود.

شکاف وسیع بین مرگ و میر و زاد و ولد بتدریج باعث شد که خانواده‌های کوچکتر از نظر اجتماعی قابل پذیرش تر بوده و این شکاف را وسیع تر کنند. این روند در کشورهای صنعتی در طول قرن بیستم سریعتر شد و امروزه این فاصله میان زاد و ولد و مرگ و میر باز هم کوچکتر می‌شود.

این جریان از نظر تاریخی در کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه نیافته تفاوت‌های بسیاری را نشان می‌دهد. در دهه ۱۹۳۰ در کشورهای در حال توسعه، تکنولوژی وارداتی موجب طولانیتر شدن عمر انسان و شرایط بهتر مواد غذایی و خوراکی آنها گردید هر چند که این امر وضع بفرنجی در این کشورها به وجود آورد با این حال میزان زاد و ولد در این کشورها همچنان در سطح بالایی باقی مانده است.

کاهش میزان مرگ و میر در سطح وسیعی با معیارهای فرهنگی نیز رابطه دارد، چنانکه تنظیم خانواده در دو دهه گذشته رل مهمی را در تنظیم جمعیت این کشورها بازی کرده است. از آنجائی که فاصله بین مرگ و میر و زاد و ولد بیشتر می‌شود میزان رشد جمعیت بیش از اندازه بالا می‌رود. بطور کلی میزان مولید بالا نرفته است بلکه تعداد افرادی که از مرگ و میر نجات پیدا می‌کنند بیشتر شده است. با یک نگاه زود گذر و آتی به جمعیت کشورهای جهان متوجه می‌شویم که توسعه و رشد جمعیت آنها در آینده ادامه خواهد یافت. حتی یک جمعیت شناس واقع بین نیز نمی‌تواند رشد جمعیتی این کشورها را تا اواخر قرن ۲۱ پیش‌بینی کند. چون روابط سنتی بین میزان مرگ و میر و زاد و ولد در کشورهای جهان سوم در طی چند دهه گذشته به هم خورده است، این کشورها دارای جمعیت جوان بیشتری شده‌اند. دلیل این امر این است که تعداد زنان در سن باروری بیشتر بوده و بنابراین رشد جمعیت نیز تا حد بالایی ادامه خواهد یافت. پس از ذکر مطالب فوق به تناقضی در رشد جمعیتی این کشورها بر می‌خوریم. به این صورت که حتی اگر میزان زاد و ولد نیز کاهش بیابد، باز هم به تعداد جمعیت آنها افزوده خواهد شد. امروزه در قاره آفریقا از هر صد نفر ۵۵ نفر آنها زیر ۲۰ سال هستند، در صورتی که در بین اروپائیان فقط ۳۰ نفر از هر صد نفر زیر ۲۰ سال است. در سال ۱۹۷۵، ۹۳ میلیون نفر زن آفریقائی در سن باروری بودند و میزان زاد و ولد سالانه در آفریقا ۴۷ در هزار بود. در همان سال در حدود ۱۹ میلیون کودک در آفریقا متولد شدند.

طبق طرحها و پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۲۵ میزان زاد و ولد در قاره آفریقا به رقمی در حدود ۲۵ در هزار کاهش خواهد یافت، لیکن تعداد زنان در سن باروری به رقمی در حدود ۴۳۰ میلیون نفر افزایش می‌یابد و حتی با پائین آمدن میزان زاد و ولد باز هم ۴۲ میلیون کودک در سال ۲۰۲۵ به دنیا خواهند آمد.

1- Robert W. Fox "The World's Urban Explosion" National Geographic. vol 166. No.2  
PP 179-185

ادامه سئوالات پرسش و پاسخ

تابستان ۱۱ درجه است یعنی شهرکرد ۱۱ درجه خنکتر است و در دی ماه نیز اختلاف دما حدود ۱۹ درجه است. در حالیکه این دو شهر از نظر عرض جغرافیایی در یک عرض قرار دارند. لازم به یاد آوری است که در تغییرات دمای شهرکرد و دزفول عوامل دیگری نیز نقش دارند که از حوصله این بحث خارج است.

از دید علمی و تجربیات هواشناسی باید گفت که هر چه در آتمسفر بالاتر رویم هوا رقیقتر و در نتیجه فشار بصورت منظم کاهش می یابد ( برای هر ۳۰۰ متر ۳۴ میلی بار) در اثر کاهش فشار تعداد برخورد ذرات هوا کمتری شود و دمای داخلی گازها پائین تر می آید. این پدیده موجب نزول مداوم درجه حرارت در لایه اولیه ( تروپوسفر ) می گردد. همچنین رقیق بودن هوا موجب کم شدن قدرت جذب تشعشع آفتاب بوسیله آتمسفر می باشد و علاوه بر آن رطوبت هوا نیز در سطح معینی از قله کوهستان رو به کاهش می رود. ضمناً " حالت های استثنائی هم گاهی اوقات اتفاق می افتد ، یعنی هوای سرد در مجاورت زمین و هوای گرم در بالاتر قرار می گیرد که این پدیده را " حرارت معکوس " می نامند. علت این امر این است که چون زمین سریعتر از آتمسفر حرارت فشان می کند بنابراین در هنگام شب زمین سریعتر از آتمسفر خنک شده و در نتیجه سردترین توده هوا در مجاورت سطح زمین و هر چه ارتفاع زیادتر باشد هوا گرمتر می شود.

س- علت وزش بادهای گرم در فصل پاییز و

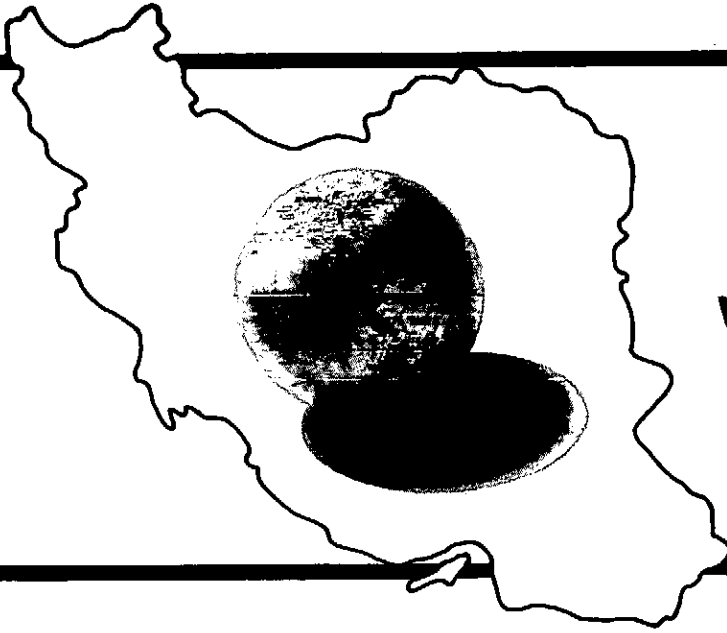
زمستان در مناطق ساحلی دریای خزر چیست؟

ج- در فصل پاییز و زمستان ، از جنوب منطقه ساحلی یعنی کوهستان البرز به طرف جلگه های ساحلی باد گرمی می وزد که حرارت محیط را دفعتاً " چندین درجه بالا می برد و گاه در اثر بی احتیاطی موجب حریق در جنگلها و یا خانه های روستائی می شود. شدت و سرعت این باد گاهی بسیار زیاد است. علت وزش این باد تغییر درجه حرارت آدیاباتیک Adiabatic است. در مواقعی که هوا به سمت بالا صعود می کند تحت تاءثیر فشارهای کمتری قرار می گیرد چه وزن هوای کمتری در روی آن سنگینی می کند و برعکس هوایی که از ارتفاعات بالاتر نزول نموده به سطح زمین نزدیک می شود ، بواسطه فشارهای بیشتر وارد بر آن حتمش انقباض یافته، تراکم حاصل کرده و گرم می شود. جابجائی این دو توده هوا باد ایجاد می کند و این تغییر درجه حرارت را تغییر آدیاباتیک می گویند.

شهرهای جهان سوم لبریز از مهاجرین روستائی می شوند اگرچه انگیزه و علتی برای مهاجرت روستائیان وجود دارد ولی میزان آن از ناحیه ای به ناحیه ای دیگر فرق می کند. میزان زاد و ولد در نواحی روستائی بالاتر از میزان زاد و ولد در نواحی شهری است. از آنجائی که کودکان ، رشد کرده و در سن بلوغ به دنبال کار می گردند و تنها شانس آنها مهاجرت به نواحی شهری می باشد. امروزه میلیونها قطعه زمین مزروعی کوچک و مستعد کشت در سراسر دنیا دیگر جوابگوی افزایش جمعیت دنیا نمی باشد که بتوان آنها را بین خانواده های بزرگ تقسیم کرد. اغلب کارگران روستائی دلیل روشنی برای ماندن و کشاورزی در روستاها ندارند و روشهای ابتدائی کشاورزی نیز سود زیادی از نظر بازدهی محصول برای روستائیان ندارد. در امریکای لاتین که رشد آینده شهرهای آنها بیشتر بصورت افزایش طبیعی جمعیت خواهد بود از هر ۱۰ نفر ، ۷ نفر جزو ساکنین شهری هستند. لیکن هم اکنون در کشورهایی از قبیل هند ، اندونزی ، نیجریه که حرکت بالقوه مهاجرت روستائیان به صورت وحشتناکی دیده می شود هم اکنون از هر ۱۰ نفر دو نفر یا کمتر از دو نفر در شهرها زندگی می کنند. کل جمعیت شهری هندوستان که امروزه ۱۸۰ میلیون نفر است احتمالاً " در سال ۲۰۲۵ به ۶۶۰ میلیون نفر خواهد رسید و جمعیت ۳۵ میلیون نفری شهرنشین اندونزی در همان سال به ۱۳۰ میلیون نفر بالغ خواهد شد و این افزایش در نیجریه از ۲۰ میلیون نفر شهرنشین به ۱۵۰ میلیون نفر صعود ناگهانی خواهد داشت.

تلاش برای پیدا کردن کار در تمام شهرهای جهان سوم خسته کننده است. در این کشورها روی هم رفته میزان بیکاری و کم کاری از ۲۰% به ۵۰% یک امر عادی است. افرادی که در مشاغل صنعتی کار پیدا می کنند تعدادشان خیلی کم است و بیشتر افراد در کارهای خدماتی از قبیل مشاغل اداری به صورت افراد نامه بر یا پادو و همچنین افرادی که در چهار راهها شیشه اتومبیلها را پاک می کنند ، مشغول می باشند. کشورهای امریکای مرکزی و مکزیکو برای جای دادن جمعیت رو به تزایدشان در سال به ۱/۲ میلیون شغل جدید نیاز دارند. در طول دهه ۱۹۷۰ ، ایالات متحده سالانه در حدود ۲ میلیون شغل جدید به وجود آورده است ، کشوری که اقتصاد آن ۱۵ برابر اقتصاد کشورهای فوق الذکر رشد یافته است. مهاجرت های بین المللی از نظر تاریخی در کاهش فشار بر جمعیت کشورها نقش اساسی را داشته است. امروزه کشورهای پیشرفته به دنبال راههایی هستند که بتوانند از منابع طبیعی و بازار کار خود مراقبت و محافظت نمایند. برای اکثریت مهاجرین روستائی کشورهای جهان سوم شهرهایی - که جمعیت آنها روزبه روز در حال افزایش است - تنها نقطه امید است.

# مقالات و اطلاعات جغرافیائی در نشریات ایران



## بنادر آزاد :

ترجمه پرویز باورصاد، بندر و دریا، سال اول شماره ۴، ۱۳۶۴  
بنادر آزاد محوطه‌هایی هستند که کالاها در آنها انبار، جابجا و تبدیل می‌شوند، بدون اینکه مقررات گمرکی بر آنها اعمال گردد. بنادر آزاد یا مناطق تجارت آزاد معمولاً در محوطه‌های حفاظت شده، مجاور بندر و خطوط دریائی و شبکه راه آهن و جاده توسعه می‌یابند (اغلب نزدیک گذرگاههای مرزی). این بنادر یا مناطق، قانوناً، در اغلب کشورهای میزبان، کشورهای صاحب بندر، خارج از حوزه، گمرک قرار دارند. از این رو چنین مناطقی اجازه دارند که با منطقه بدون حقوق گمرکی یا کنترل‌های واردات یا صادرات تجارت کنند.

منافع بنادر آزاد : الف - از راههای (هوایی، دریائی و زمینی) زیاد، موثر و حیاتی برای بازده بندر و سرمایه گذارهای متفرقه، ب - از انتقال تکنولوژی پ - از استخدام و مشاغل ت - از افزایش درآمدهای بندری و حمل و نقل یا صرفه جویی در هزینه حمل و نقل ج - از درآمدهای ارزی به علت پرداخت سرمایه‌گذارانها، دستمزدها در بندر و حمل و نقل به ارز خارجی ج - از درآمدهای ناشی از انبارداری موقت.

منافع کشور دارای بندر آزاد، به طور وسیعی وابسته به نوع فعالیتهای بندر یا منطقه تجارت آزاد است اما معمولاً، ۵۰٪ تا ۸۰٪ از ۷۰٪ قیمت تمام شده کالا منفعت برای کشورهای دارنده بنادر آزاد باقی می‌ماند. به کلامی دیگر، یک بندر آزاد با ۱۰ میلیون دلار واردات، معمولاً ۵/۶ - ۳/۵ میلیون دلار به اقتصاد کشور میزبان کمک می‌کند.

مشاغل موجود در مناطق آزاد بندری : انواع صناعی که در مناطق آزاد بندری معمولاً وجود دارد به شرح زیر می‌باشد :

۱ - صناعی که در ساخت آنها کارگر زیاد لازم است.

۲ - صنایع مونتاژ و یا بسته بندی کالاها.

۳ - صناعی که مواد اولیه محصولات آنها از مناطق دوردست وارد می‌شود.

کارخانجات مهم بنادر آزاد عبارتند از :

۱ - کارخانجات مونتاژ وسایل الکتریکی و الکترونیکی.

۲ - کارخانجات ساخت جرثقیل، ماشین آلات خاک برداری، تجهیزات جابجائی مواد.

۳ - کارخانجات تهیه مواد غذایی.

۴ - کارخانجات کنسروسازی.

۵ - کارخانجات قایقهای تفریحی.

۶ - کارخانجات ساخت وسایل ورزشی.

۷ - کارخانجات ساخت ملزومات تحقیقاتی دریائی.

۸ - کارخانجات ساخت اثاثیه و صنایع چوبی.

۹ - کارخانجات بافت البسه.

فعالیتهای عمده صنعتی بندر آزاد: مونتاژ و ساخت وسایل الکتریکی و الکترونیکی، مونتاژ و ساخت کامپیوتر، مونتاژ و ساخت ابزار دقیق، مونتاژ و ساخت دستگاههای گیرنده و فرستنده، مونتاژ و ساخت وسایل مخابراتی، ساخت کفش و کالاهای چرمی، بافت پوشاک، مونتاژ و ساخت موتورهای دیزلی و گازی، ساخت اسباب بازی، تهیه نیازمندیهای داروئی، ساخت لوازم آرایش، ساخت ظروف آشپزخانه، ساخت لوازم مهندسی و پزشکی و آتش نشانی، ساخت کالاهای پلاستیکی، ساخت لوازم مربوط به چاپ، ساخت لوازم اداری، ساخت دوربین عکاسی و لوازم بصری، ساخت لوازم موسیقی، ساخت دوچرخه و موتورسیکلت، بافت منسوجات، ساخت مواد شیمیائی ویژه، ساخت ابزار ماشین آلات، ساخت تجهیزات دریانوردی، ساخت تجهیزات متفرقه.

بنادر آزاد به توسعه صنایع مدرن صادراتی در کشورهای سنگاپور،

کره، تایوان، ایرلند، مالزی، مکزیک، سریلانکا و هنگ کنگ کمکهای شایانی کرده است. بنادر و مناطق آزاد تجارت، از تعدادی چند در ۲۵ سال گذشته تا حدود ۳۰۰ بندر و منطقه آزاد تجارت در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است.

### ژاپن و الگوی جهان سوم:

دکتر نسرین حکمی، کیهان فرهنگی، سال دوم، اسفند ماه ۱۳۶۴ علت چیست که ملتی ظرف ۴۰ سال به دومین قدرت صنعتی جهان بدل می شود و درآمد ملی ناخالص سرانه اش در سال ۱۹۸۳ به ۹۷۱۷ دلار بالغ می شود و بازارهای جهانی را قبضه کالاهای صنعتی خود می کند، در حالی که عمده مواد اولیه صنعتی و سوختی را از خارج وارد می کند. یک ملت چه خصوصیات و روحیاتی باید داشته باشد که فقط ۵/۳٪ زمین از کل مساحت کره خاک و با در اختیار داشتن ۲/۵٪ از کل جمعیت جهان، ۱۰٪ کل تولید ناخالص ملی جهان را بخود اختصاص می دهد.

به نظر من این پیشرفت سریع و حیرت انگیز، مادی نیست که باید آن را ( معجزه ژاپن ) خواند چه این یکی از ابعاد و معلولهای آن معجزه اصلی است که در این کشور دیده می شود. به گمان من، معجزه اصیل ژاپن در این است که ملتی درهم شکسته، بدون تخریب آن معیارها و سنتهای که او را به شکست کامل جنگ دوم جهانی رسانده و براساس همان ارزشهای قدیمی به چنین تحول و پیشرفتی دست یافته و روح تازه در کالبد خود دمیده و جامعه ای متعصب و خرافاتی را به جامعه ای زنده، پویا و پرتحرک تبدیل کرده است. این ملت با همان آداب و رسوم نفوذ ناپذیر فردی و حفظ هویت خاص و روابط ویژه اجتماعی، درها را به روی فرهنگ، صنعت و تکنولوژی غرب گشودند و آگاهانه آنچه نیاز داشتند برگرفتند و آنچه با هویت و اصالت فرهنگیشان نامتناسب بود با آرامش و صبر به کناری نهادند. به قول آقای کورود، استاد دانشگاه بین المللی ژاپن و رئیس مرکز تحقیقات خاورمیانه که مسلمان هم شده است: « ژاپنی ها مثل صدف عمل می کنند. با دهان گشوده، همه چیز را می بلعند اما روزی این صدف بسته می شود و از آنچه به کارشان می آید گوهری می سازند که ویژگی ژاپنی دارد ...»

در ژاپن، نهادهای اجتماعی سنتی - مثل خانواده، مذهب، هنرها و رسوم ملی و اعیاد، کارناوالها، رقصها، موسیقی و ... با مراقبتی آگاهانه حفظ می شوند. هر فرد ژاپنی، آگاهانه خود را سلولی از بدن اجتماعی می بیند و رفتارهای خود را به تناسب اصول اجتماعی و با رعایت حقوق جامعه انجام می دهد. وی هویت و اصالت خویش را در هویت و اصالت جامعه می جوید و گرایش او به این نیست که فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشد.

عامل امنیت و آرامش نسبی زندگی اجتماعی به اضافه عوامل مراقبتها و پیشرفتهای پزشکی و نیز نوع تغذیه و علاقه مردم ژاپن

به حفظ سلامت خود و ورزش بسیار که در این جامعه یک سرگرمی عمومی است سبب شده است که علیرغم فشار جو زندگی صنعتی و ماشینی، سن متوسط جامعه ژاپن به بالاترین حد در جهان برسد که در جدول زیر می آید:

کشور	سال	مرد	زن
ژاپن	۱۹۸۴	۷۴/۵۴	۸۰/۱۸
ایسلند	۱۹۸۱ - ۸۲	۷۳/۹۱	۷۹/۴۵
نروژ	۱۹۸۱ - ۸۲	۷۲/۶۴	۷۹/۴۱
سوئد	۱۹۸۳	۷۳/۶۲	۷۹/۶۱
ایالات متحده	۱۹۸۳	۷۱/۶۰	۷۸/۸۰
فرانسه	۱۹۸۲	۷۰/۷۳	۷۸/۸۵
انگلیس	۱۹۸۰ - ۸۲	۷۱/۰۹	۷۷/۱۱
آلمان غربی	۱۹۸۱ - ۸۳	۷۰/۴۶	۷۷/۰۹

### چرخ شیر - يك تحول تکنیکی:

دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوم سال هفدهم، تابستان ۱۳۶۳، ص ۲۶۶ - ۲۲۱

خلاصه: تا گذشته چندان دور، دامداران شمال خراسان با روشهای کاملاً سنتی از طریق تلم زدن، از شیر دامهای خود کره می گرفتند. روشهای سنتی که متکی به نیروی کار زیاد زنان و سوخت فراوان بود تأثیر مهمی در عدم سلامت زنان و انهدام جنگلها داشته است ولی با بکارگیری چرخ شیر (از حدود ۲۰ سال پیش) که وسیله ای است ساده و با دست کار می کند، ارزان قیمت و قابل حمل و نقل می باشد، تحول مهمی در زندگی اجتماعی و اقتصادی دامداران ایجاد گردیده است.

این چرخ اثر مهمی در کاهش میزان سوخت و در نتیجه در بهبود وضع پوشش نباتی و یا حداقل در جلوگیری از انهدام بیش از پیش آن داشته است. چون از کار زنها بسیار کاسته است در سلامتی آنها مؤثر بوده، در کاهش تعدد زوجات نیز تأثیر بزرگی داشته و موجب گردیده که زنها وقت اضافی خود را به کارهای دیگر مثل صنایع دستی اختصاص دهند. بکارگیری این چرخ موجب کاهش برخی تولیدات لینی مثل کشک، قره قوروت، دوغ، ماستینه و حتی پنیر گردیده و در عوض باعث افزایش تولید کره و روغن زرد شده و در نهایت درآمد خانوارهای دامدار را افزایش داده است. در افزایش مصرف نوشابه های غیر الکلی در دهات نقش مهمی ایفا کرده، در کاهش تعداد حیوانات بارکش به ویژه الاغ مؤثر بوده و مهاجرت کوچ نشینان فقیر را به شهرها سرعت بخشیده است.

## مقالات جغرافیائی از مجلات جغرافیائی جهان

در هر شماره از نشریه رشد آموزش جغرافیا ،  
فشرده‌یی از مقالات معتبرترین مجلات  
جغرافیایی جهان درج می‌شود. گوش ما بر  
این است که در این بخش از نشریه ، آخرین  
اطلاعات و تحقیقات جغرافیایی را به اطلاع  
علاقه مندان برسد .

تهیه و تنظیم از : دکتر حسین شکوئی



### بزرگترین بخش زاغه نشین جهان (۱)

« زندگی در زاغه‌ها مثل سم تدریجی می‌باشد .. »  
از گفته‌های یک نجار زاغه نشین

می‌کشد. اگر مقداری سیزی موجود باشد برای نهار سوپ سیزی تهیه می‌کنند به هنگام مراجعت از کار روزانه، حصیر کهنه را کف اطاق پهن می‌کنند و با تکه نانی سوپ سیزی (آب و سیزی) صرف می‌شود. از ناراحتیهای عمده زاغه نشینان، توهین و تحقیری است که شهروندان بمبئی بر آنها روا می‌دارند. مهاتما گاندی با مشاهده این وضع غیر انسانی، کودکان زاغه‌ها را (کودکان خدا) نامید و همواره به مردم شهرها توصیه می‌کرد که از این کودکان خدا مواظبت لازم بعمل آورند.

برخی از زاغه‌نشینان بمبئی با گذشت سالیان دراز، به ویژه آنها که در شهر زاده شده‌اند به مشاغلی مثل امور دفتری، اداری، رانندگی تاکسی و وانت و حتی به ایجاد بناگاهها و مغازه‌های کوچکی دست یافته‌اند که در داخل بخش زاغه نشین فعالیت می‌کنند. با وجود این، انتقال محل زندگی از زاغه‌ها به سایر نقاط شهر برای آنها نیز غیر قابل تصور می‌باشد.

دولت هند، بعد از سالیان دراز که تخریب زاغه‌ها را با تفنگ عملی می‌ساخت به این نتیجه رسیده است که با مسئله زاغه‌ها نمی‌توان تنها با تخریب آنها به مبارزه پرداخت و تخریب زاغه‌ها نمی‌تواند از رشد و توسعه آنها جلوگیری کند. این مشکل، مشکل فقر روستاها و شهرهاست و لازم است با آن ریشه‌ای برخورد شود.

### فقیران و ثروتمندان جهان (۲)

در دنیای ما، ۳۲ کشور در ردیف فقیرترین کشورهای جهان قرار می‌گیرند. حد متوسط درآمد سرانه این کشورها از ۲۷۰ دلار تجاوز نمی‌کند. تا ۵۰ سال پیش گفته می‌شد که در فقیرترین کشورهای جهان در حدود ۲۰۱۶۴ میلیون نفر زندگی می‌کنند. به سخن ساده، ۵۴٪ کل جمعیت دنیا در فقیرترین کشورها اقامت دارند.

شهر بمبئی ۸ میلیون نفر جمعیت دارد که ۴ میلیون نفر آن در زاغه‌های شهری زندگی می‌کنند. در اینجا حتی بهترین زاغه‌ها نیز غیر بهداشتی می‌باشد. زیاله‌ها بدون کنترل در همه جا انباشه می‌شود. توالتهای عمومی از نظر انتشار امراض به صورت برگزاری عمل می‌کند، هزاران زنده پوش کم غذا در هم می‌لولند خانواده‌ها گاهی تنها از طریق یک قطعه چوب، یک تخته یا آهن پاره و حتی با آویختن لباس مندرس از یکدیگر جدا گشته‌اند. امراض سخت در همان لحظات اولیه به سرعت همه جار می‌پوشاند، وارد زاغه‌ها می‌شود و بیشتر زاغه نشینان را مبتلا می‌سازد. آتش سوزیهای مهیب نیز چنین عمل می‌کند. سرایت آتش در دقائق اولیه، از هزاران زاغه اثری باقی نمی‌گذارد.

سرمایه، هزاران خانواده روستائی فاقد زمین به شهر می‌آیند تا در مشاغل روزمره و اتفاقی مثل باربری، کارگری، جمع‌آوری تکه‌های کاغذ و بخریهای خالی روز را به شب برسانند. عده‌ای از مهاجرین روستائی نیز تنها از طریق گدایی امرار معاش می‌کنند چون ضعف بدنی اجازه هیچ کاری به آنها نمی‌دهد. عده‌ای از مهاجرین روستائی، هیچ شانس در انتخاب مسکن نه در شهر بلکه در بخش زاغه نشین شهر نیز پیدا نمی‌کنند. در نتیجه از روی ناچاری به پیاده‌روها پناه می‌برند و شاید همه عمر خود را در پیاده‌روها بپایان می‌سانند. زندگی روزانه در زاغه‌های بمبئی تقریباً "از ساعت ۶ صبح آغاز می‌شود، تهیه چهار سطل آب مصرفی ۴۰ دقیقه طول



بعد، عنوان مگالاپلیس، با گستردگی بیشتری وارد ادبیات جغرافیای شهری می‌گردد و تحقیقات زیادی در زمینه مگالاپلیسهای دنیا صورت می‌گیرد.

ژان گوتن، یکی از پرتلاشترین جغرافیدانان جهان بشمار می‌رود. این دانشمند به همان میزانی که در شهر آکسفورد زندگی می‌کرده همان میزان نیز در سائوپولو، توکیو، واشنگتن، آمستردام و پاریس به تحقیق و مطالعه اشتغال داشت. به سخن ساده، همیشه در حال مسافرت علمی و تحقیقات جغرافیائی بود. از این رو، بررسیهای جغرافیائی او در زمینه دوره فراصنعتی اروپای غربی و امریکای شمالی، زندگی شهری در اروپا، ژاپن، امریکا و بریتانیا، همواره از اسناد معتبر جغرافیائی در عصر ما بشمار خواهد رفت.

### خطوط ساحلی و ایزوستازی (۵)

کتاب پر ارزش (خطوط ساحلی و ایزوستازی) که یک مجموعه میان رشته‌ای شناخته می‌شود با شرکت ۱۸ تن از جغرافیدانان، زمین‌شناسان، زیست‌شناسان و سایر محققین علوم محیطی در ۳۸۷ صفحه و به بهای ۵۵ دلار به بازار دانش جغرافیا عرضه شده است. به نظر جغرافیدانان متخصص، این کتاب آخرین تحقیقات علمی را در رشته مورد نظر مطرح می‌سازد و هر فصل آن نیز با غنی‌ترین منابع، مآخذ، عکسهای جغرافیائی، نقشه‌ها و دیاگرامها، زینت علمی یافته است.

به نظر منتقدین و دانشمندان جغرافیا، کتاب خطوط ساحلی و ایزوستازی، در ردیف کتابهایی است که سالیان دراز مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. از این رو، بعد از انتشار، تحسین و تریک بسیاری از جغرافیدانان را به همراه داشته است.

### منابع

- 1- Anne Charnock - " Slum Dwellers Unite ".  
The Geographical Magazine - October, -  
1985, PP. 560 - 563.
- 2- People. Volume 12, Number 3, 1985
- 3- R. Robert Linowes. DonT. Allensworth. The  
Politics of Land use. Praeger Publishers.  
London, 1975, PP. 149 - 150.
- 4- Progress in Human Geography. Edward Ar -  
nold. Volume 9, Number 2, 1985.  
The Professional Geographer. Volume 37,-  
Number 1, 1985
- 5- Shorelines and Isostasy. Edited by D.E.-  
Smith and A.G. Dawson. London. Academic  
Press for British Geomorphological Res -  
earch Group . 1983.

در برابر فقیرترین کشورها، ۳۸ کشور در ردیف ثروتمندترین کشورهای جهان قرار می‌گیرند که درآمد سرانه شان از ۱۱،۳۹۰ دلار تجاوز می‌کند یعنی درآمد سرانه ثروتمندترین کشورها، ۴۲ برابر درآمد سرانه فقیرترین کشورها می‌باشد (۱۹۸۲). در حالی که کشورهای ثروتمند، تنها ۱۸٪ جمعیت دنیا را در خود جای داده‌اند. این قبیل کشورها، ۷۷٪ کل درآمد را بخود اختصاص داده‌اند و با شتاب سرسام آوری به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهند.

### تشکیل دادگاههای جغرافیائی و اکولوژیکی (۳)

به سبب آلودگیهای محیط زیست انسان و سیاستهای غیر منطقی عده‌ای از برنامه ریزان که در گسترش بی عدالتیها و عدم رعایت حقوق گروههای مختلف جامعه در امر توسعه اثرات زیانبخشی داشته است برخی از محققین پیشنهاد می‌کنند که در جهت جلوگیری از نابودی محیط زیست انسان و تشدید بی عدالتیها، دادگاههای ویژه جغرافیائی و اکولوژیکی تشکیل گردد و این دادگاهها به صورت یک نهاد دولتی و قضائی عمل کنند. دادگاههای جغرافیائی و اکولوژیکی، بر همه طرحها و برنامه ریزیها در سطوح محلی، استانی و کشوری حق نظارت و بازنگری خواهند داشت و حتی در مورد کاربری زمین بیشتر روی منافع عمومی تأکید خواهند کرد. این دادگاهها، در زمینه استراتژی توسعه در سطوح کشوری و سیاست برنامه ریزی نیز نظارت کامل اعمال می‌کنند.

دادگاههای جغرافیائی و اکولوژیکی، از متخصصین رشته‌های مختلف علمی از آن جمله: جغرافیدانان، هیدرولوژیستها، جامعه‌شناسان، برنامه ریزان، معماران، زمین‌شناسان، حقوقدانان و مهندسين تشکیل می‌شود و در زمینه کنترل محیط زیست در جهت تأمین منافع عمومی، وظیفه و عملکرد قانونی و قضائی خواهند داشت.

### ژان گوتن و فعالیت‌های علمی او (۴)

اخیراً، ژان گوتن، مدیر گروه جغرافیای دانشگاه آکسفورد انگلستان، بعد از ۵۰ سال فعالیت علمی بازنشسته شد. ژان گوتن، فعالیت‌های علمی خود را در سال ۱۹۳۷، از دانشگاه سوربن پاریس شروع کرد و در مدت نیم قرن، استاد و یا مدیر گروه جغرافیا در دانشگاههای فرانسه، امریکا و انگلیس بود. فهرست تحقیقات، مقالات و کتابهای او از ۳۰۰ عنوان تجاوز می‌کند. به افتخار بازنشستگی گوتن، مجموعه‌ای از مقالات به وسیله جغرافیدانان برجسته، تحت عنوان (توسعه شهری) منتشر گردید و در آن، مشخصات عمومی شهرنشینی در ۲۰۰ سال گذشته مورد بحث قرار گرفته است.

در سال ۱۹۶۱، ژان گوتن، نوشته تحقیقی خود را تحت عنوان (مگالاپلیس) منتشر ساخت که در آن مگالاپلیس شرق امریکا، با عمق نگرانی علمی و جغرافیائی مطالعه شده بود. از آن زمان به

# کتابهای تازه

## جغرافیای خاکها

تألیف دکتر پرویز کردوانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم با تجدید نظر، (۱۳۶۴)، ۴۱۹ ص، بها ۵۴۰ ریال

مؤلف در مقدمه چاپ سوم کتاب چنین می‌نویسد: مباحث جدید که در چاپ سوم اضافه و درباره آنها به تفصیل بیشتری صحبت شده است عبارتند از: اثر باد در تخریب فیزیکی سنگ، روشهای اندازه‌گیری قطر خاکدانه‌ها یا شناسایی، بافت و نوع خاک، خواص انواع صم خاک (رس، ماسه، لیمون)، اصلاح انواع خاکها، استفاده از انواع خاکها در کشاورزی، شرایط زندگی، تعداد و پراکندگی موجودات خاک‌زی، هوای خاک، طبقه بندی خاک، طبقه بندی خاک به روش جدید، مطالب جدید درباره شناسایی خاک در ایران و خاکهای ایران.

فهرست مندرجات کتاب عبارت است از:

بخش اول، جغرافیای عمومی خاکها (خاکشناسی و قوانین تشکیل خاک در نقاط مختلف جهان)، فصل اول - مواد تشکیل دهنده



کتابخانه ملی و اسناد ایران  
۱۳۷۷

جغرافیای خاکها

تألیف  
دکتر پرویز کردوانی



خاک و اهمیت آنها، فصل دوم - خواص خاک، فصل سوم - تکامل و طبقه بندی خاک، فصل چهارم - تپه‌های خاک مناطق مختلف جغرافیایی جهان، فصل پنجم - تغییرات و فرسایش، بخش دوم، جغرافیای ناحیه‌های خاکها، فصل ششم - خاکهای اروپا، فصل هفتم - خاکهای اتحاد شوروی و آسیا، مبحث دوم - خاکهای ایران، فصل هشتم - خاکهای آمریکای شمالی، فصل نهم - خاکهای آفریقا، فصل دهم - خاکهای استرالیا و آمریکای جنوبی، فصل یازدهم - پیوستها.

## جغرافیای شهرستان میانه

تألیف سید رحیم طاهری، ناشر، انتشارات چاپ سید - میانه، ۲۶۱ ص، بها ۴۰۰ ریال.

در مقدمه این کتاب چنین آمده است: هدف از آموزش جغرافیای محلی، برانگیختن حس کنجکاوی دانش آموزان به منظور مشاهده دقیق و تقویت منطقی و علمی در آنها است تا بتوانند درباره پدیده‌های جغرافیایی محیط زیست پیرامون خود تحقیق و مطالعه کنند و عمل و چگونگی مسائل موجود در آن را به درستی درک نمایند.

این کتاب شامل چهارده فصل است که در فصول آن به ترتیب مطالب ذیل آمده است:

فصل اول: موقعیت شهرستان میانه و حدود جغرافیایی و شکل هندسی و حدود شهرمیانه و وجه تسمیه و قدمت شهر، فصل دوم: ویژگیهای طبیعی، فصل سوم: شناسایی دره قزل اوزن و وجه تسمیه قزل اوزن و رودخانه‌های شهرستان میانه، فصل چهارم: آب و هوای شهرستان میانه، فصل پنجم: آب و آبیاری در میانه، فصل ششم: کشاورزی و پوشش نباتی، فصل هفتم: دامپروری، فصل هشتم: صنعت و معدن، فصل نهم: جمعیت و جغرافیای

## ترکیه

از سری انتشارات « بررسی مسائل کشورها » مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، قطع ۳۰x۲۱، تعداد صفحه ۵۴۹، تاریخ انتشار، دی ماه ۱۳۶۴

کتاب ترکیه در ۹ فصل و ۴ ضمیمه تنظیم گردیده است. فصول این کتاب به ترتیب عبارتند از:

اطلاعات عمومی که شامل جغرافیای طبیعی و انسانی و ... می‌گردد، وضعیت سیاسی، وضعیت نظامی، وضعیت انرژی، وضعیت اقتصادی، روابط سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با ترکیه، روابط نظامی جمهوری اسلامی ایران با ترکیه، روابط جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکیه در بخش انرژی و روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با ترکیه.

ضمائم کتاب به ترتیب شامل:

موافقت نامه حمل و نقل بین المللی جاده‌ای بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه، سازمان همکاری عمیران منطقه‌ای R.C.D، موافقت نامه همکاریهای فنی صنعتی و اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و قانون اساسی جمهوری ترکیه می‌باشد.

## نشریه جنگل و مرتع

شماره‌های اول و دوم مجله علمی - تخصصی « جنگل و مرتع » نشریه سازمان جنگلها و مراتع کشور منتشر شد. مطالب شماره اول شامل سر مقاله، پیام نخست وزیر، و مقالات متنوع در زمینه جنگل، مرتع، مراحل تخریب خاک، نظری در باب کویرزائی، رویدادها و اخبار بود.

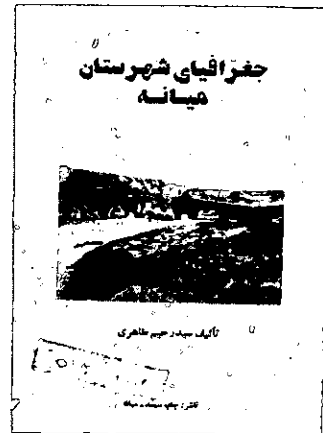
این مجله قلمرو فعالیت خویش را چنین بیان داشته است:

« جنگل و مرتع نشریه‌ای است در زمینه منابع طبیعی تجدید شونده (جنگل، مرتع، خاک) با دامنه وسیع و در رابطه نزدیکی که شناخت، حفظ و توسعه این منابع با حیات امروز و فردای افراد و نسلهای جامعه دارد، امیدواریم همه علاقمندان و دوستداران این سرزمین الهی ما را در رسیدن به هدف یاری نمایند ».

شماره دوم مجله مذکور در بهار ۱۳۶۵ منتشر شد و شامل مقالاتی درباره مرگ کوهها، تلفیق کشاورزی با جنگلکاری، معرفی گونه، سرو سیمین، نقش حفاظت خاک در حفظ و افزایش تولید اراضی، ادامه مقالات حفاظت خاک، نظری در باب کویر زائی، نظری بر طرح جامع مقدماتی جنگل‌های شمال ایران، اطلاعاتی در زمینه بهره‌برداری از سقر و رویدادها و اخبار می‌باشد.

انتشار مجله جنگل و مرتع خلاصه موجود در این زمینه علمی را بخوبی پر می‌کند و با توجه به زمینه‌های فعالیت آن می‌تواند برای علاقمندان مسائل جغرافیایی مجله‌ای سودمند باشد.

تاریخی و علل مهاجرت روستائیان، فصل دهم: وضعیت ارتباطی، فصل یازدهم: تاریخچه فرهنگ شهرستان میانه، فصل دوازدهم: آثار باستانی شهر، فصل سیزدهم: انواع خاکها و آبهای معدنی میانه، فصل چهاردهم: شناسنامه روستاهای میانه.



## فرهنگ و اصطلاحات جغرافیائی

از انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ترجمه و تألیف اسماعیل عاشوری، ۱۰۰۰ صفحه، بها ۱۵۰۰ ریال.

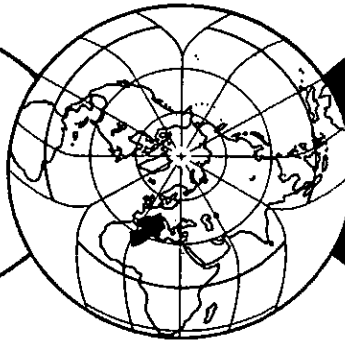
در مقدمه‌ای که توسط کمیته جغرافیای جهاد دانشگاهی بر کتاب نوشته شده آمده است: بدون شک جغرافیا در مفهوم وسیع آن، یکی از دانشهایی است که پس از انقلاب از رشد کمی و بویژه کیفیت وسیعی برخوردار شده است. جغرافیا که تا چندی قبل جز در محدوده برخی اسامی خاص و مقداری محفوظات و یا بحثهای آکادمیک خشک خلاصه نمی‌شد، حصار تنگ خود را شکافت و تحولی عمیق در مباحث نظری و عملی آن در تمام سطوح روی داد و بدین سان به رشته‌ای زنده، فعال و کارآمد تبدیل شد و توانست بخش وسیعی از مطالب رسانه‌های گروهی و وسائل اشاعه فرهنگ را به جانب موضوعات و مباحث متنوع سوق دهد.

اینک جغرافیا که زمانی در حوزه برنامه‌های استعماری غرب برای کشف مناطق مختلف جهان و استثمار آنها قرار داشت، به برکت انقلاب اسلامی به حربه‌ای دردست عالمان و متعلمان متعهد مسلمان تبدیل شده است که بوسیله آن از یک سو نسبت به موقعیت خویش و از سوئی نسبت به جهان استکباری پیرامون خود شناخت پیدا کرده تا بتواند ضربات دائمی و پیوسته خود را هرچه دقیق تر و قاطع تر بر امپریالیسم جهان‌خوار و عوامل گوناگون آن وارد و زمینه انهدام نظم ظالمانه موجود و برپائی حکومت قسط و عدل جهانی را آماده سازند.

با اینکه این کتاب فرهنگ و اصطلاحات جغرافیائی است و بیشتر به اصطلاحات زمین شناسی و جغرافیائی پرداخته که امید است در آینده در زمینه جغرافیای انسانی قدمهایی برداشته شود.

# آلمان غربی

مؤسسه گیتاشناسی



# آشنائی با کشورهای جهان

تهیه و تنظیم: سعید بختیاری

نام رسمی: جمهوری فدرال آلمان

نام بین المللی: وست جرمنی WEST GERMANY

نام محلی: وست دویچلاند WEST DEUTSCHLAND

نام فدرالی: پروس

آلمان غربی با ۲۴۸۰۶۴۵ کیلومترمربع وسعت در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در مرکز اروپا قرار دارد. با کشورهای دانمارک از شمال، هلند و بلژیک و لوگزامبورگ و فرانسه از غرب، سوئیس و اتریش و چکسلواکی و آلمان شرقی از شرق همسایه است. قسمت اعظم آلمان غربی را جلگه‌ها و نواحی کم ارتفاع در شمال شامل می‌شوند و کوهها بیشتر در نواحی مرکزی و جنوبی واقع شده‌اند. مهم‌ترین رشته کوههای آلمان عبارتند از: هارتس (هارتز)، تورینگر والد، بوهمروالد و شوارتزوالد (جنگلهای سیاه). رودهای مهم آن اکثراً قابل کشتیرانی می‌باشند و مهم‌ترینشان عبارتند از: راین، الب (السه)، ماین، امس، موزل و وزر (به دریای شمال) رود دانوب (دوناو) پس از گذشتن از اتریش، مجارستان، یوگسلاوی، بلغارستان و رومانی به دریای سیاه می‌ریزد. طول‌ترین رودهای آن عبارتند از: دانوب (۲۸۵۰)، راین (۱۲۳۶) و الب (۱۱۶۵ کیلومتر) مرتفع‌ترین نقطه آلمان قله تسوگ اشپیته (۲۹۶۳ متر)، بزرگترین جزیره آن فمارن (۱۸۴ کیلومترمربع) و وسیع‌ترین دریاچه آن، بودن (۵۴۴ کیلومترمربع) می‌باشد آب و هوا در اکثر نقاط آلمان معتدل و مرطوب است. ۲۹٪ خاک آلمان را جنگل پوشانده است.

جمعیت آن در سال ۱۹۸۵ میلادی بالغ بر ۶۱۰۵۷۴۰۴۴۶ نفر بوده و تراکم جمعیت ۲۴۵ نفر در کیلومترمربع می‌باشد. ۸۴/۷٪ مردم کشور ساکن شهرها و ۱۵/۳٪ ساکن روستاها می‌باشند. پرجمعیت‌ترین شهر آن برلین غربی است.



از لحاظ توزیع سنی: ۱۶/۵٪ جمعیت را افراد کمتر از ۱۵ سال، ۲۴٪ را افراد ۱۵ تا ۲۹ سال، ۲۱٪ جمعیت بین ۳۰ تا ۴۴ سال، ۱۸/۶٪ بین ۴۵ تا ۵۹ سال، ۱۳/۶٪ افراد جمعیت را ۶۰ تا ۷۴ سال و همچنین ۶/۳٪ افراد را ۷۵ سال به بالا تشکیل داده و متوسط عمر مردان ۷۰/۲ سال و زنان ۷۶/۹ سال می‌باشد. میزان تولد ۹/۷ در هزار، میزان مرگ و میر ۱۱/۷ در هزار و رشد سالیانه

جمعیت ۲/۵ - % می باشد . میزان مرگ و میر کودکان نیز ۱۳/۵ نفر در هر هزار نوزاد می باشد .

از کل جمعیت کشور آلمان ۴۷/۸۰% را مردان و ۵۲/۲۰% را زنان تشکیل می دهد . کل تعداد خانواده های متشکله در کشور آلمان غربی ۲۵۰۳۳۶۰۰۰۰ خانواده بوده که ۳۱/۳% آن را خانواده های یک نفری ، ۲۸/۷% خانواده های دو نفری ، ۱۷/۷% خانواده های سه نفری ، ۱۴/۳% خانواده های چهار نفری و ۸% را خانواده های پنج نفری و یا بیشتر تشکیل داده اند . تعداد ۴۲۰۰۷۵۴ نفر در سال ۱۹۸۲ به کشور آلمان مهاجرت نموده اند که ۱۴% از لهستان ، ۱۰/۴% ایتالیا ، ۱۰/۳% ترکیه ، ۵/۴% یوگسلاوی ، ۵/۳% آمریکا ، ۴/۴% اتریش ، ۴/۱% انگلیس ، ۳/۷% رومانی ، ۳/۷% آلمان شرقی . ترکیب نژادی : نژاد مردم اکثرا " سفید و از تیره ژرمن است که ۹۲/۵% آلمانی ، ۲/۵% ترک ، ۱% یوگسلاوی ، ۰/۹% ایتالیایی ، ۰/۵% یونانی ، ۰/۳% اتریشی ، ۰/۳% اسپانیایی ، ۰/۲% هلندی و ۱/۸% بقیه اقوام را تشکیل می دهند . ۹۲/۸% جمعیت پیرو دین مسیح که ۴۶/۷% پروتستان ، ۴۳/۸% کاتولیک رومی ، ۰/۸% کاتولیک وابسته به پاپ ، ۰/۶% ارتدکس یونانی ، ۰/۹% بقیه فرقه های مسیحی ، ۳/۷% بدون مذهب ، ۲/۴% مسلمان ، ۰/۱% کلیمی و ۰/۱% بقیه مذاهب را بوجود می آورند . زبان رسمی و رایج آلمانی است که با خط لاتین نوشته می شود .

پایتخت این کشور شهر بن با ۲۹۴۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده و پرجمعیت ترین شهرها عبارتند از : برلین غربی (۲۰۱۲۲۰۳۴۶ نفر) ، هامبورگ (۱۰۷۹۳۰۸۲۳) ، مونیخ ( موشن ) ( ۱۰۲۹۳۰۵۹۰ ) ، کلن ( ۹۹۵۰۱۳۶ ) ، اسن ( ۷۱۵۰۲۳۷ ) ، فرانکفورت ( ۶۶۹۰۶۳۵ ) ، دوسلدورف ( ۶۶۳۰۵۸۶ ) ، دورتموند ( ۵۹۵۰۲۰۰ ) و اشتوتگارت ( ۵۷۱۰۱۰۰ نفر ) .

بنادر مهم آن عبارتند از : هامبورگ و برمن در سواحل دریای شمال و لوبک در ساحل دریای بالتیک .

حکومت آلمان غربی جمهوری فدرال بوده و رئیس جمهور برزیدنت دکتر ریچارد فون وایتس یسکر متولد ۱۵ آوریل ۱۹۲۰ که وی در ماه مه ۱۹۸۴ بعنوان رئیس جمهور انتخاب گردیده است . نخست وزیر ( صدر اعظم ) دکتر هلموت کهل متولد ۳ آوریل ۱۹۳۰ بوده که در سال ۱۹۸۲ انتخاب شده است .

قوه مقننه از دو مجلس قانونگذاری یکی بنام بوندستاگ ( مجلس شورا ) با ۵۲۰ نماینده ( ۲۲ نماینده از برلین غربی ) که به مدت ۴ سال انتخاب می شوند و دیگری بوند سرات ( مجلس سنا ) با ۴۵ نماینده ( ۴ نماینده از برلین غربی ) که از طرف ایالات انتخاب می شوند .

قانون اساسی موجود در سال ۱۹۴۹ تدوین شده و براساس آخرین تقسیمات کشور آلمان غربی از ۱۱ ایالت تشکیل گردیده که بصورت فدرال اداره شده و مشخصات آنها به این شرح می باشد .

### مشخصات جغرافیائی ایالات آلمان غربی

نام ایالت	مرکز ایالت	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت ایالت
بادن - وورتمبرگ	اشتوتگارت	۳۵۰۷۵۱	۹۰۲۴۳۰۳۰۰
بایرن (باواریا)	مونیخ (موشن)	۷۰۰۵۴۷	۱۰۰۹۶۹۰۵۰۰
برلین غربی	برلین غربی	۴۸۰	۲۰۱۲۲۰۳۴۶
برمن	برمن	۴۰۴	۶۷۶۰۹۰۰
راین لاند - فالتن	ماینز (ماینتس)	۱۹۰۸۲۹	۳۰۶۳۳۰۵۰۰
زارلاند (سار)	ساربروکن (زاربروکن)	۲۰۵۷۰	۱۰۰۵۲۰۸۰۰
شلسویگ - هولشتاین	کیل	۱۵۰۶۹۶	۲۰۶۱۶۰۶۰۰
نوردراین - وست فالن	دوسلدورف	۳۴۰۰۶۷	۱۶۰۸۳۶۰۵۰۰
نیدرزاکسن ( ساکس سفلی )	هانوفر (هانوفر)	۴۷۰۴۲۶	۷۰۲۴۸۰۵۰۰
هامبورگ	هامبورگ	۷۵۲	۱۰۶۰۹۰۵۰۰
هسن	ویسبادن	۲۱۰۱۱۲	۵۰۵۶۵۰۰۰۰

فعالیت احزاب در آلمان غربی آزاد است و احزاب مهم آن عبارتند از : حزب سوسیال دمکرات آلمان به ریاست دکتر ویلی - برانت که مرکز اداری آن در شهر بن می باشد ( ۹۴۱۰۳۰۰ نفر عضو ) ، حزب دمکرات مسیحی به ریاست دکتر هلموت کهل که مرکز اداری این حزب در شهر بن قرار دارد ( ۷۳۴۰۳۰۰ عضو ) ، حزب سوسیال مسیحی که ریاست آن به عهده دکتر فرانس ژوزف اشتراش بوده و مرکز آن در شهر مونیخ می باشد ( ۱۸۲۰۹۰۰ عضو ) ، حزب دمکرات آزاد به ریاست دکتر هانس دیتریش کنشر بوده و مرکز اداری این حزب در شهر بن است ( ۸۴۰۷۰۰ عضو ) ، حزب سبزه ها که مرکز آن در شهر بن بوده و دارای ( ۳۰۰۰۰۰ نفر عضو ) می باشد .

آلمان غربی در ۲۳ مه ۱۹۴۹ ( روز ملی ) مستقل اعلام گردید و در سال ۱۹۷۳ به عضویت سازمان ملل متحد در آمده و علاوه بر آن در سازمانهای زیر نیز عضویت دارد :

بانک توسعه آسیا - شورای همکاری گمرکی - کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا - سازمان خواربار و کشاورزی ملل

متحد - موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت - بانک جهانی - انجمن بین المللی توسعه - بانک عمران امریکا - صندوق بین المللی توسعه کشاورزی - بنگاه مالی بین المللی - سازمان بین المللی کار - صندوق بین المللی پول - سازمان پیمان آتلانتیک شمالی - سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی ملل متحد - سازمان توسعه صنعتی ملل متحد - اتحادیه جهانی پست - اتحادیه اروپای غربی - سازمان جهانی بهداشت - سازمان جهانی هواشناسی - سیستم پولی اروپا - جامعه اروپا ( جوامع اروپائی ) - سازمان بین المللی هواپیمائی کشوری - اتحادیه بین المجالس - سازمان مشورتی دریائی بین الدول .

مهمترین صنایع کشور عبارتند از : ماشین آلات ، مواد شیمیائی ، آهن و فولاد ، کشتی سازی ، اتومبیل سازی ، مواد غذایی ، وسائل مهندسی ، وسائل الکتریکی .

محصولات عمده کشاورزی آن شامل سیب زمینی ، چغندر قند و حبوبات می باشد . تولید سالیانه گوشت گاو ( ۱۹۸۴ ) ۱/۵ میلیون تن ، گوشت خوک ۳/۲ میلیون تن ، گوشت گوسفند ۲۷۰۰۰۰ تن سید ماهی ۳۱۳۰۰۰۰ تن و گوشت انواع پرند ۳۶۵۰۰۰۰ تن می باشد . تولید سالانه نیروی الکتریسته ۳۷۱ میلیارد کیلووات ساعت بوده است .

مهمترین معادن کشور آلمان غربی عبارتند از : ذغال سنگ ، جیوه ، پتاس ، لیگنیت ( یا ذغال سنگ خام قهوه‌ای رنگ ) ، آهن ، روی ، سرب ، مس ، نمک ، نفت ، گرافیت .

نیروی کار کشور بالغ بر ۲۷۰۴۸۷۰۰۰۰ نفر است . ۶٪ آن در کشاورزی ، ۴۲٪ صنایع و تجارت و ۴۲٪ در خدمات اجتماعی مشغول کار هستند . تعداد ثابت افراد ارتش ۴۹۵۰۰۰۰ نفر می باشد که ۶۷/۸٪ آن در نیروی زمینی ، ۷/۳٪ نیروی دریائی ، ۲۱/۴٪ نیروی هوائی و ۳/۵٪ در بخشهای دیگر نظامی فعالیت دارند .

واحد پول آن مارک ( DM ) = ۱۰۰۰ فنیگ برابر با ۳۴/۸۰ ریال است ( نرخ برابر ارز ۱۳/۱۳/۱۳۶۵ ) هر ۲/۳۵ مارک برابر یک دلار است .

تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۳ ( ۶۲۵/۹ ) میلیارد دلار بوده ( درآمد سرانه ۱۰/۱۷۱ دلار برای هر نفر ) .

واردات آلمان غربی در سال ( ۱۹۸۱ ) ۳۶۹۰۱۷۹۰ میلیارد مارک آلمان بوده که شامل : ۲۴/۳٪ سوخت‌های معدنی ، ۱۹/۷٪ ماشین - آلات و لوازم حمل و نقل ، ۴/۳٪ وسیله نقلیه موتوری ، ۳/۳٪ ماشین - آلات برقی ، ۱/۱٪ تولیدات اصلی ، ۳/۳٪ منسوجات نخی بافندگی و پارچه ، ۳/۳٪ آهن و فولاد ، ۱۱/۲٪ اجناس کارخانه‌ای متفرقه ، ۴/۴٪ پوشاک و لوازم یدکی بوده که از کشورهای فوق وارد آلمان گردیده است . ۱۲/۱٪ هلند ، ۱۱٪ فرانسه ، ۷/۷٪ امریکا ، ۷/۵٪ ایتالیا ، ۷/۵٪ انگلستان ، ۶/۷٪ بلژیک و لوکزامبورگ و ۳/۹٪ عربستان سعودی .

صادرات در سال ۱۹۸۱ ( ۳۹۶۰۸۹۸ ) میلیارد مارک است که شامل : ۶/۴٪ ماشین آلات صنعتی عمومی ، ۶/۳٪ ماشین آلات مخصوص برای صنایع خاص ، ۵/۲٪ ماشین آلات برقی ، ۱۹/۴٪ تولیدات اصلی ، ۵/۹٪ آهن و فولاد ، ۳/۳٪ تولیدات فلزی ، ۱۲/۵٪ مواد شیمیائی ، ۹/۱٪ اجناس کارخانه‌ای متفرقه بوده که اکثراً "به کشورهای فرانسه ۱۳/۱٪ ، هلند ۸/۶٪ ، ایتالیا ۷/۹٪ ، بلژیک و لوکزامبورگ ۷/۲٪ ، امریکا ۶/۶٪ ، انگلستان ۶/۵٪ ، و به سوئیس ۵/۲٪ صادر می شود .

در آلمان غربی در سال ( ۱۹۸۳ ) ، ۴۸۷۰۲۵۱ کیلومتر راه اصلی وجود داشته است . و در همان سال طول راه آهن ۲۸۰۳۳۵ کیلومتر می باشد . در سال ۱۹۸۳ تعداد ۲۴۰۰۰۰۰ اتومبیل سواری و ۱۰۵۰۰۰۰ وسیله نقلیه عمومی مورد استفاده بوده است . همچنین در سال ۱۹۸۲ تعداد ۳۰۷۰۰۰ اتومبیل سواری و ۲۸۶۰۰۰ وسیله نقلیه عمومی تولید شده است .

ارتباطات هوائی داخلی و بین المللی توسط خط هوائی لوفت - هانزا انجام می شود . ۵۱۰۹۹۶۰۰۰۰ میلیون توریست از آلمان غربی در سال ۱۹۸۳ دیدن کرده اند .

قسمتی از ارتباطات توسط دولت کنترل می شود . در سال ۱۹۸۳ تعداد ۲۴۰۳۰۰۰۰ گیرنده رادیویی ( برای هر ۲/۵ نفر یک - رادیو ) و تعداد ۲۱۰۸۳۶۰۰۰۰ گیرنده تلویزیونی ( برای هر ۲/۸ نفر یک تلویزیون ) مورد استفاده بوده و در همین سال ۴۰۶۰۰۰۰۰ رادیو و ۴۰۲۰۰۰۰۰ تلویزیون تولید گردیده است . همچنین ۳۰۰۱۲۲۰۰۲۳ شماره تلفن در سال ۱۹۸۳ بکار رفته است ( برای هر ۲ نفر یک تلفن ) . بطور متوسط ۲۵۰ نشریه روزانه با تیراژهای معادل ۲۵/۹۱۰/۰۰۰ منتشر می شود . مقیاس مورد استفاده سیستم متریک می باشد .

در کشور آلمان غربی تعداد ۷۰۷۰۷۱۰ تخت بیمارستان وجود دارد برای هر ۸۷ نفر یک تخت . تعداد پزشکان ۱۴۶۰۲۲۱ نفر برای هر ۴۲۰ نفر یک پزشک وجود دارد . ( ۱۹۸۳ ) . بیش از ۹۹٪ مردم با سوادند تعداد دانش آموزان ( ابتدائی ، متوسطه ، حرفه‌ای و رشته‌های بالاتر ) ۱۱۰۹۴۳۰۰۴۹ نفر بوده که در ۳۴۰۱۸۲ مدرسه و دبیرستان در حال تحصیل میباشند . تعداد دانشجویان آلمان غربی در سال ( ۱۹۸۵ ) ، ۱۰۳۱۴۰۰۰۰ نفر بوده که ۳۷/۷٪ آن زن و بقیه مرد هستند و از کل دانشجویان تعداد ۷۲۰۰۰۰ نفر آن دانشجوی کشورهای دیگر می باشد .

سرزمینهای دور و سردیک بر مزارش برگزار می‌گردد و این شهر بصورت یکی از مراکز بزرگ جاذب جهانگردی درمی‌آید.

در بخش قلعه، قدیمی این شهر مسجد علاءالدین قرار دارد که در سال ۱۲۲۰ میلادی بفرمان سلطان سلجوقی علاءالدین کیقباد ساخته شد، در یک طرف این مسجد بخش کوچکی از بقایای قصر سلجوقی و مدرسه اسلامی کارائای قرار دارد که اکنون به موزه، سرامیک‌های زیبای عصر سلجوقی مبدل شده است دربخش دیگری از مسجد نیز مدرسه، اینچه مینه رالی واقع شده که درب ورودی طاقی شکل بسیار زیبایی دارد. سایر آثار دوره سلجوقی در شهر قونیه عبارتند از مدرسه سیرچالی و مجموعه صاحب آنا. یک مجموعه دیدنی نیز بنام موزه معماری قونیه در این شهر وجود دارد.

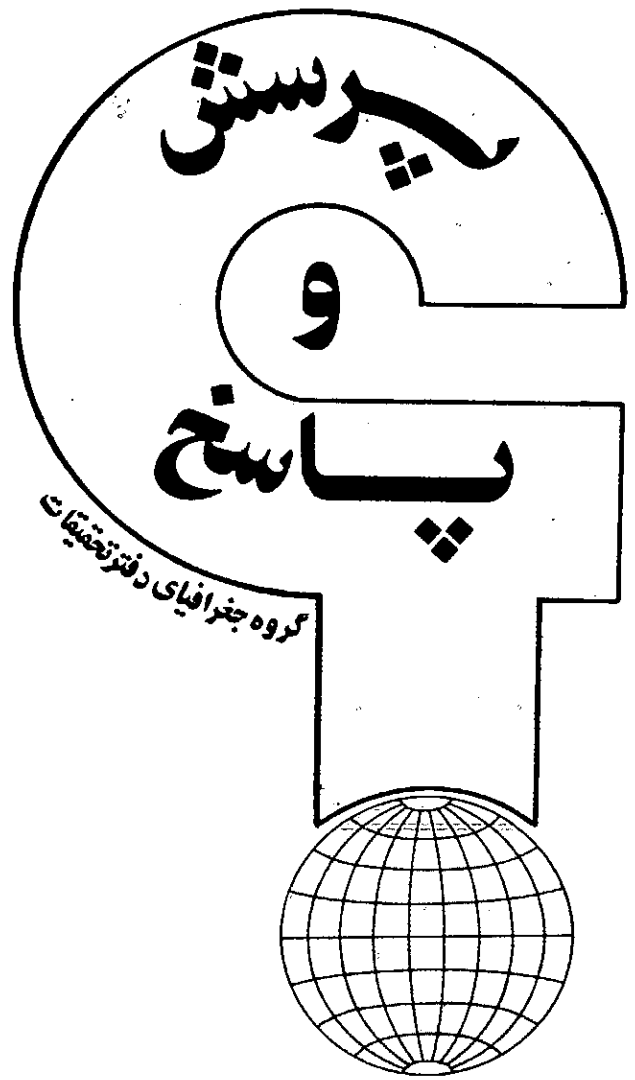
## س - سیسال چیست؟

ج - سیسال الیاف محکمی است که از برگهای نوک تیز، طویل و باریک گیاهی بنام آگاو یا گیاه سیسال بدست می‌آید، این گیاه در اصل از گیاهان بومی مکزیک و آمریکای مرکزی بوده است. طول برگهای این گیاه بین ۴۰ تا ۵۰ اینچ و معمولا " بین دو تا شش سال پس از کشت آماده بهره‌برداری می‌شود، حدود شش تا ده سال این گیاه گل می‌دهد که می‌توان از آن بهره‌برداری کرد. برگهای گیاه توسط ماشین برش داده شده و بصورت الیاف بلند درمی‌آیند، این الیاف پس از شستشو و خشک کردن دسته بندی می‌شوند و از آن برای تهیه پارچه‌های زمخت و یا طناب کشتی استفاده می‌کنند. مهمترین بازار داد و ستد سیسال مکزیکو، هائیتی، افریقای شرقی، هند شرقی و فیلیپین می‌باشد.

## س - علت پائین آمدن دما به هنگام صعود در ارتفاعات چیست؟

ج - معمولا " با افزایش ارتفاع در لایه تروپوسفر، بطور نسبا " منظم با کاهش درجه دما همراه است. البته این پدیده عموما " ندارد و حالتی استثنائی نیز دارد. افزایش ارتفاع در موارد استثنائی باعث افزایش دما می‌شود. این عارضه (کاهش دما در ارتفاعات) در قسمتهای مختلف دنیا مورد مطالعه قرار گرفته است. مثلا " درکوههای آلپ سوئیس در ارتفاع ۵۰۰ متری درجه حرارت متوسط سالانه ۸/۵ درجه سانتی‌گراد در ۲۰۰۰ متر ۱/۹- درجه سانتی‌گراد می‌باشد. بطور معمول برای هر ۱۰۰ متر ارتفاع بین ۵/۵ تا ۵/۶ درجه سانتی‌گراد کاهش دما وجود دارد. شدیدترین کاهش در بهار و تابستان و کمترین آن در زمستان مشاهده می‌شود. در ایران در دو شهر دزفول و شهرکرد که اولی حدود ۱۵۰ متر و دومی ۲۰۶۶ متر از سطح دریا ارتفاع دارند، اختلاف دما در

ادامه " این سؤال در صفحه ۵۳ چاپ شده



## س - علت شهرت قونیه چیست؟

ج - شهر قونیه در ۲۶۳ کیلومتری جنوب آنکارا پایتخت ترکیه قرار دارد. این شهر در عصر رومی‌ها " لکونیوم " نامیده می‌شد، در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی این شهر پایتخت سلجوقیان روم گردید و به یکی از مراکز بزرگ فرهنگی آناتولی تبدیل شد. سبب معروفیت امروزی شهر قونیه آن است که بنای قبه خضرا که مدفن مولانا - جلال الدین محمد مولوی عارف بزرگ قرن هفتم هجری می‌باشد در آن قرار دارد. وی در سال ۶۰۴ ه. ق. در شهر بلخ از شهرهای خراسان بزرگ متولد شد و در پنج سالگی به همراه خانواده‌اش به حلب در سوریه و سپس به قونیه مهاجرت کرد و یکی از مراکز بزرگ علوم اسلامی را در آنجا تشکیل داد و تا پایان عمرش (۶۷۲ ه. ق.) در آن شهر زیست و پیشوای دینی مسلمانان آن دیار بود. وی صاحب آثار معروفی در عرفان اسلامی بنام‌های مثنوی معنوی، غزلیات شمس، رباعیات، فیه مافیه، مکاتیب و مجالس سبعه است. همه ساله در نیمه دوم آذر ماه مراسم باشکوهی به یاد او و با شرکت عرفای

# اخبار جغرافیائی

## کنگره بین المللی پزشکی جغرافیائی

اولین کنگره بین المللی پزشکی جغرافیائی که با شرکت پزشکان و متخصصان ایرانی و خارجی و جمعی از جراحان کشور در تالار شهید دستغیب دانشگاه شیراز ترتیب یافته بود پس از پنج روز جلسات مداوم بازآموزی، سخنرانی و بررسی مسائل پزشکی با صدور قطعنامه‌ای در ۹ ماده در تاریخ ۶۵/۲/۲۰ بکار خود پایان داد. متن قطعنامه کنگره به این شرح است:

۱- تأکید به برگزاری سالانه کنگره تحت همین نام در مقیاس وسیع بین المللی بویژه شرکت دانشمندان و صاحب نظران جهان سوم برای بررسی مسائل پزشکی بالاخص جهان سوم.

۲- از آنجا که مقالات ارائه شده باید حاصل تحقیقات و پژوهش‌هایی باشد که راهگشای مسائل و معضلات مردم باشد بایستی امکانات تحقیقاتی بیشتر در اختیار دانشگاه و مؤسسات پژوهشی قرار گیرد تا بتوانند با استفاده از پیشرفت‌های جدید علمی و تکنیکی مسائل خاص منطقه‌ای را مورد تحقیق قرار دهند. بودجه پژوهشی از قوانین محاسبات نیز مستثنی باشد.

## ایراد چهارمین و پنجمین سخنرانی جغرافیائی

چهارمین سخنرانی گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی در ساعت ۲ بعد از ظهر ۶۵/۱/۲۰ در سالن شهید رجایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با شرکت تعدادی از دبیران جغرافیای استان تهران، دانشجویان و دیگر علاقمندان برگزار گردید. موضوع سخنرانی «مورفولوژی ایران در دوران چهارم» بود که توسط دکتر فرج الله محمودی استاد دانشگاه تهران ایراد گردید. در پایان سخنرانی، دکتر محمودی به سئوالات علمی شرکت کنندگان در سخنرانی پاسخ دادند.

همچنین پنجمین سخنرانی گروه جغرافیا در ساعت ده صبح ۶۵/۲/۲۰ برگزار گردید. موضوع سخنرانی «اقلیم ایران» بود که توسط دکتر ابراهیم جعفرپور استاد دانشگاه تهران ایراد گردید. دکتر جعفرپور در پایان سخنرانی به سئوالات شرکت کنندگان پاسخ دادند. این سخنرانیها و نیز سخنرانیهای قبلی پس از پیاده شدن از نوار در شماره‌های آینده مجلات آموزش جغرافیا چاپ خواهد گردید.



۳- توجه به مسائل خاص پیشگیری و اختصاص دادن قسمتی از برنامه کنترل بدن .

۴- ضمن محکوم کردن کلیه رژیمهای منحنج جهان در بکارگیری سلاحهای شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای که اثرات ناشی از آن مدت‌ها پس از خاتمه جنگ باقی می‌ماند، اولویتی به تحقیقات در این باره داده شود که ضمن کمک به مجروحان از فرصت بدست آمده اثرات بیولوژی، اجتماعی و اقتصادی این مواد را مورد بررسی قرار دهد .

۵- همکاری کلیه ارگانها بخصوص وزارتخانه‌های امور خارجه، آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی لازم و ضروری است .

۶- تخصیص جوایزی برای نویسندگان بهترین مقالات تحقیقاتی جهت تشویق پژوهشگران .

۷- تخصیص بودجه خاص برای کنگره

۸- تأسیس ستاد هماهنگ کننده برنامه‌های پژوهشی در دانشگاههای مختلف و کنگره‌هایی با اهداف مشترک بطوریکه از دوباره کاری جلوگیری شود .

۹- شرکت کنندگان و برگزار کنندگان ضمن پشتیبانی کامل از ادامه جنگ تا رفع کامل فتنه آمادگی کامل خود را جهت شرکت در جبهه نور در لیبیک به فرمان امام اعلام می‌نمایند .

۳- تدوین مجموعه علمی از تحقیقات انجام شده جهت استفاده مراکز علمی و دانشگاهی .

۴- جمع‌بندی نظرات و پیشنهادات منطقی به منظور حل معضلات ناشی از مهاجرت‌های روستائی و ارائه آن به مسئولین اجرایی کشور .

با اطلاع قبلی، کمیته برگزار کننده در حدود ۹۰ مقاله دریافت کرده بود که از آن میان ۲۰ مقاله به سبب دریافت به موقع در برنامه سخنرانها گنجانده شد. برابر برنامه تنظیمی، قبل ازظهرها به سخنرانها اختصاص داشت و بعدازظهرها کار کمیسیونهای پنجگانه مجمع به شرح زیر شروع می‌شد :

۱- کمیسیون شماره ۱، نظریه‌های مهاجرتی .

۲- کمیسیون شماره ۲، تحلیل مهاجرت‌های روستائی در کشور .

۳- کمیسیون شماره ۳، بررسی زمینه‌های دافعه و جاذبه در مناطق شهری .

۴- کمیسیون شماره ۴، بررسی زمینه‌های دافعه و جاذبه در مناطق روستائی .

۵- کمیسیون شماره ۵، پیشنهادات منطقی برای حل معضلات مهاجرت‌های روستائی .

سخنرانان مجمع علمی بررسی مهاجرت‌های روستائی عبارت بودند از : دکتر حبیبی، دکتر شکویی، حجه الاسلام دکتر احمدی، حجه الاسلام فاضل هرندی، شهردار تهران، دکتر طالب، دکتر-مهاجرانی، مشاور اقتصادی نخست وزیر، وزیر جهاد سازندگی، دکتر پورافکاری، دکتر تقوی، دکتر مساواتی آذر، نماینده وزارت کشور، برادر حافظ نیا دانشجوی رشته جغرافیای مدرسه، رئیس مرکز آمار و معاون وزارت برنامه و بودجه. دکتر قره نژاد، دکتر کردوانی، دبیر شورای نظارت برگسترش شهر تهران، دکتر غیور، نماینده وزارت کشور، دکتر پایلی و دکتر ارسلان بد .

برابر یک بررسی که از شرکت کنندگان در مجمع بعمل آمد در حدود ۹۸٪ شرکت کنندگان از سطح علمی مجمع اظهار رضایت کردند. قرار است مقالات ارائه شده در یک مجموعه ۸۰۰ صفحه‌ای از طرف مدرسه تربیت مدرس منتشر گردد. در پایان کار مجمع، قطعنامه‌ای در ۱۵ ماده صادر گردید .

## مجمع علمی بررسی تحلیلی مسئله مهاجرت‌های روستائی در کشور:

از بعدازظهر روز یکشنبه، ۲۴ فروردین ماه، مجمع علمی بررسی تحلیلی مسئله مهاجرت‌های روستائی در کشور کار خود را با تلاوتی از آیات کلام الله مجید و با شرکت جغرافی دانان، جامعه‌شناسان، اقتصاد دانان، مدیران و مسئولین اجرایی کشور آغاز کرد. این مجمع که به همت گروه جغرافیای مدرسه تربیت مدرس برگزار گردید دارای اهداف زیر بود :

- ۱- شناخت ریشه‌ها و علل مهاجرت‌های روستائی در کشور .
- ۲- گشودن باب تحقیق علمی در این زمینه برای مناطق مختلف کشور .

# اطلاعیه

## درباره نشریات رشد آموزش تخصصی

مجلات رشد آموزش مواد درسی مدارس کشور نشریاتی است که از سوی گروههای درسی دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و ناه‌لیف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش با همکاری دفتر امور کمک آموزشی هر سه ماه یک بار - چهار شماره در سال - منتشر می‌شود .  
این نشریات در حال حاضر عبارتند از :

- |                         |                         |
|-------------------------|-------------------------|
| ۱- رشد آموزش ریاضی      | ۲- رشد آموزش زبان       |
| ۳- رشد آموزش شیمی       | ۴- رشد آموزش فیزیک      |
| ۵- رشد آموزش زمین‌شناسی | ۶- رشد آموزش ادب فارسی  |
| ۷- رشد آموزش جغرافیا    | ۸- رشد آموزش زیست‌شناسی |

هدف از انتشار این نشریات در وهله اول ارتقاء سطح معلومات معلمان و در مرحله بعد ایجاد ارتباط متقابل میان معلمان هر رشته و دفتر تحقیقات به منظور تبادل تجارب و مطالب جنبی و مفید درسی است .  
دبیران ، دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر علاقه‌مندان به اشتراک این مجلات می‌توانند جهت اشتراک هر چهار شماره از یک مجله در سال مبلغ ۴۰۰ ریال به حساب ۹۲۹ خزانه بانک مرکزی - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی - واریز و فیش آن را همراه با فرم تکمیل شده زیر به نشانی تهران ، صندوق پستی شماره - ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱ دفتر امور کمک آموزشی - مرکز توزیع ارسال دارند . شماره تلفن مرکز توزیع : ۸۲۱۴۸۱  
فرم اشتراک مجلات رشد تخصصی

اینجانب	با ارسال فیش واریز مبلغ ۴۰۰ ریال ، متقاضی اشتراک یکساله		
مجله رشد آموزش	هستم .		
نشانی دقیق متقاضی : استان	شهرستان	خیابان	
کوچه	تلفن		
پلاک			

توجه ، دانشجویان مراکز تربیت معلم می‌توانند با ارسال فتوکپی کارت تحصیلی از ۵۰٪ تخفیف برخوردار شوند .

محل فروش آزاد :

۱- تهران :

الف - کتابفروشی شهید سید کاظم موسوی ، اول خیابان ایرانتهر شمالی

ب - موهسه گیتاشناسی - خیابان انقلاب ، خیابان ارفع شماره ۱۵

ج - مرکز نشر دانشگاهی - نمایشگاه دائمی کتاب

د - کتابفروشی صفا - روبروی دانشگاه تهران

ه - کیوسکهای معتبر مطبوعات

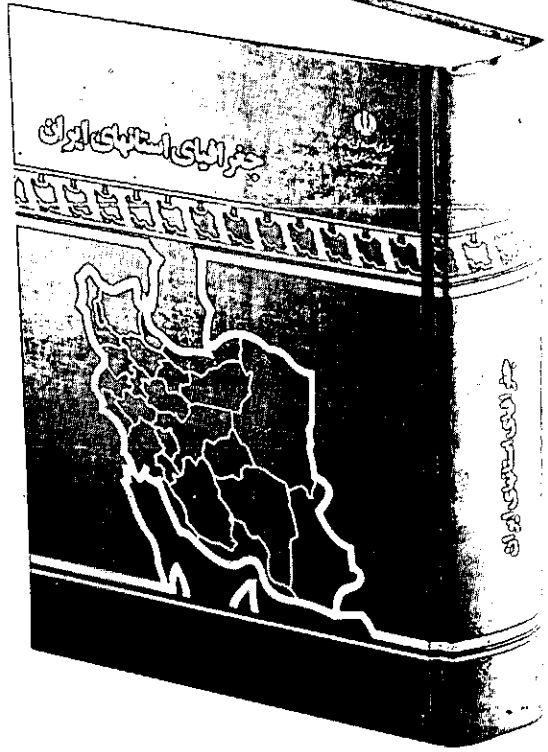
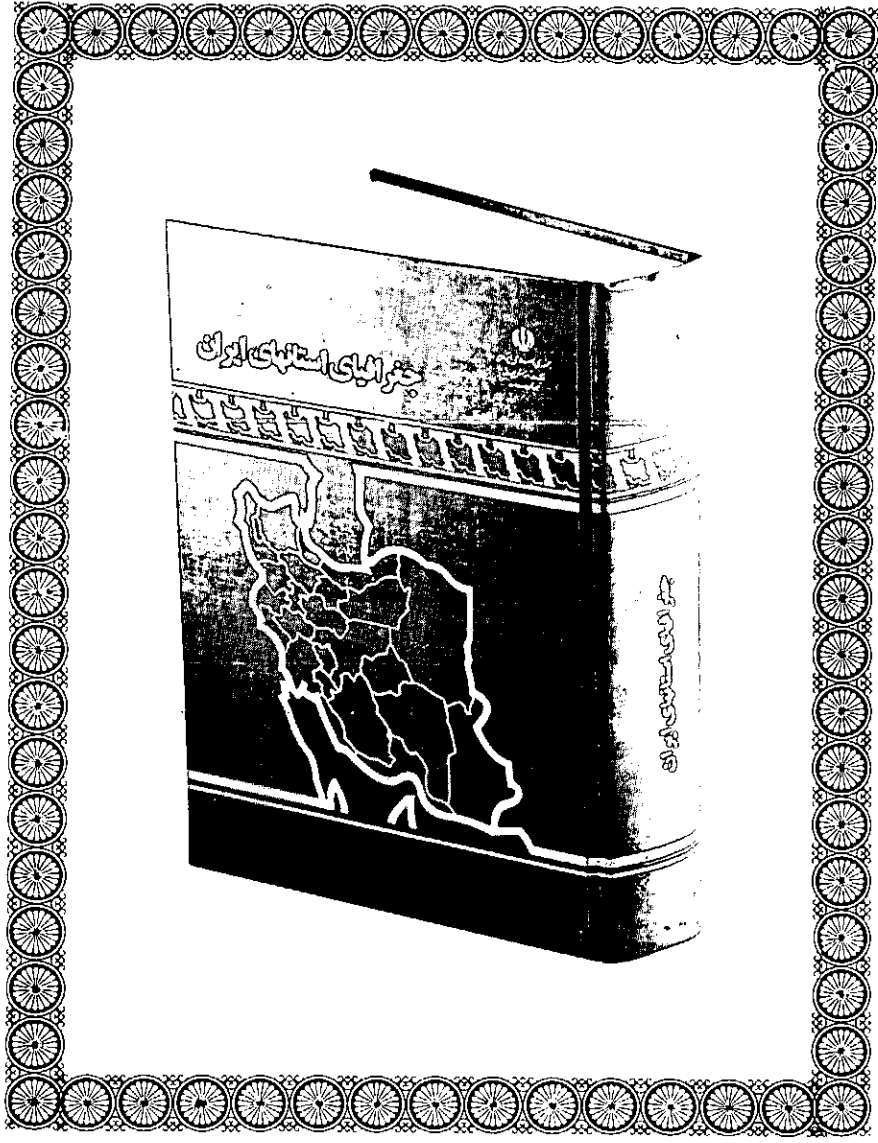
۲- آذربایجان شرقی - مطبوعاتی ملازاده - تبریز

۳- آذربایجان غربی - مطبوعاتی زینال پور - ارومیه

۴- اصفهان - کتابفروشی مهرگان و کتابفروشی جنگل

۵- مازندران - هماهنگی گروههای آموزشی استان - ساری

۶- کرمان - پارک مطهری ، فرهنگسرای زمین



جغرافيا الشرق الأوسط

الشرق الأوسط

الشرق الأوسط

